



مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری

ISSN: 2645-4424

فصلنامه مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری
سال چهارم، شماره ۴ (پیاپی: ۱۷)، زمستان ۱۴۰۰

بهره‌گیری از متدولوژی گروه‌های بحث در بررسی چالش‌های
کمیته‌های نما شهر تهران
مائده پورفتح‌اله

تبیین و طرح‌ریزی مسکن شهری با قابلیت انعطاف در
یافت‌های فرسوده: نمونه موردی: شهر سقز
فرخ عبودی، صابر زارعی

مطالعه تطبیقی بنیان‌های فرمیک دوران پس-امدرن:
نمونه موردی: پیتز آیزمن و زاهادید
سینا جان‌فروززاده، منوچهر فروتن

بررسی جنسیت و تفاوت‌های آن در ادراک فضای شهری
سمیرا الله‌قلی‌پور ملایوسف، مریم حافظی‌فر

تبیین متغیرهای قوانین و مقررات، پاسخ‌گویی، شفافیت و
قانونمندی نهاد شهرداری در حقوق و انتظارات شهروندی
حمزه اکبرپور



نشریه

نشانی: کرج، آزادگان، ابتدای بلوار مطهری، کوچه شهید سبحانی، پلاک ۲۸، واحد ۴
کد پستی: ۳۱۴۳۹۵۳۵۹۵
www.UDSJ.ir
Shij.journals@gmail.com
۰۲۶ ۳۴۴۵۳۱۳۱ / ۰۲۱ ۴۳۸۵۷۱۳۴

جای

انتشارات هنر و علوم دانشگاهی، تلفن: ۰۲۱ ۳۳۸۴۰۷۹۲
نشانی: تهران، افسریه، ۱۵ متری اول، کوچه ۲۸، پلاک ۲۹۳

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: میلاد فتحی

زیر نظر شورای سردبیری
مدیر اجرایی: منیژه ملائی

اعضای شورای علمی و داوری تحریریه: (به ترتیب حروف الفبا)

- دکتر میترا عظیمی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی
- دکتر وحیده ابراهیم‌نیا، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی
- دکتر حسن اسماعیل‌زاده، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی
- دکتر رحیم حیدری چپانه، عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز
- دکتر ابوالفضل قنبری، عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز
- دکتر وحید بیگدلی‌راد، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی قزوین
- دکتر محمد فرخ‌زاد، عضو هیئت علمی دانشگاه گلستان
- دکتر بهمن صحنه، عضو هیئت علمی دانشگاه گلستان
- دکتر بهرام ایمانی، عضو هیئت علمی دانشگاه محقق اردبیلی
- دکتر حبیب‌اله فصیحی، عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی

فراخوان پذیرش مقاله:

نشریه «مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری» توسط موسسه مطبوعاتی مطالعات کاربردی شپاک و با همکاری علمی اساتید برجسته دانشگاه‌های کشور به انتشار مقالات علمی در زمینه برنامه‌ریزی شهری، طراحی شهری و به طور عام شهرسازی، می‌پردازد. از این‌رو از تمام اساتید، صاحب‌نظران، کارشناسان، دانشجویان و پژوهشگران دعوت می‌شود با ارسال مقالات علمی خود از طریق وبسایت نشریه به نشانی www.UDSJ.ir در پربارتر کردن این نشریه، ما را یاری نمایند. برای ارسال مقاله کافی است تا در وبسایت ثبت‌نام نموده و با ورود به پنل کاربری، مقاله خود را ثبت کنید.

محورها و موضوعات پذیرش مقاله:

- | | |
|-------------------------------|---|
| - برنامه‌ریزی شهری | - اخلاق حرفه‌ای، آموزش و پژوهش در |
| - شهرسازی ایرانی و اسلامی | - شهرسازی |
| - شهرسازی و توسعه پایدار | - آسیب‌های شهری و سکونتگاه‌های |
| - مدیریت شهری و اقتصاد شهری | - غیررسمی |
| - مبانی نظری و تاریخ شهرسازی | - شهرسازی و پایداری اجتماعی و فرهنگی |
| - ارتباط دوسویه معماری و | - نقش محیط زیست و اقلیم در توسعه شهری |
| - شهرسازی | - مدیریت بحران و پدافند غیرعامل در |
| - مرمت و احیا بافت‌های تاریخی | - شهرسازی |
| - شهری | - جامعه‌شناسی شهری و گردشگری شهری |
| - شهرسازی و مطالعات طراحی | - مدیریت دانش و مطالعات میان رشته‌ای در |
| - شهری | - شهرسازی |

فهرست مقالات

صفحه	عنوان مقاله
۱	بهره‌گیری از متدولوژی گروه‌های بحث در بررسی چالش‌های کمیته‌های نما شهر تهران مأده پورفتح اله
۹	تبیین و طرح‌ریزی مسکن شهری با قابلیت انعطاف در بافت‌های فرسوده؛ نمونه موردی: شهر سقز فرخ عبودی، صابر زارعی
۲۳	مطالعه تطبیقی بنیان‌های فرمیک دوران پسامدرن؛ نمونه موردی: پیتز آیزمن و زها حدید سینا جان‌فروززاده، منوچهر فروتن
۳۷	بررسی جنسیت و تفاوت‌های آن در ادراک فضای شهری سمیرا اللهقلی‌پور ملایوسف، مریم حافظی‌فر
۴۳	تبیین متغیرهای قوانین و مقررات، پاسخگویی، شفافیت و قانونمندی نهاد شهرداری در حقوق و انتظارات شهروندی حمزه اکبرپور

بهره گیری از متدولوژی گروه های بحث در بررسی چالش های کمیته های نما شهر تهران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۴

کد مقاله: ۶۳۰۹۷

مأنده پورفتح اله^{۱*}

چکیده

ساماندهی سیما و منظر شهری از جمله مباحثی است که طی سال های اخیر مورد توجه مدیریت شهری قرار گرفته است. در این میان، نمای ساختمانهای شهر تهران به عنوان جز جدایی ناپذیر از منظر شهری در کمیته های تخصصی مورد بررسی قرار می گیرد که از هنگام شکل گیری تاکنون با چالش هایی مواجه بوده است. با توجه به درگیر بودن گروه های مختلف اعم از طراح، سازندگان و اساتید دانشگاهی در فرآیند بررسی نما در این کمیته ها، استفاده از متدولوژی گروه های بحث به عنوان روشی سیستماتیک برای دستیابی به ریشه های اساسی و ارائه راهکار موثر است. در این مقاله چالش های پیش رو فرآیند بررسی نما در سیما و منظر شهر تهران مورد شناسایی و بازخوانی قرار گرفته است. یافته های پژوهش نشان می دهد نبود ضمانت اجرایی مهمترین چالش از نظر اعضای کمیته نما و برخور سلیقه ای مهمترین دغدغه طراحان و سازندگان در فرآیند بررسی نما است.

واژگان کلیدی: ساماندهی نما، سیما و منظر، کمیته نما، شهر تهران، متدولوژی گروه بحث.

۱- مقدمه

نگاه کلی به معماری معاصر شهر تهران گویای بی توجهی به هویت تاریخی- فرهنگی گذشته و محیط پیرامون می باشد. معماری امروز مسیر شخصی و دلخواه خود را می رود تا به نهایت تکرار و پراکندگی بیانجامد و هیچ وحدتی را در خود نبیند. عدم توجه به این مهم، سبب فزونی یافتن بی هویتی در سیمای شهر تهران گشته است. این عدم هویت جدا از وحدت و یکپارچگی، استمرار فرهنگی-تاریخی شهر تهران را از میان برده است. در سالهای اخیر مصوبات و قوانین زیادی در جهت نظام بخشی و ساماندهی معماری شهری و ساخت وسازها بر اساس معماری اسلامی و ایرانی صورت گرفته است. منظر شهری مقوله‌ای است که به طور مستقیم با هویت شهر در ارتباط است، زیرا همواره مفاهیمی را بازتولید می کند که از توده، فضا، اجزاء شهری و عناصری بر آمده است که در طول تاریخ در تعامل انسان‌ها با محیط پدید آمده‌اند. (کلانتری، اخوت، ۲۵، ۱۳۹۰) در طی دهه های اخیر، شهرها در سیر تحول خود، به تبع تحولات ناشی از اندیشه جهانی شدن، دستخوش تغییرات شگرفی گردیده اند. در این روند، رابطه گذشته و کنونی فضاهای شهری از هم گسیخته شده و مفهوم هویت بیش از هر چیز آسیب دیده، که بخشی از تأثیرات آن در منظر شهرها، تجسم یافته است. جدا از ارزش هایی که سیاست گذاری کلان دارند ارائه راهکارها و سیاست های اجرایی بسیار حایز اهمیت است که متأسفانه به آن پرداخته نشده است به نحوی که تغییری در سیما و منظر شهر تهران مشاهده نشده و بحران بی هویتی در آن روز به روز بیشتر می شود. بهره گیری هر چه تمام تر از ظرفیت و پتانسیل های دانشگاهی و جامعه حرفه ای علاوه بر مدیریت شهری در اجرایی کردن سیاست های کلان در حوزه شهرسازی و معماری در کنار فرهنگ سازی در جامعه می تواند اثر بخش باشد.

شهرها از طریق نماهای شهری دیده می شوند و هویت شهری و خاطرات از طریق همین نماها منتقل می شود. نما در شهر یک عنصر مهم متشکل از تک بناهاست که وقتی به طور مجموعه قرار می گیرند، هویت دیگری پیدا می کند و اثر آنها تشدید می شود. در گذشته

بومی بودن مصالح، زمینه ساز ادراک وحدت کالبدی و ذهنی شهر با طبیعت پیرامون خویش بود. (محمد نقی زاده، ۱۳۸۷، ۱۶۳) و تغییر مصالح مورد استفاده در پوسته بناها و ابداعات گوناگونی که در این زمینه صورت گرفته مسبب اصلی پدید آمدن دوره های مختلف تاریخ معماری در ایران بوده است. (کامبیز نوایی و دیگران، ۱۳۹۰، ۱۵۰). اما امروزه با گسترش تکنولوژی و تنوع بسیار در انتخاب رنگ و مصالح، طراحی نما بدون وجود هرگونه ضابطه ای ممکن است آسیبهای جبران ناپذیری را به منظر شهری تحمیل کند. تأکید به تدوین و ارائه ضوابط نما برای ساختمان های شهر تهران در ضوابط و مقررات طرح تفصیلی، معاونت شهرسازی و معماری را بر آن داشت تا با تشکیل کمیته تخصصی ارتقاء کیفی سیما و نمای شهر تهران، در جهت تدوین این ضوابط اقدام نماید تا ضمن تغییر منظر شهر به سوی معماری هویت گرا، پاسخگوی نیازهای ساخت در عصر حاضر نیز باشد. با توجه به درگیر بودن گروه های مختلف با این فرآیند

این فرآیند نقدها و چالش های زیادی را در پی داشته است که نیازمند آسیب شناسی و راهکارهای اجرایی برای مدیریت شهری است. در این مقاله این چالش ها با استفاده از روش گروه بحث مورد بررسی قرار می گیرد. گروه بحث، یک ارزیابی سریع، و جمع آوری نیمه ساختار یافته داده است. روشی که در آن مجموعه ای مبتنی بر هدف انتخاب شده بر اساس لیستی از موضوعات کلیدی توسط محقق از شرکت کنندگان با بحث در مورد مسائل و نگرانیهای آنها پیرامون موضوع جمع آوری می شود.

۲- کمیته نما

ضوابط عام نما در سال ۱۳۹۱ تهیه شد تا زمینه ارتقاء منظر شهری کلانشهر تهران نه با اقدامات سطحی، مقطعی و نتیجتاً ناپایدار بلکه با اتخاذ رویکردی که منظر شهری را به مفهوم "تجلی خارجی یک کلیت واحد" تحلیل می نماید، ارائه نماید. از ابتدای سال ۹۴ کمیته نما در ۲۲ منطقه شهر تهران تشکیل شده و بر اساس آن شهروندانی که برای ساخت و ساز اقدام می کنند نمای ساختمان آن ها باید در کمیته نما به تأیید برسد. بر اساس آیین نامه اجرایی، به منظور تأکید و توجه به کیفیت های محیطی و ضرورت بهره گیری از تدابیر و ابزارهای لازم در فرایند هدایت و کنترل طرح های نمای ساختمانها در تهران و با عنایت به مفاد بندهای ۹-۱۶ و ۱۸-۱۶ ضوابط و مقررات طرح تفصیلی جدید شهر تهران "موضوع تأکید بر ضوابط عام طراحی نمای ساختمانها" و منضمات آن، دستورالعمل فرایند تشکیل و سازوکار اقدامات کمیته نمای مناطق در راستای ارتقای کیفیت منظر شهری، کمیته نما با اهداف، شرح وظایف و ساختار ذیل در مناطق تشکیل گردید:

- ارتقاء کیفیت بصری با تأکید بر شاخص های هویت بخش ایرانی اسلامی
- بهره گیری از توان ظرفیت های موجود کارشناسی و حرفه ای و علمی
- بررسی و تأیید طرح نماهای ساختمان ها بر اساس دستورالعمل کلیات ضوابط عام نمای شهر تهران
- اظهار نظر و ارائه پیشنهاد فنی و تخصصی در خصوص موضوعاتی که از طرف معاونت یا سایر مراجع به کمیته ارجاع می- شود.

در این کمیته ها یک معمار، یک شهرساز و ناظر شورای اسلامی شهر تهران به همراه معاونت و کارشناسان فنی منطقه در جلسات شرکت کرده و کلیه نماها پیش از ساخت مجوز خود را از این کمیته کسب می نمایند.

۳- روش شناسی گروه بحث

گروه بحث روشی سیستماتیک در رابطه با درک مسائل و مشکلات اجتماعی از طریق مطرح کردن سؤالات خاص با جهت گیریهای ویژه به صورت رسمی و غیررسمی است که اکثر محققین، آن را جهت به دست آوردن اندیشه و عقاید گروه و یا گروههای اجتماعی هدف به کار می برند. به کمک این روش می توان گروهها را قبل از طراحی و همچنین در طولانی مدت در زمان بعد از اجرا ارزیابی نمود. (رفعیان، ۱۳۸۵، ۴۸) این روش یک ارزیابی سریع و جمع آوری داده های نیمه ساختار یافته است که در آن مجموعه ای مبتنی بر هدف به بحث در مورد مسائل و نگرانی هایی بر اساس یک لیست از موضوعات کلیدی که توسط محقق گردآوری شده می پردازند. (Kumar 1987). این روش به عنوان یک ابزار ضروری برای محققان بازاریابی (Krueger 1988) تبدیل شده است که بسیار محبوب بوده و راه سریع برای یادگیری مخاطبان که به دنبال هدف می باشند را فراهم می کند. رسانه ها و مطالعات بازاریابی نشان داده اند که بحث گروهی متمرکز یک تکنیک مقرون به صرفه برای استخراج دیدگاه ها و نظرات از مشتریان بالقوه، مشتریان و کاربران نهایی است. در بخش کشاورزی نیز از گروه های تمرکز جهت به دست آوردن بیش و درک مخاطبان هدف، نیازها، مشکلات، باورها با دلایل و شیوه های خاص استفاده شده است. (Debus 1988) روند آنالیز سیستماتیک گروههای بحث را می توان به ۵ مرحله تقسیم نمود. (نمودار ۱)



نمودار ۱- روند آنالیز سیستماتیک گروههای بحث، منبع نگارنده با استناد به (Krueger, 2002, 10)

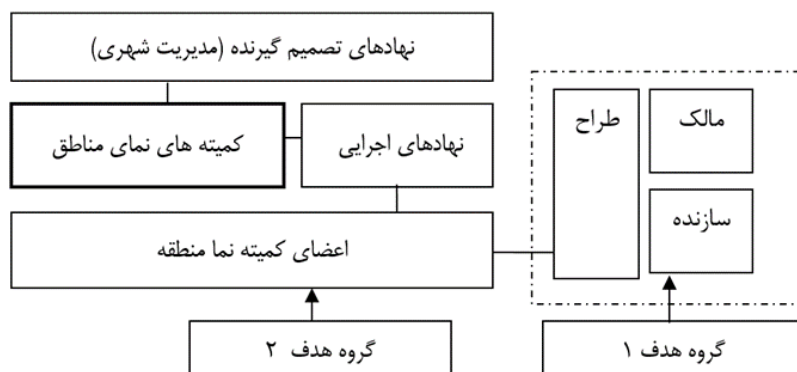
همان طور که اشاره شد، شناخت چالش های پیش روی ساماندهی نما در کمیته های نمای مناطق و جلوگیری از ناکارآمدی اقدامات و تلاش ها امری ضروری است، روش گروههای بحث از جنبه های زیر می تواند در این بررسی حایز اهمیت باشد:

- با توجه به درگیر بودن گروههای مختلف و ابعاد اجتماعی، این روش یکی از بهترین روش های به دست آوردن راه حل های دارای ساختار اجرایی چندگانه است. نهادهای تصمیم گیرنده، گروههای اجرایی، صاحب نظران و گروههای درگیر
- جهت گیری ساماندهی نما به سمت شیوه های دستوری و متمرکز از بالا به پایین در برنامه و تصمیم گیری ها نیازمند افکارسنجی و شناختی است که گروههای بحث می تواند آن را تامین کند.
- این روش توجه به معیارهای اعتماد، مشارکت، مسوولیت پذیری و احترام به نظرات مختلف را در پی دارد.
- به کار گیری این روش موجب کاهش آسیب های ناشی از ابراز عقیده و قدرت بیان می شود.

۳-۱- جامعه آماری و حجم نمونه

یک گروه بحث معمولاً از ۵ تا ده نفر تشکیل شده است که در یک گروه با ویژگی های مشخص قرار گرفته اند. زمان بحث های هر گروه تقریباً بین ۱،۵ تا ۲ ساعت است که معمولاً برای هر نفر در گروههای بحث ۱۰ الی ۱۵ دقیقه در نظر گرفته می شود. هر جلسه بحث نیز ۲ الی ۳ موضوع کلیدی را در بر می گیرد. (Gorsly, 2001, 16) در این مقاله دو گروه هدف برای بحث انتخاب شدند. اولین گروه هدف شامل افراد درگیر در کمیته های نما به عنوان متقاضی هستند که به طور مستقیم شامل طراحان می باشند ولی به طور غیر مستقیم مالک و سازنده نیز شامل آن می شوند. با توجه به تخصصی بودن موضوع گروه هدف ۱ شامل

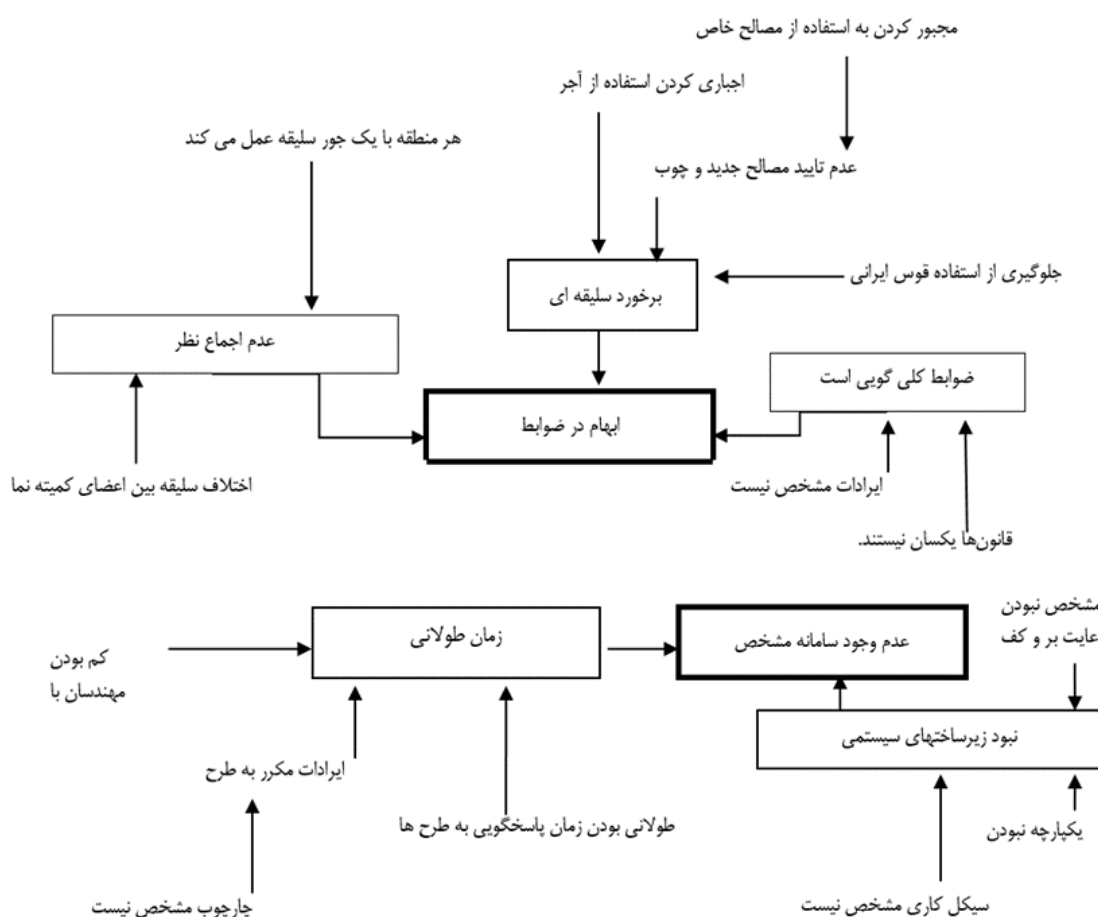
طراحان و مجریان نما هستند که فعالیت حرفه ای داشته و طرحهای خود را به کمیته های نمای حداقل دو منطقه ارائه داده اند. گروه هدف ۲ شامل اعضای متخصص (معماری و شهرسازی) کمیته نمای مناطق هستند. این افراد به گونه ای انتخاب شده اند که حداقل ۶ ماه متوالی در فرآیند بررسی نما حضور داشته اند. (نمودار ۲)



نمودار ۲: تعیین گروه‌های هدف، منبع نگارنده

۴- فرآیند آزمون و تحلیل نتایج

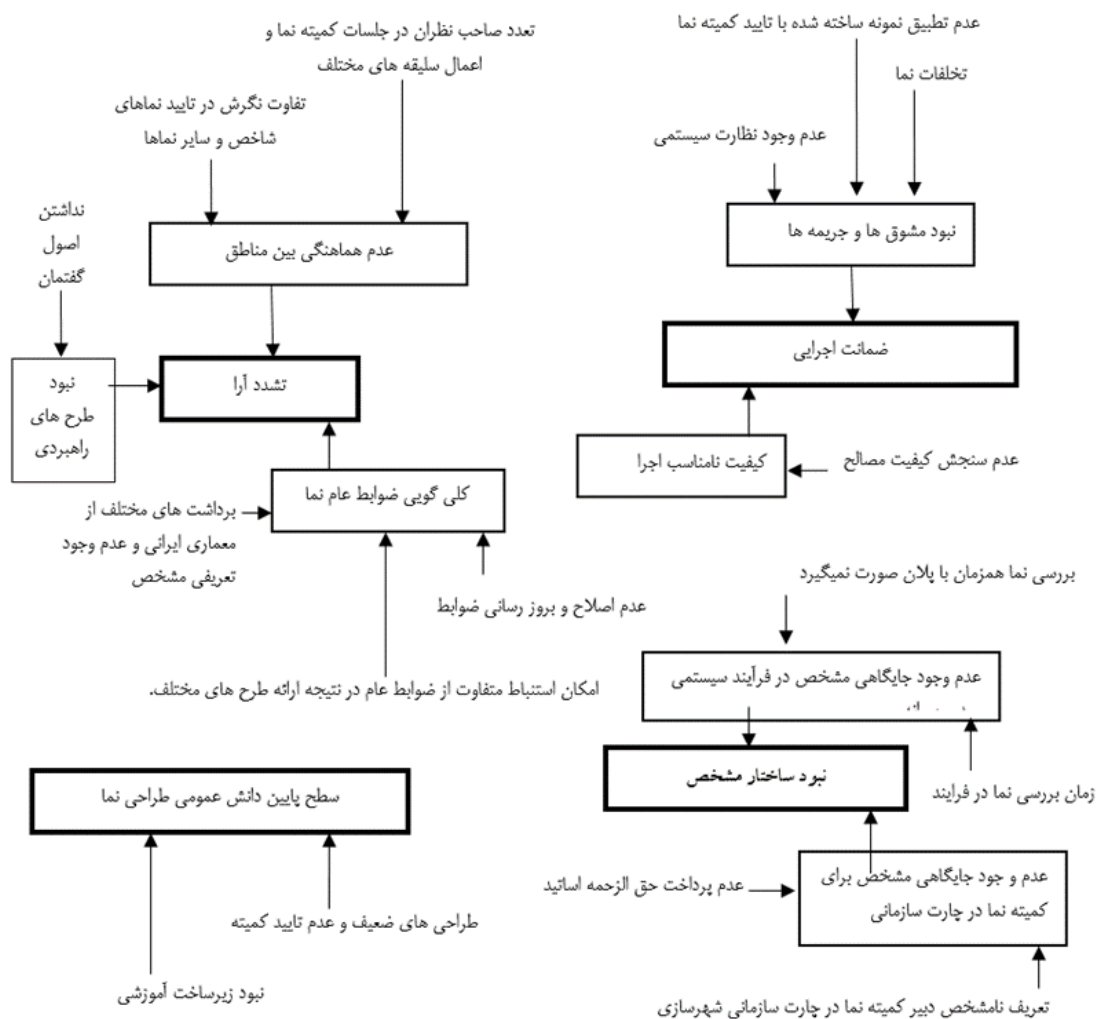
به منظور درک بیشتر، چالش‌ها به تفکیک هر یک از گروه‌های هدف اشاره می‌شود. در گروه هدف ۱ متشکل از طراحان و مجریان نما پس از بحث، مهمترین نکات پیش رو از نظر این گروه مورد تحلیل قرار گرفت. (نمودار ۳)



نمودار ۳: نمودار علت و معلولی مشکلات و چالش‌ها از نظر گروه هدف ۱، منبع نگارنده

جدول ۱: نتایج گروه هدف ۱ حاصل از بحث های گروهی

مشکل	مشکل علی میانه	مشکل علی اصلی	فعالیهایی نهادهای اجرایی	فعالیت هایی مدیریت شهری
ابهام در ضوابط	ضوابط کلی گویی است	ایرادات مشخص نیست قانونها یکسان نیستند.	یکسان سازی ضوابط اعلام ضوابط به سازندگان و طراحان ارائه الگوی مناسب برای هر خیابان یا منطقه تهیه سازوکار ویژه برای انتخاب مصالح و نه صرفا پیشنهاد و توصیه آجر	تصویب ضوابط و قوانین مشخص و بدون شائبه برای بررسی نما قانون گذاری کلان و خرد در این حوزه نظارت بیشتر بر فرآیند بررسی های در کمیته های
	برخورد سلیقه ای	جلوگیری از استفاده قوس ایرانی عدم تایید مصالح جدید و چوب اجباری کردن استفاده از آجر مجبور کردن به استفاده از مصالح خاص		
	عدم اجماع نظر	اختلاف سلیقه بین اعضای کمیته نما هر منطقه با یک جور سلیقه عمل می کند		
عدم وجود سامانه مشخص	نبود زیرساخت	یکپارچه نبودن مشخص نبودن رعایت بر و کف سیکل کاری مشخص نیست	ایجاد یک طرح تفصیلی برای نما در هر محله و تعیین الزامات آن محدوده. ارائه الگوی مناسب و طرح جامع قابل دسترس برای عموم هماهنگی با نواحی جهت اجرا سیستمی بودن و قابل دسترس نظارت بر اختلاف ارتفاعها و رعایت قوانین	نمای مناطق
	زمان طولانی	طولانی بودن زمان پاسخگویی به طرح ها ایرادات مکرر به طرح کم بودن مهندسان با تجربه چارچوب مشخص نیست	برگزاری منظم جلسات (دو روز در هفته) نمایش فرآیند و زمان بررسی در سامانه مشخص جهت نظارت	



نمودار ۴: نمودار علت و معلولی مشکلات و چالش ها از نظر گروه هدف ۲، منبع نگارنده

همان طور که مشاهده می شود، نبود ساختار مشخص و تشدد آرا از جمله چالش هایی است که از طرف هر دو گروه هدف به نحوی مطرح و مورد توجه قرار گرفته است. در ادامه و در جدول زیر (جدول ۲) راهکارهای پیشنهادی در حوزه های مختلف دسته بندی شده است.

جدول ۲: نتایج گروه هدف ۲ حاصل از بحث های گروهی

مشکل	مشکل علی میانه	مشکل علی اصلی	فعالیت‌هایی نهادهای اجرایی	فعالیت‌هایی مدیریت شهری
نبود ضمانت اجرایی	نبود مشوق ها و جریمه ها	عدم وجود نظارت سیستمی تخلقات نما عدم تطبیق نمونه ساخته شده با تایید کمیته نما	ایجاد ساز و کارهای ضمانت اجرایی طرح نمای تأیید شده با تأکید بر نقش نواحی آموزش شهربانان و تداوم آموزش بصورت میدانی و حوزه بندی سیستمی شدن نماها در سامانه درج تصویر سه بعدی نما در پروانه حمایت کمیسیون ماده صد در خصوص ورود به مقوله نما	تصویب قوانین تشبیهی و ایجاد سازو کارهای نظارتی تعیین تکلیف تخلقات با استناد به قوانین در کمیسیون ماده صد
	کیفیت نامناسب اجرا	عدم سنجش کیفیت مصالح	ایجاد ساز و کارهای ضمانت اجرایی طرح نمای تأیید شده با تأکید بر نقش نواحی برپایی نمایشگاه ها کوچک و دائمی جهت شناخت مصالح بادوام و پایدار تشویق طراحان و سازندگان برتر مناطق رتبه بندی برای ارجاع کار نصب بنر طرح در محل اجرا.	کمک به ایجاد سامانه یکپارچه فرآیند صدور پروانه و پیش بینی جایگاه نما پیش‌بینی سازوکارهای مدیریتی و نظارتی مشخص
تشدد آرا	عدم هماهنگی بین مناطق	تفاوت نگرش در تایید نماهای شاخص و سایر نماها تعدد صاحب نظران در جلسات کمیته نما و اعمال سلیقه های مختلف	برگزاری ایستگاههای نما در سطح شهر با محوریت نمایش نماهای مطلوب منتخب مردم آگاه سازی مناطق از اقدامات شاخص صورت گرفته درهرمنطقه ازطریق ایجادسایت و یا اختصاص قسمتی جهت این امر و ترویج اقدامات برای مناطق دیگر	اصلاح چارت سازمانی و ارتقا کمیته های نما تشکیل کمیته تجمیع آرا در سازمانهای متصدی طرح نما و منظر شهری مشارکت سازمان نظام مهندسی ساختمان در موضوع نما
	کلی گویی ضوابط عام	برداشت‌های مختلف از معماری ایرانی و عدم وجود تعریفی مشخص عدم اصلاح و بروز رسانی ضوابط امکان استنباط متفاوت از ضوابط عام در نتیجه ارائه طرح های مختلف. نبود زیرساخت آموزشی	ایجاد رویه های نظارت در شکل گیری وحدت رویه مناطق بیست و دوگانه در خصوص اعمال درست دستورالعمل های ابلاغی معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران به دلیل عدم اشرافیت معماران فاقد پروانه نظام مهندسی به مباحث مقررات ملی پیشنهاد می گردد کلاس های آموزشی با استفاده از اساتید مجرب در شهرداری مناطق برگزار گردد	ایجاد کارگروهی متشکل از کمیته نماهای فعال (معاون، دبیر، عضو هیئت علمی، نماینده اداره کل معماری و ساختمان، نماینده شورای شهر) و برگزاری سلسله جلسات متناوب
	نبود طرح های راهبردی	نداشتن اصول گفتنمان	ایجاد امکان درجه بندی طراحان یا حداقل ممانعت از ارائه طرح توسط طراحانی که پس از مراجعات بیش از حد به کمیته نما توان اخذ تأیید دارند.	حمایت از انتشار، چاپ و ترویج اقدامات آموزشی کمیته نما نظیر چاپ تجربیات، آسیب شناسی عدم تأیید نماهای
نبود ساختار مشخص	عدم وجود جایگاهی مشخص در فرآیند سیستمی صدور پروانه	زمان بررسی نما در فرایند صدور پروانه بررسی نما همزمان با پلان صورت نمیگیرد	حذف بحث تعهد نما و یا در نظر گرفتن شرایط ویژه برای اخذ تعهد	

مشکل	مشکل علی میانه	مشکل علی اصلی	فعالیت‌های نهادهای اجرایی	فعالیت‌هایی مدیریت شهری
	عدم وجود جایگاهی مشخص برای کمیته نما در چارت	عدم پرداخت حق الزحمه اساتید تعریف نامشخص دبیر کمیته نما در چارت سازمانی شهرسازی	آسیب شناسی عدم تأیید نماهای ساختمانی جهت آگاه‌سازی شهروندان و طراحان چارت شهرسازی مناطق بایستی تغییر یابد تعریف پست سازمانی متناسب و مناسب برای دبیران و کارشناسان متخصص کمیته نما در مناطق سیستمی شدن روند بررسی و کرکسیون	ساختمانی جهت آگاه سازی شهروندان و طراحان
سطح پایین دانش عمومی طراحی نما	-	طراحی های ضعیف و عدم تأیید کمیته نبود زیرساخت آموزشی	برگزاری کارگاه‌های آموزشی در مناطق انتشار الگوهای مطلوب و نماهایی با هوت ایرانی اسلامی	

همچنین در انتهای گروه بحث با توجه به نتیجه گیری حاصله مشکلات به تفکیک اولویت برای هر گروه هدف به دست آمد. از نظر گروه هدف ۱ که شامل طراحان و مجریان نما بود مهمترین مشکل برخورد سلیقه ای با طرح ها بوده که تا حدودی موجب سرگردانی طراحان و طولانی شدن فرآیند تصمیم گیری و تأیید نما گردیده است. این در حالیست که مهمترین معضل عنوان شده از سوی گروه هدف ۲ که از اعضای کمیته نما هستند، نبود ضمانت اجرایی است.

جدول ۳: اولویت مشکلات از نظر گروه‌های هدف

مشکلات از نظر گروه هدف ۱ به تفکیک اولویت	مشکلات از نظر گروه هدف ۲ به تفکیک اولویت
برخورد سلیقه ای	نبود ضمانت اجرایی
نبودن چارچوب مشخص	نبود طرح های راهبردی و عدم بروزرسانی ضوابط
مدت زمان طولانی بررسی	نبود ساختار مشخص

۸- نتیجه گیری

تشکیل کمیته های نمای مناطق طی سالهای اخیر اقدامی موثر در جهت ارتقا منظر شهری است . با توجه به اینکه روند پیشرفت این اقدام تدریجی است، استمرار در آن ضرورت دارد و استمرار جز با ارزیابی و شناسایی ابعاد و چالش‌ها در جهت برنامه ریزی و مرتفع ساختن آنها محقق نمی شود. نتایج این تحقیق نشان میدهد چالش های جدی در راه تحقق این فرآیند وجود دارد که می توان با برنامه ریزی و استفاده از پیشنهادات سازنده رفع گردد. از نظر اعضای کمیته نما بدون وجود ضمانت اجرایی و دستورالعمل های قانونی تشبیهی و تنبیهی نمی توان شاهد نتیجه مطلوب بود. از طرفی با توجه به اینکه سطح دانش عمومی طراحان در زمینه طراحی نما پایین است، برگزاری دوره های آموزشی بسیار ضروری است . همچنین همکاری با سازمان نظام مهندسی می تواند نقش موثری در رفع مشکلات پیش رو فرآیند بررسی و اجرای نماهای ساختمانی باشد. مدیریت شهری می تواند با تدوین قوانین جهت سیستمی شدن فرآیند بررسی نما و همزمان شدن آن با بررسی پلان در زمان صدور پروانه و بازبینی چارت سازمانی، نقش مهمی در ارتقا جایگاه کمیته های نما داشته باشد. دستگاه های مجری نیز می توانند با ارتقا سازو کارهای اجرایی خود در نهادینه کردن این کمیته ها نقش موثری داشته باشند. طراحان و سازندگان نیز مهمترین مشکل را برخورد سلیقه ای با طرح و مدت زمان طولانی این فرآیند می دانند. با تدوین ضوابط مشخصتر و برگزاری نشست های هم اندیشی جهت یکپارچه کردن تصمیمات اعضای کمیته نما می توان تا حدود زیادی این مشکل را مرتفع نمود. همچنین با ایجاد سامانه مشخص و اعلام ضوابط به سازندگان و طراحان و ارائه الگوی مناسب برای مناطق و محورها می توان به ارتقا این فرآیند کمک نمود.

تشکر و قدردانی

تشکر ویژه از اعضای کمیته نما، مجریان و طراحانی که در گروه های بحث شرکت کرده و نظرات خود را ارائه نمودند.

منابع

۱. رفیعیان، مجتبی و سایرین، کاربرد متدولوژی گروه‌های بحث در مطالعات توانمند سازی محلات غیر رسمی شهری، نشریه هنرهای زیبا، ۱۳۸۵، صص ۴۷-۵۶
۲. کلانتری، حسین و هانیه اخوت، برنامه‌ریزی منظر شهری، ناشر: پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی، نوبت اول ۱۳۹۰.
۳. نوایی، کامبیز و دیگران، ۱۳۹۰، خشت و خیال شرح معماری اسلامی ایران، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، سروش (انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران).
۴. نقی زاده محمد، (۱۳۸۷)، معماری و شهرسازی اسلامی، نشر مانی، تهران.
5. Krueger, Richard, (2002) Designing and Conducting Focus Group Interviews, www.eiu.edu/ihec/Krueger-FocusGroupInterviews.pdf
6. Krueger, R. A. (1988). Focus groups: A practical guide for applied research. Newbury Park, California, U.S.A.: Sage Publications, Inc.
7. Kumar, K. (1987). Conducting focus group interviews in developing countries. A.I.D. Program Design and Evaluation Methodology Report No. 8. Washington, D.C.: U.S. Agency for International Development.
8. Debus, M. (1988). A handbook for excellence in focus group research. HEALTHCOM Project special Report Series. Washington, D.C.: Porter/ Novelli.
9. Gorsky, Paul (2003), "The influence of group size in non-mandatory asynchronous instructional discussion groups", Open University of Israel Telavive

تبیین و طرح ریزی مسکن شهری با قابلیت انعطاف در بافت های فرسوده؛ نمونه موردی: شهر سقز

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۷

کد مقاله: ۳۶۸۳۷

فرخ عبودی^{۱*}، صابر زارعی^۲

چکیده

بافت های تاریخی و فرسوده ی شهری به دلیل مرکزیت جغرافیایی، سهولت دسترسی، استقرار بازار (فعالیت های تجاری) و دارا بودن ارزش های تاریخی و فرهنگی، دارای ظرفیت بالقوه برای تولید درآمد و به تبع آن پرداخت اجاره بهاء می باشد. علی رغم این ویژگی ها، محلات مسکونی پیرامون هسته تجاری، به دلایلی از جمله: بافت سنتی شبکه ی معابر، فرسودگی واحدهای مسکونی، ضعف زیر ساخت ها و مشکلات زیست محیطی، مسیر رکود و عقب ماندگی را طی می کند. تداوم چنین فرم های فضایی باعث شکل گیری نوعی از فرآیند اجتماعی، اقتصادی در محلات مسکونی بافت های تاریخی و فرسوده شده است، که در آن گروه های با درآمد بالا از این محلات خارج شده و مهاجرین و کارگر و عمدتاً فقیر، جایگزین آنها شده اند. زیرا معماری این مناطق انعطاف پذیر نبوده و نتوانسته است خود را با نیازهای جدید منطبق نماید. از طرفی، برخی از واحدهای مسکونی در معرض تهاجم و فشار فعالیت های ناشی از بازار واقع شده و به کارگاه های تولیدی یا انبار تبدیل شده اند. مجموعه ی این عوامل، باعث کاهش مطلوبیت سکونت در این بافت ها شده و الگوی آن از الگوی مسکن انعطاف پذیر فاصله گرفته است. در نتیجه پویایی خود را از دست داده و به انزوا کشیده شده است. هیات محترم وزیران در تاریخ ۹۷/۳/۱۰ آیین نامه اجرایی برنامه ملی باز آفرینی بافت های فرسوده و ناکارآمد را به تصویب نمود. در کشور ایران با مشارکت بانک جهانی در سال ۱۳۸۲ با تصویب سند توانمندسازی سکونتگاه های غیررسمی توسط دولت، عملاً با رویکردی جدید به مسئله سکونتگاه های غیررسمی توجه گردید. بررسی و حل مسائل و مشکلات بافت های فرسوده و ناکارآمد شهری دارای ابعاد مختلف می باشد که یک بعد مهم آن بعد معماری اینگونه بافت ها می باشد. در این تحقیق سعی شده با تاکید بر دیدگاه معمارانه برای بافت های فرسوده و ناکارآمد شهر سقز مسکن انعطاف پذیر طراحی و ارائه گردد. برای این منظور بافت محلات دارای بافت فرسوده و سکونتگاه های غیر رسمی شهر سقز بررسی شده است. فاکتورهای مسکن انعطاف پذیر با کمک مردم و متخصصین تهیه شده و با نرم افزارهای معماری طراحی و ارائه گردیده است.

واژگان کلیدی: بافت فرسوده، بافت ناکارآمد، معماری، ناوچه لا، سقز

۱- دانشجوی دکتری، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، ایران (نویسنده مسئول)
farokhobodi@gmail.com

۲- دکتری شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمانشاه

۱- مقدمه

شهر سقز با توجه به قدمت چند هزار ساله ی آن با دگرگونیهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مختلفی روبرو بوده است و هم اکنون بافت مرکزی شهر که در ناحیه ۲ واقع شده مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است که شکل گیری آن به دهه ی ۱۳۲۵ ه.ش بر می گردد و یکی از نقاط مسأله دار در این شهر محسوب می شود. این بافت در مرکز شهر به دو صورت جلوه می نماید: اول، بافت فرسوده و دوم، بافتی که نوسازی شده یا درحال نوسازی است. که از لحاظ کالبدی و کارکردی، مشکلات تردد، مشکلات اجتماعی (سکونت اقشار کم درآمد، تهیدست شهری، مهاجرین روستایی) و کمبود امکانات و تجهیزات، بخوبی قابل تشخیص است. در محدوده ای بازسازی شده هر چند فرسودگی کالبدی از بین رفته اما همچنان مشکلات تردد، مسائل اجتماعی و تمرکز و تداخل کارکرد در آنها وجود دارد. باز زنده سازی با مشارکت مردمی می تواند به این بافت زندگی دوباره ببخشد، بافت فرسوده جزئی از پیکره و بدنه شهر است و دارای قابلیت های کالبدی، عملکردی و اقتصادی است که این قابلیت ها و توانایی های بالقوه، می توانند به یک سرمایه ی اقتصادی مبدل گردند. هر چند که این امر فقط یک روی سکه و روی دیگر، همان سینه ی تاریک و ناهنجار آن است، که نیازمند درمان و مداخله ی آگاهانه و بنیادی ویژه در تشخیص درست و صحیح ضعف ها و چالش هاست. از این رو در این تحقیق، سعی می شود با بکار گیری شاخص های معماری انعطاف پذیر الگوی مناسبی برای معماری مسکن اینگونه بافت ها ارائه گردد.

۲- بیان مسئله

مکان هایی که بتوانند برای منظوره های متنوعی به کار آیند، در مقایسه با مکان هایی که برای کاربری مشخص و محدودی طراحی شده اند حق انتخاب های بیشتری را به کاربران عرضه می دارند. محیط هایی که قابلیت عرضه چنین گزینه هایی را داشته باشند دارای کیفیتی هستند که آن را «انعطاف پذیری» می نامیم. در این راستا سعی می گردد ضمن تأمین بالاترین حد کارایی برای فضاها از تداخل فعالیت های مختلف با یکدیگر جلوگیری شود. اختصاصی کردن معماری، غالباً امکان جریان یافتن فعالیت های دیگر را مشکل می نماید.

بافت قدیمی شهرها، هسته اولیه اکثر شهرهای کشور را تشکیل می دهند. این محدوده ها به دلیل تحولات شهرنشینی ۵۰ سال اخیر، دگرگونیهای زیادی را تجربه نموده است. لیکن بنا به دلایل متعدد، بافت قدیم شهر نتوانسته است با شرایط موجود و نیازهای فعلی شهرنشینی کشور سازگار گردد. از اینرو، امروزه بعنوان نقاط مسئله دار شهری (urban problem) بویژه از نقطه نظر اجتماعی- فرهنگی (جرایم و سایر ناهنجاریهای اجتماعی) مطرح می باشند. فقدان مدیریتی مسئول که بتواند این بافتها را با تغییرات سریع ساختاری و کارکردی جدید مبتنی با مدرنگرایی در شهرها هماهنگ سازد، آنها را در تنگنای عدم قابلیت و عدم انطباق با نیازهای جدید گرفتار می آورد. به همین جهت این بافتها نه تنها جمعیت اصیل و بومی خود را از دست داده اند بلکه به دلیل عدم تمایل به سرمایه گذاری در راستای بهسازی و نوسازی آنها، زمینه را جهت استقرار مهاجرین (بویژه مهاجرین روستایی) و اقشار کم درآمدی که ناگزیر به سکونت در ارزانترین محلات شهری می باشند فراهم آورده است. گسترش این روند همراه با ناتوانی مالی ساکنین به تبع شرایط اقتصادی و اجتماعیشان سبب مسائل کالبدی و کارکردی این محلات شده است.

برای واکاوی دقیق مسأله، شهر سقز را بعنوان مکان مورد مطالعه انتخاب کردیم. این شهر در شمال غربی شهر سمنجن (مرکز کردستان) و به فاصله حدود ۱۹۰ کیلومتری این شهر واقع شده، و مساحتی معادل ۱۵/۴۹ درصد از کل استان را به خود اختصاص داده است. روند شکلگیری این شهر در دوره تاریخی، به گونه ای می باشد، که همانند سایر شهرهای ایران از مجموعه ی محلات تشکیل شده است. محله ی بافت قدیم واقع در مرکز شهر سقز با مساحتی در حدود ۴۸/۳ هکتار و جمعیتی معادل ۵۷۹۹ نفر می باشد. برای دستیابی به ضرورتها، اهداف و روشهای مناسب ساماندهی، ابتدا لازم است، که خصایص و مسائل اصلی مرکز شهر مشکافی شود.

هم اکنون بافت مرکزی شهر سقز، از یک طرف با مسائل اقتصادی- اجتماعی متعددی از قبیل: ارزانی زمین و پایین بودن اجاره بهاء و ... رو بروست، و از طرف دیگر، مسائل کالبدی از قبیل: کهنگی و قدمت بافت ها، بی علاقهی ساکنان و مالکان به نوسازی، فقدان مسیر آمد و رفت در ارائه ی خدمات شهری مواجه است. این پدیده ها که خود زمینه ساز انواع آلاینش ها و تعارض های دیگر شده است. بویژه برخورد نابرابر مدیریت شهری در ارائه ی امکانات و خدمات به محلات مختلف شهر که به تبعیت از ساختار اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی ساکنین آنها صورت می گیرد، بعضی از محلات شهر سقز را در انزوای غیرمنصفانه قرار داده، و به فرسودگی بیشتر آن نیز کمک کرده است. این سیر قهقرایی به دلیل عدم ارائه تسهیلات مناسب و کافی دولتی (یا برآورد صحیح از هزینه های لازم را در راستای بهسازی و نوسازی) تردیدی در فقدان برخوردی مسئولانه با حفظ حقوق شهروندی با این نوع بافتها برجای نمی گذارد، در حالیکه آنچه اغلب این محلات را با وجود فرسودگی فیزیکی- کالبدی از سایر محلات شهر متمایز می سازد، وجود عناصری از پایداری اجتماعی است که در جهت تداوم حیات شهرهایمان ضرورت دارد.

بافت های هسته مرکزی شهر ها چون دارای ارزش فرهنگی - تاریخی - اقتصادی هستند باید به نوعی چند کارکرده باشند که طراحی الگوی معماری مسکن انعطاف پذیر می تواند پاسخگویی مناسبی برای این مسئله باشد.

۲- مبانی نظری

انعطاف پذیری در طراحی مسکن معاصر را می توان با توجه به تغییرات ابعاد زندگی و معیشت به عنوان راه حلی برای جلوگیری از گسیختگی تعاملات بین جامعه، مردم و فضای زیستی در نظر گرفت؛ زیرا خانه را باید متناسب با نیازهای در حال تغییر انسان طراحی نمود. انعطاف پذیری به ایده انطباق در طول زمان اشاره دارد. بنابراین، مسکن انعطاف پذیر مسکنی است که می تواند با تغییر نیازهای کاربران سازگار گردد و به درک نیازهای مورد انتظار کاربران با مشارکت آنها منجر شود. مشارکت مردم در این فرآیند، امکان انطباق مسکن با نیازهای آن ها را افزایش می دهد و در نتیجه رضایت عمومی از مسکن را بالا می برد. این پژوهش با روش کتابخانه ای و با مطالعات موردی با هدف بحث و بررسی در مورد زمینه های مفهومی و عملیاتی طراحی مسکن در کشورهای مختلف شکل گرفته است و این موضوع را با تمرکز بر چند پروژه مسکونی مورد بحث قرار می دهد. مهمترین دیدگاه ها و نظریه هایی که در رابطه با بافت های قدیمی مطرح شده اند عبارتند از: فرهنگ گرایی، آرمان گرایی، انسان گرایی، موزه ای، طبیعت گرایی، کارکردگرایی، مدرنیسم گرایی، پست مدرنیسم، نظریه توسعه پایدار شهری که در اینجا به برخی از این نظریه ها اشاره می گردد:

نظریه فرهنگ گرایان: در این بینش شرایط و ارزشهای فرهنگی در شکلهای فضا، غالب تلقی می شود و عامل فرهنگ بر تمام زمینه ها غلبه دارد و مقوله ی اقتصادی از جایگاه چندانی برخوردار نیست، از مشخصه های این نگرش ارزش گذاری بیش از حد به گذشته و غالب بودن نگرش موزه ای به فضا است (پاکدامنی، رستمعلی، ۱۳۷۶، ص ۱۰۱).

نظریه مردمگرا: هدف اصلی این نظریه توجه مردم و مشارکت آنها در بهسازی و نوسازی فضای شهری است که براساس نظرات و مشارکت شهروندان و سپس براساس بررسیهای لازم صورت می گیرد، در این گونه برنامه ریزی، مردم و شهروندان نقش اساسی در ساماندهی شهری دارند (شماعی، پوراحمد، ۱۳۸۴، ۱۹۵).

نظریه اصلاح گرایی: پیروان این نظریه معتقد به این مسئله هستند که بهسازی، ساماندهی محیط شهری باید از درون این جوامع صورت پذیرد، بنابراین به اصلاح تنگناها و عوارض نظام اجتماعی موجود بدون نفی کلیت آن تأکید می کنند (زیاری، ۱۳۸۲، ص ۱۰).

نظریه توسعه پایدار شهری: استراتژی توسعه ی درونزا شرایط جغرافیای بومی، فرهنگ های محلی و توانهای محیطی را در اولویت قرار می دهد، براساس این استراتژی ضمن توجه به شرایط و امکانات هرشهری نیازهای کنونی مدنظر قرار می گیرد و موضوع نگهداری از منابع برای حال و آینده از طریق استفاده بهینه از زمین و وارد نکردن ضایعات به منابع تجدید نظر مطرح می شود (Blowers, 1994, p. 10) همچنین این الگو با حفظ محیط زیست کل شهر شرایط زیستی مطلوب را در تمام بخش های شهری برای همه شهروندان فراهم می آورد.

- مشارکت اکثر مردم در تصمیم گیری برای توسعه شهری و توجه به نیازهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نواحی مختلف شهر
- شناسایی نیازهای محلهای شهر و اینکه کدام محله نیاز بیشتر دارد
- توجه بیشتر به طرح های کوچک و محله ای و ناحیه ای در داخل شهرهای بزرگ
- ایجاد شوراهای محلی در داخل محلات شهری توجه بیشتر به گروههای کم درآمد مخروبه بخش قدیمی شهر به منظور شکوفایی شرایط رشد و توسعه ی اقتصادی و اجتماعی

۳- چارچوب تحقیق

۳-۱- روش تحقیق

فرسوده شهری و شناسایی و رفع کمبودها است. در این تحقیق از طریق مطالعات کتابخانه ای (کتب، اسناد، پایان نامه ها و ...) اقدام به جمع آوری نظریات، تئوری ها، و مستندات، شده است. بطور کلی در این قسمت از مطالعات، کلیه ی اطلاعات تولید شده در خصوص محدوده ی مورد مطالعه از قبیل: نقشه های موجود، عکسهای هوایی، آمارنامه ها و ... مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته شده است. و همچنین بخش قابل توجهی از اطلاعات دست اول مورد نیاز با استفاده از پرسشنامه ی جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی بدست آمده است. و سپس در مرحله ی بعد، اطلاعات بدست آمده با استفاده از آمارهای توصیفی و استنباطی و نرم افزار

SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته شده است. برای اثبات فرضیه اول تحقیق، با استفاده از این نرم افزار رابطه بین برخی متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، کالبدی بررسی شده است.

۲-۳- سوالات تحقیق

- مهمترین عوامل تاثیرگذار بر فرسودگی بافت مرکزی (قدیم) شهر سقز کدامند؟
- چگونه می توان بهترین الگو را برای مسکن بافت های فرسوده و ناکار آمد انتخاب نمود؟

۳-۳- فرضیه های تحقیق

- بین وضعیت های اقتصادی-اجتماعی-فرهنگی ساکنین با فرسودگی بافت محدود مورد مطالعه، رابطه معنی دار وجود دارد.
- انتخاب و اجرای الگوی معماری انعطاف پذیر می تواند باعث افزایش بازدهی بافت های فرسوده و ناکار آمد شهر سقز باشد.

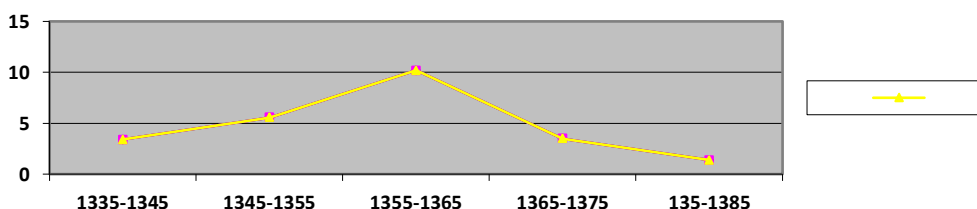
۴- معرفی مکان مورد مطالعه

شهر سنندج در فاصله ۵۲۰ کیلومتری جنوب غربی پایتخت قرار گرفته است. روایت های بسیاری در باب وجه تسمیه نام این شهر کهن و مقدس وجود دارد اما آنچه مورد اجماع است بازگشت این وجه تسمیه به آیین مهر و زرتشت در غرب کشور است. شهر سقز، مرکز شهرستانی با همین نام از استان کردستان است. این شهر در فاصله ی ۱۰ کیلومتری شمال غرب شهر سنندج واقع شده است و در مختصات جغرافیایی ۴۶ درجه و ۱۶ دقیقه ی طول شرقی و ۳۶ درجه و ۱۵ دقیقه عرض شمالی قرار دارد. متوسط ارتفاع آن از سطح دریا ۱۴۹۶ متر و شیب متوسط ۴ درجه با قرار گرفتن در بین ارتفاعات نامنظم سلسله جبال زاگرس، از زمره نواحی کوهستانی محسوب میگردد (نقش پیاوش، ۱۳۸۳، ص ۹). براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، تعداد جمعیت ساکن شهر سقز ۱۶۸۳۵۹ نفر بوده است. در واقع طی پنج دهه جمعیت ساکن شهر پیوسته در حال افزایش بوده است ، هرچند شدت نسبی این افزایش در طول دوره زمانی مورد نظر متفاوت و بسته به شرایط عمومی کشور و خاص استان کردستان در نوسان بوده است. جدول شماره (۱) تغییرات جمعیت شهر سقز در دوره ۱۳۸۵-۱۳۳۵ را نشان می دهد (نمودار شماره ۱).

جدول شماره (۱): تعداد جمعیت شهر سقز در دوره ۱۳۸۵-۱۳۳۵

شرح	کل جمعیت	تغییرات	
		مطلق	نسبی
سال ۱۳۳۵	۱۲۷۳۹	-	-
سال ۱۳۴۵	۱۷۸۳۱	۵۱۱۴	۴۰/۲
سال ۱۳۵۵	۳۰۶۶۱	۱۲۸۱۸	۷۱/۸
سال ۱۳۶۵	۸۱۳۵۱	۵۰۶۹۰	۱۶۵/۳
سال ۱۳۷۵	۱۱۵۳۹۴	۳۴۰۴۳	۴۱/۸
سال ۱۳۸۵	۱۳۵۰۲۵	۱۹۶۳۱	۱۷/۰

مأخذ: نتایج عمومی نفوس و مسکن سالهای ۳۵، ۴۵، ۵۵، ۶۵، ۷۵، ۸۵ - مرکز آمار ایران



نمودار شماره (۱): نرخ رشد شهر سقز ۸۵ - ۱۳۳۵ (مأخذ: مرکز آمار ایران)

۴-۱- تعریف و تعیین محدوده مورد مطالعه (بافت مرکزی شهر سقز)

بافت مرکزی شهر سقز شامل محدوده ای به مساحت ۴۸/۳ هکتار می باشد و در مرکز تاریخی و هندسی شهر سقز قرار دارد و در تقسیمات کالبدی در منطقه ی ۳ قرار گرفته است. این ناحیه شامل دو محله که هر یک از آنها در مقاطع تاریخی شکل گرفته اند و به دلیل عناصر شاخص کالبدی و فرهنگی یکی از بافتهای تاریخی شهر، استان و بعضاً کشور محسوب میگردد. محدوده مرکزی و تاریخی شهر در رینگ داخلی شهر از جنوب خیابان ساحلی، از شرق خیابان صلاح الدین ایوبی، از شمال بلوار وحدت، از غرب به بلوار وحدت و میدان انقلاب منتهی می شود.

محدوده بافت مرکزی شهر که محل استقرار هسته اولیه شهر است، به عنوان زون تجاری - اداری اصلی شهر مطرح می گردد. عناصر و اجزای مستقر در این محدوده به ترتیب شامل موارد زیر است :

- بازار شهر، عمده فروشی ها و خرده فروشی ها مستقر در امتداد خیابان امام خمینی، میدان جمهوری اسلامی ، خیابان جمهوری، میدان قدس، بلوار بسیج و خیابان فخر رازی، استقرار فعالیت ها در کنار یکدیگر بر پایه اصل سازگاری صرفه جویی های ناشی از مقیاس و مانند آن صورت گرفته است. لذا تباین ها، تضادها و نحوه توزیع فعالیت های هر رشته به گونه ای سازمان یا فته است. که رشته های شغلی در طول خیابان دارای تفکیک قطعه ای است و هر رشته به لحاظ بهم پیوستگی درونی دارای نظم است. این نظم به شکل لایه ای در لایه بلا فصل خیابان و میدان آغاز و تا چندین لایه درون بافت ادامه می یابد بطوری که اختلاطی از لایه های تجاری با بافت مسکونی قابل مشاهده است.

- ادارات دولتی و مؤسسات وابسته به آن همچون شورای شهر، ثبت احوال، پست، شهرداری، مراکز انتظامی و همچنین فضاهای اصلی همچون مسجد جامع ، خانه معلم و انباره های سوخت.

این محدوده در محور تجاری امام و جمهوری در طول روز و پاسی از شب فعال می باشد. در بخش های از محدوده که محل استقرار انباره های سوخت و حمل و نقل است، این فعالیت در طول شبانه روز ادامه می یابد . بخش های اداری محدوده عمدتاً در طول روز به فعالیت می پردازند. این حالت در لایه بلا فصل خیابان امام از شدت بیشتری برخوردار است. همچنین نحوه پراکنش فعالیت های عمده در این محدوده نشان می دهد، که خیابان ملت و بلوار بسیج به نحوی جداکننده بخش اداری در قسمت جنوب و غرب محدوده از بخش تجاری در شرق محدوده می باشد. بلوار ساحلی به همراه مسیل تجاری - اداری به عنوان لبه جداکننده عمل کرده به نحوه ی که بافت شمال این بلوار که شامل محله کانی گرمک است ، از حیث استقرار فعالیت واجد تمایز آشکار با زون تجاری - اداری می باشد.

۵- تحلیل ویژگی های اجتماعی - اقتصادی محدوده مورد مطالعه

یکی از ویژگیهای اجتماعی بافت مرکزی شهرها وجود مهاجرین به ویژه مهاجرین روستایی به دلیل ارزانی مسکن در این بافتها است. مطالعات انجام شده نشان می دهد که ۴۱/۴۳ درصد از سرپرستان خانوارها در همین محله، ۳۵/۷۱ درصد از روستاهای اطراف سقز، ۱۵/۷۱ درصد از محلات دیگر شهر، ۷/۱۵ درصد از شهرهای دیگر بوده اند. بدین ترتیب ۴۱/۴۳ درصد از ساکنین مهاجر می باشند.

سابقه سکونت شاخصی در تمایل و علاقه مندی ساکنین به سکونت در محله می باشد. در حقیقت به نوعی بیانگر حسن تعلق به مکان نیز می باشد. در حقیقت با بالا رفتن سابقه سکونت در محل احتمال وجود اعتماد ، انسجام و مشارکت اجتماعی بعنوان عناصر مهم در تولید سرمایه اجتماعی افزایش می یابد. براساس مطالعات میدانی صورت گرفته، ۳۵/۷۱ درصد از پرسش شوندگان بیشتر از ۲۰ سال، ۲۴/۲۸ درصد ۱۰ تا ۲۰ سال، ۱۸/۷۵ درصد ۵ تا ۱۰ سال و ۴/۲۸ درصد ۱ تا ۳ سال در محله سکونت دارند. بدین ترتیب ۶۴/۲۹ درصد از ساکنین کمتر از ۲۰ سال در محله سکونت دارند که نمایانگر دگرگونی اجتماعی ، تنوع قومی و علاقه ناچیز و دلبستگی کمتر آنها به بافت است و تنها ۳۵/۷۱ درصد از ساکنین سابقه سکونت بیشتر از ۲۰ سال دارند، که رقم کمی در مقایسه با ساکنین کمتر از ۲۰ سال بوده است. از آنجائیکه اطلاع رسانی و اعلام نیازها در هر محله شهری به مسئولین بالادست، بدون وجود تشکل و یا شورا ها و یا هر نهادی دیگر در محله کاری ساده تلقی نمی گردد. از این رو با توجه به مشکلات و نیازهای ساکنین در محله مورد مطالعه از پرسش شوندگان راجع به اینکه آیا در محله انجمن، شورا و یا هر تشکلی جهت رفع مشکلاتشان وجود دارد سؤال شد. در این راستا ۸۲ درصد پاسخ منفی و فقط ۱۸ درصد مثبت بوده است. در ادامه پاسخ به این پرسش که آیا وجود آنرا احساس نمی کنید؟ ۹۲ درصد از پرسش شوندگان محله جواب مثبت داده اند و مایل به داشتن مدیریت کارآمد که بتواند مشکلات محله را بهبود بخشد را دارند و تنها ۸ درصد از ساکنین مایل به داشتن مدیریت ندارند و دلیل آنها بیشتر ناکارآمدی و بی توجهی به مسئولین می باشد.

در پاسخ به این سؤال که در صورت قرار گرفتن ملک پرسش شوندگان در طرح نوسازی محله نحوه مشارکت آنها به چه شکل خواهد بود، ۳۶ درصد فروش ملک با قیمتی بالاتر از ارزش روز محل، ۲۴ درصد فروش با قیمت روز محل، ۱۸ درصد دریافت زمین

معوّض در هر منطقه از شهر، ۱۰ درصد در قبال دریافت زمین معوّض در همین محله، ۵ درصد نیز تمایل به واگذاری ملک خود بعنوان سهم در سرمایه گذاری در امر نوسازی بوده اند.

زیرساخت های شهری به عنوان یکی از مهمترین ابزارهای خدمات رسانی به ساکنین محلات می باشد، و همچنین به عنوان فاکتور مهم بررسی و سنجش میزان توسعه یافتگی شهرها و موقعیت مدیران شهری در سرویس دهی به شهرها می باشد. زیرا تجربه نشان داده است عدم هماهنگی بین سازمانها منجر به عدم اعتماد مردم به طرح توسعه و این عدم اعتماد به معنای نقطه پایانی برای برنامه می باشد. براساس مطالعات میدانی انجام شده، ۶۲ درصد از ساکنین محله از زیرساخت های محله ناراضی بوده و تنها ۳۸ درصد از این خدمات راضی هستند و این نشان دهنده ناکارآمدی مدیریت شهری در سطح محله است. در ادامه پاسخ به این پرسش که بنظر شما اولویت های خدمات رسانی به محله کدامند؟ ۳۹ درصد نوسازی خانه های مسکونی، ۳۱ درصد بهبود شبکه، ۱۵ درصد برقراری امنیت ارتباطی، ۸ درصد بهبود وضع بهداشتی، ۷ درصد بهبود امکانات رفاهی را عنوان کرده اند.

معمولاً بافت های فرسوده به تبع کالبد و فضای نامناسبشان محل عرصه ارزاترین مسکن برای مهاجرینی است که به تبع وضعیت اقتصادی - اجتماعی ناچار به سکونت در این محلات می باشند از آنجائیکه ساکنین به تبع وضعیت سکونت و مالکیت حسن تعلق به مکان نداشته لذا در ایجاد مسائل و شکلات در این محلات سهم چشمگیری نسبت به ساکنین قدیمی تر دارند. این مهم که معمولاً به شکل مشکلات اجتماعی بروز می یابد. معمولاً نسل جوان و این مهاجرین که جهت رفع شکاف اجتماعی خود با سایر ساکنین شهر وطنی کردن ره صد ساله در یک شب به راههای غیر قانونی دست می زنند بر می گردد. کالبد و فضای نامناسب این نوع محلات خود فراهم کردن بستر مناسبی نیز برای کارهای غیرقانونی و مشکلات اجتماعی است. براساس مطالعات انجام شده، ۳۱/۴۲ درصد فرسوده بودن خانه و قدیمی بود محل، ۱۸/۵۷ درصد معابر با عرض کم، ۱۲/۵۸ درصد نبود جای پارکینگ ماشین، ۱۱/۴۲ درصد ناامنی و بزهکاری اجتماعی، ۱۸/۷۵ درصد کمبود امکانات و خدمات رفاهی و ۷/۱۴ درصد وجود گروههای مختلف قومی را اعلام کرده اند.

رضایت ساکنین یکی دیگر از شاخص های اجتماعی است، که از طریق آن می توان وضعیت محله را به خوبی درک کرد. براساس مطالعات بعمل آمده ۱۲ درصد از پرسش شوندگان خیلی زیاد، ۲۸ درصد زیاد، ۳۵ درصد متوسط، ۱۸ درصد کم، ۸ درصد خیلی کم را بعنوان رضایت خود از محله ذکر کرده اند و این نشان دهنده حس تعلق به مکان و وابستگی های که آنها به این محله دارند را نمایان می سازد.

براساس مطالعات میدانی انجام شده، ۷۴/۲۸ درصد سرپرست خانوارهای زیردییلم، ۱۵/۷۱ درصد دیپلم، ۵/۷۱ درصد فوق دیپلم و ۴/۲۸ درصد لیسانس و بالاتر بوده اند. بالا بودن نسبی پرسش شوندگانی که سطح تحصیلاتشان بالاتر از دیپلم بوده است را می توان به نسل جدید پرسش شوندگان نسبت داد. بدیهی است که با چنین روندی و در صورت تمایل این نسل به ماندگاری و اقامت در محله می توان انتظار داشت که نه تنها مسائل و معضلات اجتماعی در محله کاهش یافته بلکه تمایل به مشارکت در امر بهسازی افزایش یابد.

براساس مطالعات میدانی صورت گرفته نوع اشتغال سرپرست خانوارهای نمونه نشان می دهد، ۵۵ درصد دارای شغل آزاد و ۳۲ درصد از آنها بازنشسته، وابسته به کمیته امداد و شغلی نامشخص دارند و ۱۳ درصد دارای شغل اداری می باشند. با وجودیکه درصد بالای از شاغلین دارای شغل آزاد هستند. وضعیت درآمد شاغلین در بخش دولتی و بخش آزاد در محلات پایین شهر و بالای شهر وضعیت کاملاً برعکسی را نشان می دهد. و این نشاندهنده پایین بودن سطح زندگی در این محله می باشد.

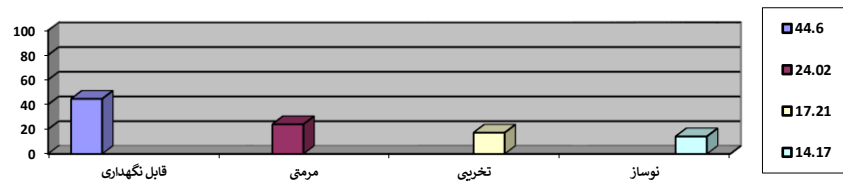
شاخص درآمد سرپرست خانوارهای پرسش شوندگان نشان می دهد، ۳۶ درصد خانوارهای نمونه ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار تومان، ۳۰ درصد دیگر خانوار بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان و ۲۰ درصد خانوارها کمتر از ۱۰۰ هزار تومان و تنها ۱۴ درصد از خانوارها بالای ۴۰۰ هزار تومان در ماه درآمد دارند. با توجه به بارتکلف ۴/۲ نفری ناحیه میزان درآمد خانوارها در سطح بسیار پایین دارد.

ویژگی های کالبدی - فضایی محدوده مورد مطالعه

ویژگی های کالبدی محله از بعد ۵ شاخص کیفیت ابنیه، مصالح اسکلت، عمر ابنیه، تعداد طبقات و کیفیت کاربری اراضی مورد بررسی قرار گرفته است:

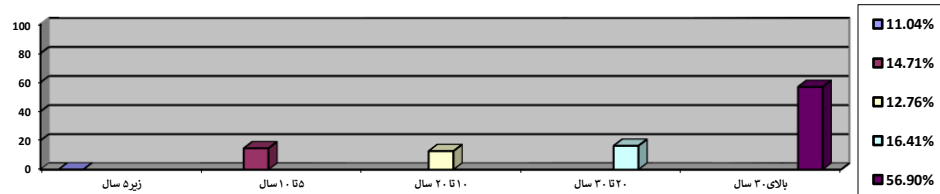
با استناد بر برداشت های میدانی انجام شده از محدوده در وضعیت موجود اکثر ساختمانها از لحاظ کیفیت معماری فاقد ارزش می باشند. و از نظر نوع مصالح بکار رفته در بنا به سبب کاهش قیمت تمام شده ساختمان اکثریت از مصالح کم دوام حتی بی دوام استفاده کرده اند و این عمل به دنبال کاهش پایداری بنا از کیفیت های بصری نیز کاسته است. در حالت کلی ابنیه از نظر کیفیت به ۵ دسته نوساز، قابل نگهداری تخریبی، مرمتی، مخروبه تقسیم می شود.

مطالعه کیفیت بناهای موجود در محله نشان می دهد که ۴۴/۶۰ درصد ابنیه قابل نگهداری، ۴۴۲/۰۲ درصد مرمتی بوده و نیاز به تعمیرات اساسی دارد. همچنین ۱۷/۲۱ درصد بناها مخروبه و یا تخریبی هستند. به عبارتی قابلیت استفاده نداشته و باید تخریب و از نو ساخته شوند. و ۱۴/۱۷ درصد از بناهای موجود نوساز بوده است. (نمودار شماره ۲)



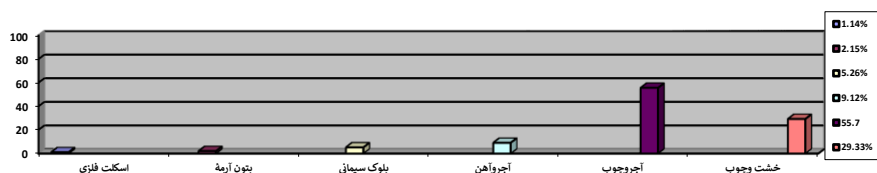
نمودار شماره (۲): کیفیت ابنیه محدوده مورد مطالعه (مأخذ: طرح تجدید نظر تفصیلی، با اصلاحات نگارنده)

بخشی از مطالعات مربوط به سنجش میزان کیفیت کالبدی مسکن در محدوده مورد مطالعه متوجه شاخص عمر ساختمان است. به نظر می رسد که به طور کمی رابطه ای مستقیم و معکوس بین شاخص عمر ساختمان با کیفیت ابنیه وجود دارد. به عبارتی، با افزایش عمر ساختمان از کیفیت ابنیه کاسته می گردد. بررسی های انجام شده از وضعیت موجود نشان می دهد، ۵۶/۹۰ درصد ابنیه بالای ۳۰ سال، ۱۶/۴۱ درصد بین ۲۰ تا ۳۰ سال، ۱۲/۵۶ درصد ۱۰ تا ۲۰ سال، ۶/۳ درصد بین ۵ تا ۱۰ سال و ۷/۸۳ درصد کمتر از ۵ سال قدمت دارند. شایان ذکر است که وجود ابنیه تخریبی در این محدوده بیش از اینکه به سبب قدمت بنا باشد از جهت استفاده از مصالح فاقد استاندارد می باشند. (نمودار شماره ۳)



نمودار شماره (۳): قدمت ابنیه محدوده مورد مطالعه (مأخذ: طرح تجدید نظر تفصیلی، با اصلاحات نگارنده)

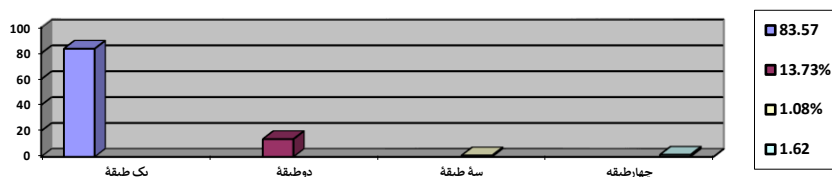
همانطور که قبلاً هم ذکر شد استفاده از مصالح فاقد استاندارد سبب احداث بناهای کم دوام و حتی بی دوام شده است. مصالح بکار رفته در ساختمان مهمترین شاخص در ایمنی ساختمان بویژه در مناطق زلزله خیز است. همچنین این شاخص رابطه مستقیمی با عمر مفید ساختمان دارد. با در نظر گرفتن این شاخص می توان درباره عمر مفید ساختمان نظر داد. اسکلت فلزی، بتون آرمه، بلوک سیمانی، آجر و آهن با رعایت برخی شرایط، اسکلت استاندارد به حساب می آیند. مطالعه ساختمان های محله نشان می دهد، که کمترین استفاده از مصالح استاندارد به عمل آمده است. بطوریکه خشت و چوب ۵۵/۷ درصد، آجر و چوب ۲۹/۳۳ درصد، آجر و چوب ۹/۱۲ درصد، بلوک سیمانی ۵/۲۶ درصد، اسکلت بتونی ۲/۱۵ درصد اسکلت فلزی ۱/۱۴ درصد را به خود اختصاص داده اند. متأسفانه سازمانهای مسئول نظارت، کوچکترین توجهی به این امر ندارند. (نمودار شماره ۴)



نمودار شماره (۴): مصالح اسکلت محدوده مورد مطالعه (مأخذ: طرح تجدید نظر تفصیلی، با اصلاحات نگارنده)

با توجه به قدمت محله ساختمان های موجود اغلب یک یا دو طبقه هستند. اختصاص بیش از ۸۳/۵۷ درصد از ابنیه به ساختمانهای یک طبقه در سطح محله است. عدم تمایل ساکنین به ساخت ابنیه بیش از یک طبقه از جهتی به علت پایین بودن توان مالی است. سهم ساختمانهای دو طبقه، سه طبقه و چهار طبقه به ترتیب ۱۳/۷۳ درصد و ۱/۰۸ درصد و ۱/۶۲ درصد می باشد. همانطور که نقشه شماره ۱۳ و ۱۴ نشان می دهد محدوده مورد مطالعه از نظر دانه بندی قطعات و تراکم ساختمانی بیشتر بین ۱۰۲

متر مربع تا ۲۵۰ متر مربع قرار دارد و تمامی مطالب فوق حاکی از عدم استفاده صحیح و منطقی از فضا و نبود تمایل به افزایش تراکم از طریق توسعه در ارتفاع است (نمودار شماره ۵)



نمودار شماره (۵): تعداد طبقات ساختمانی محدوده مورد مطالعه (مأخذ: طرح تجدید نظر تفصیلی، با اصلاحات نگارنده)

مطالعه کاربری اراضی محدوده نشان می دهد، که سرانه کاربری مسکونی ۵۵/۲۳ درصد، سرانه شبکه معابر ۲۴/۶۱ درصد، سرانه تجاری ۸/۵ درصد، سرانه مختلط ۶/۱۳ درصد، سرانه اداری ۳/۷۱ درصد، سرانه فرهنگی و مذهبی و اجتماعی ۶۵ درصد، سرانه صنایع و کارگاهی ۰/۵۱ درصد، سرانه ورزشی ۰/۱۶ درصد، سرانه آموزشی ۰/۵ درصد، سرانه بهداشتی درمانی ۰/۰۳ درصد، سرانه بهداشتی - درمانی ۰/۰۷ درصد از جمله کاربری های محدوده مورد نظر می باشد. (جدول شماره ۲).

جدول شماره (۲): کاربری اراضی محدوده مورد مطالعه سال ۱۳۸۵ (مأخذ: طرح تفصیلی)

کاربری	مسکونی	آموزشی	تجاری	بهداشتی - درمانی	صنایع و کارگاهی	فرهنگی و مذهبی و اجتماعی
درصد	۵۵/۲۳	۰/۵	۸/۵	۰/۰۷	۰/۵۱	۰/۶۵
کاربری	اداری	مختلط	ورزشی	تأسیسات و تجهیزات	شبکه معابر	
درصد	۳/۷۱	۶/۱۳	۰/۱۶	۰/۰۳	۲۴/۶۱	

۶- آزمون فرضیات

۱- بین وضعیت های اقتصادی-اجتماعی-فرهنگی ساکنین با فرسودگی بافت محدود مورد مطالعه، رابطه معنی دار وجود دارد.
۲- انتخاب و اجرای الگوی معماری انعطاف پذیر می تواند باعث افزایش بازدهی بافت های فرسوده و ناکارآمد شهر سقر باشد
فرضیه اول: بین وضعیت اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی ساکنین با فرسودگی بافت محدوده مورد مطالعه رابطه معنی داری وجود دارد.

در این فرضیه بنا به هدف تحقیق به بررسی مسائل اجتماعی بر فرسودگی کالبدی می پردازیم، تا با شناخت عوامل مؤثر زمینه برای ارائه راهکارهایی جهت ساماندهی و حداقل پیشگیری از فرسودگی بیشتر بافت فراهم شود.
براین اساس یکی از اهداف پژوهش شناخت چگونگی تأثیر ویژگی های اجتماعی ساکنین محلات مرکز شهری بر فرآیند رکود و احیاء شهر می باشد. بدین منظور به بررسی روابط برخی متغیرهای اجتماعی-اقتصادی با متغیرهای کالبدی پرداخته می شود.

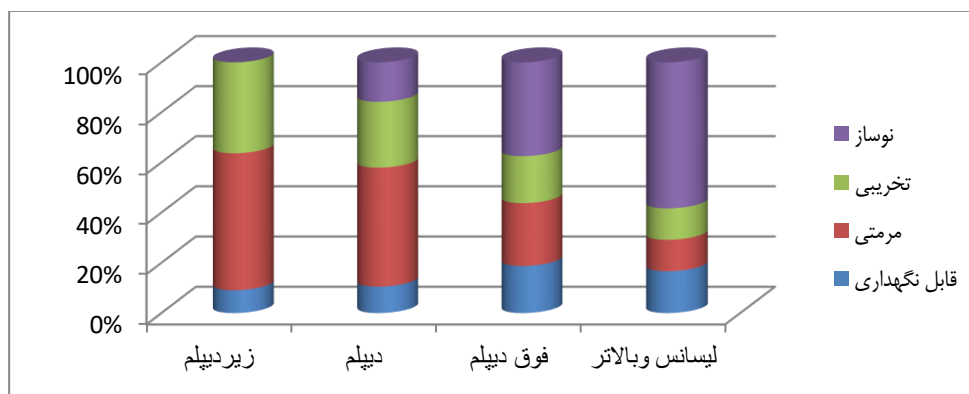
الف - رابطه بین میزان تحصیلات سرپرست خانوار و کیفیت ابنیه مسکونی:

به نظر می رسد، که با افزایش سواد میزان آگاهی و درآمد نیز افزایش یابد، در نتیجه انتظار می رود که خانوارهای با سواد بالاتر در واحدهای مسکونی با کیفیت ابنیه بهتر مستقر شوند. بطوریکه نمودار ۶ نشان می دهد، ۶۰/۸۶٪ واحدهای مسکونی نوساز به افرادی با تحصیلات بالاتر از لیسانس اختصاص یافته و این میزان برای افراد زیر دیپلم در حد صفر می باشد.
با توجه به جدول شماره (۳) P.Value (۰/۰۲۱) بعبارتی می توان گفت با آلفای (a) این رابطه تأیید می گردد، که با افزایش تحصیلات کیفیت ابنیه مسکونی نیز مطلوب تر می شود.

جدول شماره (۳): آزمون خی دو (رابطه بین میزان تحصیلات سرپرست خانوار و کیفیت ابنیه مسکونی)

	Value	df	Asmp.siq.(2 – sided)
Pearson chi - square	19/515 (a)	9	0.021
Likelihood Ratio	22/888	9	.006
Linear – by – Linear Association	6/201	1	.013

a ۹ cell (۵۶%) have expected Count less than 5 . The minimum expected Count is ۱/۵۷ .



نمودار شماره (۶): رابطه بین میزان تحصیلات سرپرست خانوار و کیفیت ابنیه مسکونی

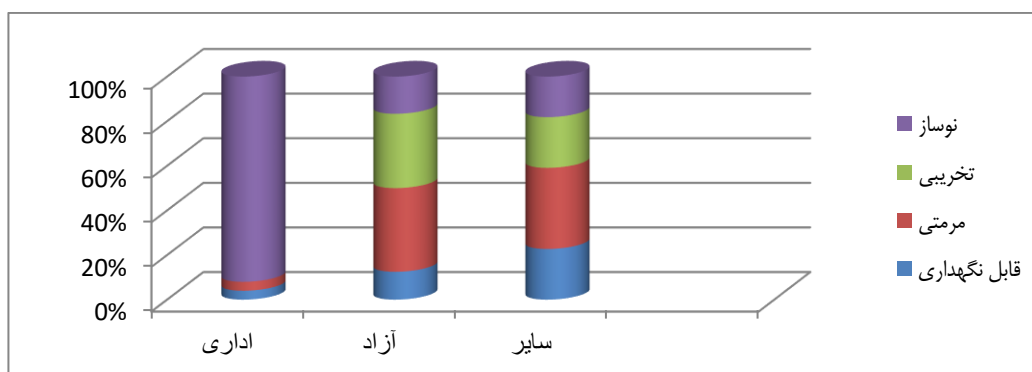
ب- رابطه بین شغل سرپرست خانوار و کیفیت ابنیه مسکونی:

فرض بر این است که بین شغل و کیفیت ابنیه مسکونی رابطه وجود دارد، بدین معنی که ساکنانی که دارای شغل با دوام بوده دلیل داشتن درآمد ثابت ترکیبیت ابنیه مسکونی آنها از وضعیت مطلوبی نسبت به مشاغل جزء در بخش آزاد و سایر مشاغل بر خوردار می باشند. با توجه به نمودار شماره (۷)، ۹۲٪ از واحدهای مسکونی نوساز به مشاغل اداری اختصاص داشته و تنها ۱۷/۳۹٪ از شاغلین آزاد دارای واحد مسکونی نوساز می باشند. با توجه به جدول شماره (۴) P.Value (۰/۰۰) کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد. می توان گفت به عبارتی بالافای (a)، ۰/۰۵ وجود رابطه مستقیم بین شغل و کیفیت ابنیه مسکونی تأیید می گردد.

جدول شماره (۴) (آزمون خی دو) (رابطه بین شغل سرپرست خانوار و کیفیت ابنیه مسکونی)

	Value	df	Asmp.siq.(2 – sided)
Pearson chi - square	37/206 (a)	6	.000
Likelihood Ratio	42/791	6	.000
Linear – by – Linear Association	19/293	6	.000

a 10 cell (5.00%) have expected Count less than 5 . The minimum expected Count is 2.40.



نمودار شماره (۷): رابطه بین شغل سرپرست خانوار و کیفیت ابنیه مسکونی

ج - رابطه بین درآمد سرپرست خانوار با کیفیت ابنیه مسکونی:

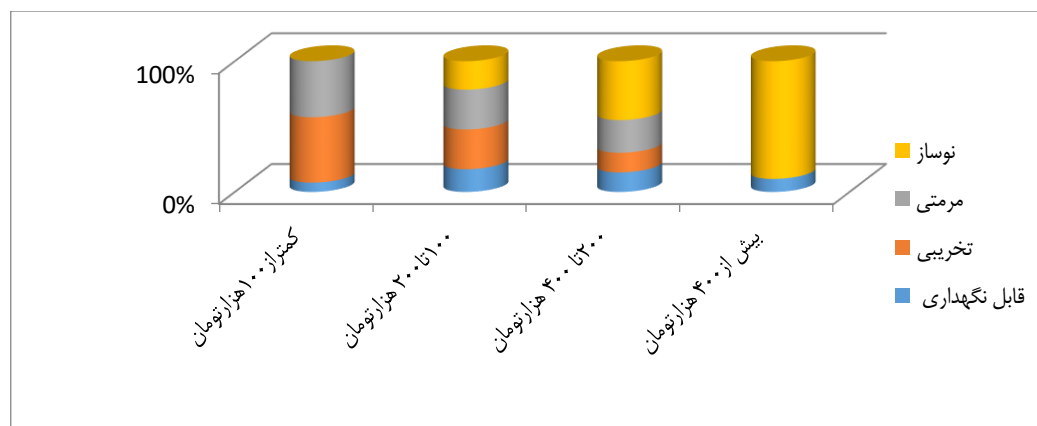
فرض بر این است که بین درآمد و کیفیت ابنیه مسکونی رابطه منطقی تری بر قرار باشد. نمودار شماره (۸) وجود رابطه بسیار محکم بین این دو متغیر را تأیید می کند، بطوریکه ۹۰٪ واحدهای مسکونی با خانوارهای با درآمد بالای ۴۰۰ هزار تومان نوساز بوده و در حالی که این درصد برای خانوارهای کمتر از ۱۰۰/۰۰۰ هزار تومان به حد صفر رسیده است. نتیجه ای که از این رابطه می توان به دست آورد این است که محله از درون درحال نوسازی خود می باشد، و این با افزایش درآمد خانوارها حاصل می شود و یا از طریق تسهیلات بانکی به مردم ارائه شود و تمایل به نوسازی در نزد مردم بسیار بالا می رود.

با توجه به جدول شماره (۵) P.Value (۰/۰۰۲) کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد. می توان گفت با آلفای (a) وجود رابطه مستقیمی بین درآمد و کیفیت ابنیه مسکونی تأیید می گردد.

جدول شماره (۵): آزمون خی دو (رابطه بین درآمد سرپرست خانوار با کیفیت ابنیه مسکونی)

	Value	df	Asmp.siq.(2 – sided)
Pearson chi - square	26/575 (a)	9	.002
Likelihood Ratio	34/026	9	.0۰0
Linear – by – Linear Association	6/136	9	.013

a 10 cell (5/62%) have expected Count less than 5 . The minimum expected Count is 59/1 .



نمودار شماره (۸): رابطه بین درآمد سرپرست خانوار با کیفیت ابنیه مسکونی

د- رابطه بین درآمد سرپرست خانوار و عمر ابنیه مسکونی:

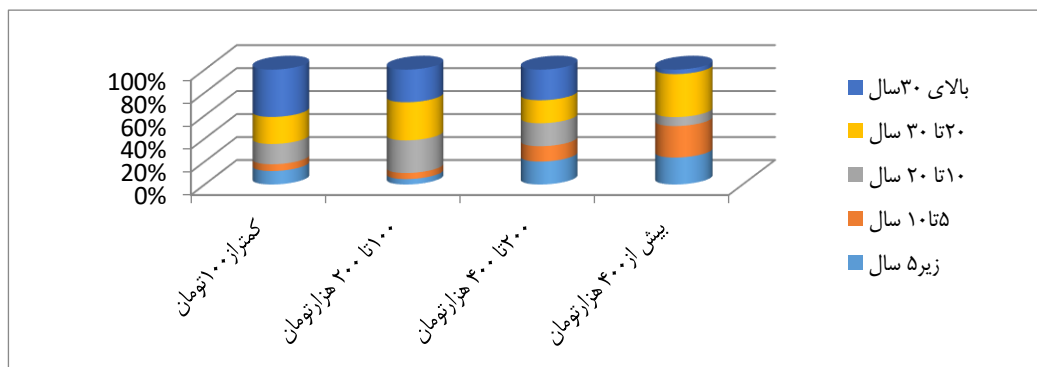
از آنجایی که عمر ابنیه یکی از متغیرهای تأثیر گذار بر کیفیت مسکن است. بالا بودن عمر ابنیه در محدوده مورد مطالعه با توجه به استاندارد بودن مصالح اسکلت ساختمان ها نشانگر فرسودگی واحد های مسکونی می باشد. فرض بر این بوده است، که با افزایش میزان درآمد خانوار عمر ابنیه واحد مسکونی آنها نیز پایین باشد. با توجه به نمودار شماره ۹، ضریب همبستگی بدست آمده رابطه بین دو متغیر تأیید می گردد، یعنی با افزایش درآمد قدمت واحد مسکونی کمتر می شود.

با توجه به جدول شماره (۶) P.Value (۰/۰۲۱) کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد. به عبارتی با آلفای (a) ۰/۰۵ وجود رابطه مستقیم بین درآمد خانوار و عمر ابنیه واحد مسکونی تأیید می گردد.

جدول شماره (۶): آزمون خی دو (رابطه بین درآمد سرپرست خانوار و عمر ابنیه مسکونی)

	Value	df	Asmp.siq.(2 – sided)
Pearson chi - square	23.842 (a)	12	.021
Likelihood Ratio	23/753	12	.022
Linear – by – Linear Association	12/906	1	.000

A 10 cell (95.0%) have expected Count less than 5 . The minimum expected Count is 2.51 .



نمودار شماره (۹): رابطه بین درآمد سرپرست خانوار و عمر ابنیه مسکونی

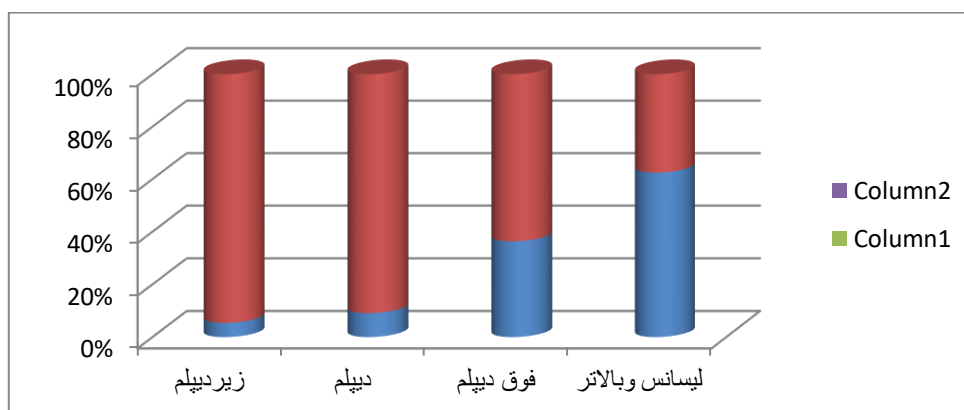
ر- رابطه بین میزان تحصیلات سرپرست خانوار و استفاده از تسهیلات بانکی:

فرض بر این است که سرپرست خانواری که تحصیلات پایین دارد، شغل مناسب و درآمدی ندارد که بتواند توان احیاء و یا نوسازی مسکن خود را داشته باشد و از طرف دیگر و به همین دلیل امکان گرفتن وام را نیز ندارد. با توجه به نمودار شماره ۱۰ و ضریب همبستگی بدست آمده رابطه بین دو متغیر تأیید می گردد. بطوریکه تنها ۵/۴۰٪ خانوارها با سرپرست زیردیپلم موفق به دریافت وام شده اند، ۹/۱۰٪ دیپلم، ۳۶/۳۶٪ فوق دیپلم و ۶۲/۵٪ لیسانس می باشند، و در فاصله بین آنها با افزایش سواد میزان استفاده از این تسهیلات نیز افزایش یافته است.

با توجه به جدول شماره (۷) چون مقدار P.Value (۰/۰۱۵) کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد. به عبارتی با آلفای (a) این رابطه تأیید می گردد. بنابراین خانوارهای با تحصیلات بالاتر، میزان دریافت وام نیز افزایش یافته است.

جدول شماره (۷): آزمون خی دو (رابطه بین میزان تحصیلات سرپرست خانوار و استفاده از تسهیلات بانکی)

	Value	df	Asmp.siq.(2 – sided)
Pearson chi - square	10.428 (a)	3	.015
Likelihood Ratio	9/789	3	.020
Linear – by – Linear Association	9/147	2	.002



نمودار شماره (۱۰): رابطه بین میزان تحصیلات سرپرست خانوار و استفاده از تسهیلات بانکی

مطالب فوق با یافتن همبستگی بین متغیرهای اجتماعی، اقتصادی با متغیرهای که نمایانگر فرسودگی بافت در محدوده مورد مطالعه است، تأثیر ویژگیهای اجتماعی - اقتصادی ساکنین را در فرسودگی محله که فرضیه اول این تحقیق می باشد، را تأیید می نماید.

فرضیه دوم:

انتخاب و اجرای الگوی معماری انعطاف پذیر می تواند باعث افزایش بازدهی بافت های فرسوده و ناکار آمد شهر سقر باشد برای اثبات این فرضیه شاخص های معماری انعطاف پذیر از پرسش شوندگان به صورت سوالات هدف دار طراحی شده و جواب ها در نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و نتایج آن در جدول ذیل آمده است.

جدول شماره (۸): آزمون خی دو

	Value	df	Asmp.siq.(2 – sided)
Pearson chi - square	10.412 (a)	3	.013
Likelihood Ratio	8.732	3	.030
Linear – by – Linear Association	8.122	2	.003

با توجه به جدول شماره (۸) چون مقدار P.Value (۰/۰۱۳) کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد. به عبارتی با آلفای (a) این رابطه تأیید می گردد. بنابراین انتخاب و اجرای الگوی معماری انعطاف پذیر می تواند باعث افزایش بازدهی بافت های فرسوده و ناکار آمد شهر سقز باشد.

۷- نتیجه گیری و یافته های تحقیق

مجموعه شهری سقز با گسیختگی های خاص اقتصادی و اجتماعی به دلیل ورود تفکرات و ظواهر دنیای جدید و مسائل چند دهه اخیر گریبانگیر شده است و بیشتر از همه جا هسته مرکزی را متأثر ساخته است. بخش قابل توجهی از اطلاعات مورد نیاز این تحقیق با تکیه بر پرسشنامه اجتماعی، اقتصادی و کالبدی از ۷۰ خانوار نمونه بدست آمده است. با توجه به نتایج حاصل از پرسشنامه ۵۸/۵۸ درصد از محل تولد سرپرست خانوارها پرسش شوندگان، خارج از محدوده مورد مطالعه بوده و عمدتاً از محله های دیگر یا از روستاها به این محل مهاجرت کرده اند. ۷۴/۲۸ درصد از آنها زیر دیپلم، ۱۵ درصد دیپلم، ۵/۷۱ درصد فوق دیپلم و تنها ۴/۲۸ درصد لیسانس به بالاتر بوده و همچنین بیش از ۵۶ درصد از سرپرست خانوارهای پرسش شوندگان درآمد کمتر از ۲۰۰ هزار تومان دارند. ۶۹ درصد از سرپرست خانوارهای پرسش شوندگان شاغل و ۳۱ درصد بیکار بوده و این سرباری جمعیت خانوار را نشان می دهد. ۳۰ درصد از واحدهای عرصه و اعیانی کمتر از ۱۰۰ مترمربع و ۶۰ درصد کمتر از ۲۰۰ متر مربع دارند، که اکثراً بصورت واحد های یک طبقه ۸۵/۱۹ درصد و بیشتر با مصالح ساختمانی آجر و چوب و خشت ساخته شده اند. ۴۴/۶۰ درصد ابنیه ها قابل نگهداری، ۲۴/۰۲ درصد مرمتی، ۱۷/۲۱ درصد مخروبه یا تخریبی و ۱۴/۱۷ درصد نوساز هستند. مالکیت محدوده مورد مطالعه عمدتاً ملکی است. بطوریکه با توجه به ویژگیهای خانوارهای ساکن می توان رابطه معناداری بین فرسودگی کالبدی با مسائل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برقرار کرد. از جمله رابطه بین میزان تحصیلات سرپرست خانوار و کیفیت ابنیه مسکونی، رابطه بین شغل سرپرست خانوار و کیفیت ابنیه مسکونی، رابطه بین درآمد سرپرست خانوار و عمر ابنیه مسکونی، رابطه بین میزان تحصیلات سرپرست خانوار و استفاده از تسهیلات بانکی می باشد که برای بررسی علمی و کمی این روابط در قالب نرم افزار SPSS به بررسی آن پرداخته شده است و در نهایت رابطه معنادار و محکمی بین ویژگیهای اجتماعی، فرهنگی با فرسودگی بافت را به اثبات می رسد.

همچنین مدیریت شهری درکنار اوضاع نامناسب فرهنگی - اجتماعی ساکنین در فرسودگی بافت مزید بر علت شده است. چرا که براساس مشاهدات میدانی می توان دریافت که مدیریت شهری محلات جدید را به نحوه احسنت آراسته و زینت داده است. در حالی که محلات قدیم محروم مانده اند.

در ادامه بحث جمع بندی و نتیجه گیری به طور مشخص به بیان یافته های اساسی در مورد بافت مرکزی شهر سقز می پردازیم. با توجه به اینکه اولویت تحقیق حاضر شناسایی عوامل فرسودگی بوده است، تا با شناسای این عوامل بتوان راهکارهای پایداری برای بهبود شرایط زیستی پیشنهاد کرد، بطورمخصص عوامل فرسودگی که حاصل یافته تحقیق حاضراست در سه دسته به شرح زیر بیان می شود:

ابعاد اجتماعی:

- ۱- شمارساکنین غیربومی (مهاجر روستایی یا تهیدستان) نسبت به ساکنان اصیل بیشتر است.
- ۲- دارای منزلت مکانی وسکونت پایین است.
- ۳- سکونت غیرمجاز یا نسبت استیجاری در آنها بالاست.
- ۴- شیوع اعتیاد و ناهنجاری های رفتاری و بزهکاری در آنها وجود دارد.
- ۵- ناامنی محیطی بویژه برای کودکان و جوانان و زنان وجود دارد.
- ۶- ترکیب جمعیتی آن غیرمتعارف است.

ابعاد اقتصادی:

- ۱- به سبب فقر، بهبود بخشیدن به مسکن از سوی ساکنان ناممکن است.
- ۲- منابع درآمدی بیشتر ساکنان نامعلوم است.

۳- ساکنان در سطح پایین درآمد قرار دارند.

۴- ارزش زمین و مسکن نسبت به میانگین ارزش آنها در شهر پایین است.

۵- ازسوی سرمایه گذاران، انگیزه سرمایه گذاری وجود ندارد.

۶- عدم برخورداری مردم از تسهیلات بانکی و یارانه های رسمی بانکی به دلیل مشخص فقر اطلاعاتی.

براساس مطالعات انجام شده ویژگیهای مثبت محدوده مورد مطالعه شامل، همیستگی و ارتباطات اجتماعی بالا، حس تعلق به جمعیت، وجود مساکن مستقل، وجود فضاهای جمعی - اجتماعی با محوریت مسجدجامع، وجود فعالیت های متنوع اقتصادی که تأثیر بسزای در اقتصاد محدوده مورد مطالعه دارد می باشد. همچنین ویژگیهای منفی محله شامل، بالابودن مکان، جوانی بعد خانوار، بالابودن درصد بی سوادی سرپرست خانوار، مهاجربودن ساکنین محدوده میزان بیکاری منطقه، فرسودگی و تخریبی بودن ابنیه، ناهنجاریها و مسائل اجتماعی، وجود فضاها و مکانهای ناامن اجتماعی، کم درآمد بودن خانوار و ... که باعث انزوای هر چه بیشتر آن شده است.

در پایان بحث، حل شدن مشکلات بافت های فرسوده به طور اعم و بافت های مرکزی شهر سقز بطور اخص، درگرو استفاده از معماری انعطاف پذیر است.

۱-۷- پیشنهادها

- ۱- ایجاد تناسب بین دسترسی ها و کاربریها همجوار.
- ۲- بهبود کیفیت فیزیکی معابر ناشی از پوشش (آسفالت) عرض و شیب معابر.
- ۳- تأمین امنیت و بهداشت و خدمات عمومی در درون بافت قدیم .
- ۴- شناسایی و حفظ آثار و ارزشهای فرهنگی وتاریخی.
- ۵- ایجاد انسجام بین بافت قدیم و جدید و تقویت اجزاء مشترک آنها.
- ۶- توسعه و نفوذ تأسیسات و امکانات زیربنای شهری (urban facilities) در بافت قدیم.
- ۷- ایجاد راهکارهای تشویق جهت مرمت و نوسازی بناهای فرسوده توسط اهالی.
- ۸- ایجاد کاربریهای مورد نیاز رفاه عمومی نظیر فضای سبز، کاربری های ورزشی و گذران اوقات فراغت در مکان های مناسب نظیر زمینهای بایر و مخروبه یا زمینهای که مالک آنها حاضر به فروش زمین خود باشد.
- ۹- بالا بردن ضریب ایمنی بافت از طریق ایجاد ایستگاههای آتش نشانی سیار در بافت و احداث شیرهای آتش نشانی با توجه به وضع معابر و مقاوم سازی بناها در مقابل زلزله .
- ۱۰- تأمین پارکینگ عمومی در حاشیه و درون بافت .

۲-۷- راهبرد بهسازی و نوسازی از نظر اقتصادی محدوده مورد مطالعه

- ۱- هدایت و کنترل طرح های بهسازی در بافت مرکزی با تکیه بر درآمدزا بودن آن
- ۲- اعطای تسهیلات و وام های بلند مدت جهت ایجاد اشتغال و افزایش درآمد .
- ۴- فراهم نمودن زمینه های مالی به منظور دسترسی و برخورداری مردم از اعتبارات و یارانه های بانکی.
- ۵- جلب مشارکت ساکنین در سرمایه گذاری مدیریت شهری
- ۶- ارائه سیاست های جذب سرمایه گذاری خصوصی در بافت مرکزی.
- ۷- مشارکت مستقیم اهالی در بهسازی و نوسازی بافت از طریق جمع آوری سرمایه خرد آنان.

۱. پاکدامنی، رستمعلی، مهرماه ۱۳۷۶، کلیات فطری و عملی بافت قدیم در مقیاس جهانی و ملی و نحوه مداخله در بافت قدیم ساری، مقالات تخصصی بافتهای شهری، ص ۱۰۱.
۲. زیاری، کرامت الله، ۱۳۸۲، برنامه ریزی شهرهای جدید، انتشارات سمت، تهران.
۳. شمعی و پوراحمد، ۱۳۸۴، بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه علم جغرافیا، انتشارات دانشگاه تهران.
۴. شکوئی، حسین، دیدگاههای نو در جغرافیای نو در جغرافیای شهری، جلد اول، انتشارات سمت، تهران ۱۳۷۳.
۵. مردوخ، شیخ محمد؛ فقه محمدی، ۱۳۶۹، انتشارات عزیزی، سنندج.
۶. مهندسین مشاور نقش پیراوش، طرح تجدید نظر جامع شهر سقز، تهران، ۱۳۸۳.
۷. مهندسین مشاور نقش پیراوش، طرح تجدید نظر تفصیلی شهر سقز، ۱۳۸۳.
8. Blowers , Andrew , (1994) , planning for sustainable Environment , Report by The Twon and country planning A ssociation . p.6.
9. Wilson , Williams , 2004 , Form The Truly Disadvantaged : The Inner city The underclass , And Public Policy , In city Reader PP , 210 – 211 – 212 .
10. Annemarie Schimmel and Barbar Rivolta, The Metropolitan Museum of Art Bulletin, New Series, Vol. 1, No. 50.
11. Bao.Shuming(1999), "Identifying urban-rural linkages – Test for spatial effects in the Carlino-Mills Model," university of Michigan.
12. *Cowan. R. (2002) "URBAN DESIGN GUIDANCE" Thomas Telford, Pub.
13. Dasgupta Biplab (1993), "Public Housing and Migration: A Multi-level Modeling Approach" Int .Jou .Popul .Geo , Vol.3, P.277.
14. Davies, Penelope J.E. Denny, Walter B. Hofrichter, Frima Fox .Jacobs, Joseph. Roberts, Ann M. Simon, David L. Janson's History of Art , Prentice Hall, (2007) , Upper Saddle River, New Jersey. Severth Edition.
15. Dekker. F , others (1978) "Analysis of (A.L. D. A) Inter connected & Decision Areas", "AMULTI –LEVEL APPLICATION OF STRATEGIC CHOICE" AT SUB – REGIONAL LEVEL" (A. L. D. A.) Town Planning Review Vo 149. 1978.
16. ipl.-Ing. Gunther Geller(2012), Sustainable Rural and Urban Ecosystems: Design, Implementation and Operation, springer, Germany.

مطالعه تطبیقی بنیان های فرمیک دوران پسامدرن نمونه موردی: پیتر آیزنمن و زها حدید

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۲

کد مقاله: ۲۹۸۸۱۴

سینا جان فروز زاده^{۱*}، منوچهر فروتن^۲

چکیده

یکی از مفاهیم مهم در معماری، فرم است. مطالعه تاریخ معماری بیانگر آن است که فرم، در طول تاریخ معانی گوناگونی داشته است. مفهوم فرم در دوران مدرن و بعد از آن حاصل اندیشه نظری چندین نظریه پرداز و معمار است. این پژوهش به دنبال پاسخ برای این سوال است که چگونه می توان بنیان های فرمیک دوران معاصر را شناخت و از آن ها بهره برد. این پژوهش با رویکردی تطبیقی بنیان های فرمیک را در دوران پست مدرن مورد مطالعه قرار خواهد داد و به تحلیل محتوای کیفی دو سامانه فکری «پیتر آیزنمن» و «زها حدید»، می پردازد و هدف آن دستیابی به شباهت ها و تفاوت های این دو سامانه است. با بررسی این دو سامانه مشخص گردید ابتدا فرم های هندسی خالص نقش ویژه تری در طراحی داشته اند که آیزنمن همین را ادامه می دهد و تغییرات کمی را در همین هندسه های خالص اعمال می کند اما زها حدید از بنیان های دیگری همچون توپوگرافی، ارگانیک و فرم سیال معماری خود را جدا می کند.

واژگان کلیدی: بنیان فرمیک، پیتر آیزنمن، زها حدید، پست مدرن

۱- دانشجوی دوره دکتری معماری، گروه معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران (نویسنده مسئول)

۲- استادیار، گروه معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

۱- مقدمه

در دوران معاصر آنچه که از مفهوم فرم دریافت می‌شود، حاصل فرآیندی است که از ابتدای تاریخ هنر تا به دوران معاصر بدان پرداخته شده‌است. بررسی این مطالعات این نکته را روشن می‌سازد که مفهوم فرم امروز در دیسیپلین معماری چگونه در حال تاثیرگذاری بر آن است. در دوره‌های مختلف تاریخ هنر و به‌خصوص معماری، نظریه‌پردازان زیادی به بیان گزاره‌هایی از آنچه فرم می‌انگاشتند پرداخته‌اند که با مرور آن‌ها می‌توان فرم را در جایگاه امروزی خود مورد بررسی قرار داد و بسیاری از مجهولات و یا کج‌انگاری‌ها را در این حوزه به پاسخ مشخصی رساند. با گذشت قرن‌ها و رسیدن به دوران مدرن و پایبند بودن معماران به ساختارهای اصلی و ادامه روند آن، تغییراتی گسترده و با نگاه متفاوت در دوران پست‌مدرن و پسااستارگرایان به‌وجود آمد. دوران مدرن فرم را از گذشته خود دور می‌کند. درواقع نگاه مدرن به فرم، نگاهی تعاملی برای پیوند اجزا باهم بود (Norberg-Schulz, 1988). با رویداد پست مدرنیسم پیشرفت فرم وارد مرحله‌ی جدیدی شد. عموماً پست‌مدرنیسم را دورانی از پیچیدگی‌ها و تناقضاتی می‌بینند که به‌همراه تفکرات متفاوت و جدیدی از خود و تعاملات برای همزیستی با دیگران دارد. دراین دوران تغییرات مفاهیم فرم با رساله دکتری پیتر آیزنمن^۱ شروع شده و به دنبال او، پسااستارگرایان دیگری معماری خود را بر آن اساس شکل داده‌اند و برخی نیز به دنبال مفاهیم نوینی از فرم به تغییرات این تعاریف دست‌زدند. اینجا نقطه‌ای است که فرم دارای بنیان‌های متفاوتی می‌شود و هرکسی با دیدگاه خود بنیان‌های فرمیک را تبیین می‌کند. ازین جمله می‌توان زaha حدید^۲ را در این دوران در نظر گرفت که پس از آیزنمن دنباله‌رو این تغییرات و به‌سوی یافتن پاسخ خود از فرم بود. به‌نظر می‌رسد هرکدام از این معماران مسیر معماری را از بنیان فرمیک اندیشه خود گذرانده‌اند و می‌توان هر دو را در این مسیر موفق قلمداد کرد؛ چراکه نظریات هرکدام دارای اصول و دلایل علمی خود بوده است.

۲- پیشینه پژوهش

در نتیجه حاصل از پژوهش صفدریان (۱۳۹۶)، فرم در هر دوره متأثر از مجموعه‌ای از عواملی است که در هر سبک کم و بیش معنا متفاوتی را طلب کرده‌است. در وهله اول فرم به عنوان یکی از تأثیرگذارترین شاخص‌های شکل دهنده کالبد معماری گویای جهان‌بینی است که تعریف‌کننده خط مشی فکری غالب در آن دوره می‌باشد. پس در ورای هر فرم معماری تفکری وجود دارد که فلسفه وجودی هر سبک را تعریف می‌کند و خود پایه گذاری شکلی از معماری می‌گردد که در هر دوره پاسخ‌گو و توجیه‌کننده واقعیات بیرونی می‌گردد. اگر معماری مدرن در پس خردگرایی به وجود آمد واقعیاتی همچون جنگ، آزادی‌های اجتماعی (در پی محدودیت‌های قرون وسطی)، قدرت پادشاهان معماری وسیله‌ای در جهت به رخ کشیدن قدرت آن‌ها)، پیشرفت علم و فناوری و بسیاری از دیدگر مسائل انزجار از گذشته و شروع جدیدی را در جهان‌بینی و به دنبال آن معماری رقم زد که به‌نوعی دوری از گذشته و جایگزین کردن جهانی با ویژگی‌های متفاوت از آن‌چه بود را طلب کند. در دوران بعد نیز هر سبک در پاسخ‌گویی به شرایطی به وجود آمد که وضعیت موجود قادر به پاسخ‌گویی به آن نبود آن‌چنانکه پست مدرن خود به عنوان نقد مدرن پا به عرصه می‌نهد و با زبان طنز به تفسیر چالش‌های موجود می‌پردازد (صفدریان، غزال، ۱۳۹۶). در پژوهش عادل و ندیمی (۱۳۹۹)، با رویکرد تبارشناسی فرم، از جمله راه‌های دست‌یابی به مفهوم فرم در معماری، به عنوان مفهومی پیوسته در حال تغییر، شناسایی، تحلیل و نقد تحولات فرم، نیروهای مؤثر بر این تحولات و پیامد آن است، تا بتوان از این طریق به تصور روشنی از وضعیت فرم در گفتمان معماری دست یافت. در تاریخ نظریه پردازی، فرم در نتیجه شش تحول بنیادین طی دوره های کلاسیک، رنسانس، پیشامدرن، مدرن و پسامدرن بر شش مفهوم جلوه، ایده، گونه، ساختار، معنا و قابلیت، دلالت کرده است. بررسی تبار فرم (از دو منظر لغوی و فلسفی) و تحولات آن در اندیشه معماری نشان می‌دهد فرم برخلاف تصور رایج نه بر یک وجه خاص و تثبیت شده از معماری، بلکه بر یک «موقعیت شناختی» دلالت دارد. فرم، بنیادین‌ترین و اصیل‌ترین ویژگی اثر معماری محسوب می‌شود که تعیین‌کننده شناخت معماری از سه منظر هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و زیبایی‌شناسی است و به سبب این وابستگی شناختی متأثر از تحول شناخت معماری، گونه‌گون شده است. فرم، مفهومی پرنجبه است که در گذر زمان بنا به اقتضائات ارزشی ادوار مختلف، صرفاً برخی از ظرفیت‌های بی‌شمار آن آشکار و نمایان شده است. تقید فرم به شناخت معماری اقتضا می‌کند که با نگرشی جامع، متناسب با ارزش‌های شناختی بومی و دغدغه‌ها و چالش‌های امروز معماری، نخست شناختی جامع، اصیل و نافع از معماری حاصل شود و سپس متناسب با نیروی شناختی جدید به نظامی نو از میدان فرم دست یافته، رویکردی جامع در عمل معماری اتخاذ شود (عادل، ندیمی، ۱۳۹۹).

1 Peter Eisenman

2 Zaha Hadid

۳- مبانی نظری

۳-۱- فرم

فرم از واژه Form در زبان انگلیسی که برگردان لغت لاتین Forma است که در یونان و نظر فلسفی افلاطون Eidos و در نظر ارسطو Morphe نامیده می‌شود. فرم از منظر هستی‌شناختی بر ماهیت و جوهر اصلی و علت بنیادی پدیده‌ها و همچنین به غایت و فعلیت آن‌ها دلالت می‌کند. فرم را در فلسفه می‌توان به دو صورت بیرونی و درونی بررسی کرد. صورت درونی فرم همان عامل اصلی، حقیقی و هستی آن است و صورت بیرونی فرم، وجه محسوس و جلوه فرم اشاره دارد. فرم به‌عنوان یکی از مفاهیم مهم در فلسفه از دو دیدگاه تاریخی و نگاه نقادانه قابل بررسی است. از آنجایی که فرم خود محصول نیروهایی است که بر آن تأثیرگذار هستند و این نیروها و عوامل در هر دوره فکری متفاوت هستند در نتیجه شناخت از فرم در معماری منوط به بررسی ادوار گوناگون فکری است.

۳-۲- بنیان‌ها فرمیک در معماری

با یک تبارشناسی از شرایط شکل‌گیری مفهوم فرم از مبدا پیدایش در اندیشه فلسفی می‌توان خاستگاه‌های معماری فرم را نیز به‌دست آورد که در هر دوره اندیشمندان و هم‌منظور معماران بزرگی در این باره نظراتی را بیان داشته‌اند. در دوران کلاسیک اندیشه‌های ویتروویوس^۱ درباره فرم قابل توجه خواهد بود و هم‌منظور در دوران رنسانس آلبرتی^۲ و واساری^۳، در دوران مدرن فرمالیست‌ها، پراگماتیسم‌ها و ایده‌آلیسم‌ها و بالاخره در دوران پست‌مدرن در گرایش‌های مختلف زبان‌شناسی، ساختارگرایی، پساساختارگرایی، پدیدارشناسی و مارکسیستی می‌توان مفاهیم فرم را مورد بررسی قرار داد. بادر نظر گرفتن تاریخچه فرم در دوره‌های مختلف موضع‌گیری‌ها و اندیشه‌های دوران پست‌مدرن قابل توجه است؛ دورانی که «معنا» ارزش بیشتر از «عملکرد» مدرن پیدا کرد. این دوران بازگشت به دوره‌های گذشته نیست بلکه در پی بیان اشکالی از گذشته است که ریشه‌های معماری معاصر از آن‌ها سرچشمه گرفته‌اند. مرزبندی‌های فرم در این دوره به مثابه جلوه در کالبد، فضا، رویداد و خطوط سیما شناختی است (عادلی، ندیمی، ۱۳۹۹). بنیان‌های فرمیک در واقع چارچوب‌هایی هستند که فرم را در معماری به سرانجام می‌رسانند و از طریق مبانی این بنیان‌ها، می‌توان فرآیند معماری را جلوه داد. در دوران پیش‌از مدرن، فرم ساخته‌شده متشکل از نظام‌های بسته‌ای بود که به آن‌ها سبک می‌گویند. در سبک، هر فرم به فرم دیگر مربوط می‌شود و مفهوم آن به همین روابط بستگی می‌یابد (Norberg-Schulz, 1988). در تقابل این نگاه به فرم، در دوران مدرن «فرم باز» تبلور برداشت جدید از مفهوم ساخت است. فرم باز از سنت جدا می‌شود و وضعیت هم‌زمانی بالقوه مکان‌ها را «هر دو باهم» بیش از «این یا آن» متجلی می‌سازد. در حقیقت دسته‌بندی‌های سبکی گذشته به یک حالت متعادل نزدیک می‌شوند. از دیدگاه شولتز^۴، هرچند فرم باز باید همانند هر فرم دیگری دارای ریشه‌ای باشد، اما این ریشه باید به مکان تعلق داشته‌باشد.

با ورود به دوران پست مدرن و محوریت یافتن رویکردهای زبان شناختی و تفکرات مارکسیستی تعبیر متفاوتی از ساختار ارائه می‌شود و مفهوم ساختار در نسبت با فرایند خلق اثر معماری اهمیت می‌یابد. رویکردی که کم رنگ شدن جایگاه فرم نخستین و توجه به فرایند طراحی یا اجرا را در پی دارد. بر اساس چنین نگرشی ساختار و مجموعه رویه‌های فرایند خلق اثر معماری تضمین‌کننده هویت اثر معماری تلقی می‌شود و زیبایی و معرفت بدان را نیز ممکن می‌سازد. پیتر آیزنمن با استناد بر آرای «چامسکی»^۵ در حوزه زبان‌شناسی، شکل‌گیری معماری را محصول فرایند ساختارمندی می‌داند که مبتنی بر رویه‌ها و قواعد هندسی مشخص، تبدیل فرم خالص و خنثای اولیه (مکعب) به فرم نهایی را ممکن می‌سازد. الکساندر^۶ نیز در نظریه‌های متأخر خود از اعمال نظاممند مجموعه‌ای از الگوهای هندسی سخن به میان می‌آورد که به فرم نهایی معماری منتهی می‌شود (Alexander, 2003).

۴- روش پژوهش

در این مقاله روش پژوهش براساس مطالعه تطبیقی و تحلیل محتوای کیفی است. برای دستیابی به اهداف پژوهش با مشخص کردن محور بحث که همان بنیان‌های فرمیک هستند، به دو سامانه فکری در دوران پست‌مدرن پرداخته می‌شود. پژوهش در ابتدا با

- 1 Marcus Vitruvius Pollio
- 2 Leon Battista Alberti
- 3 Giorgio Vasari
- 4 Christian Norberg-Schulz
- 5 Noam Chomsky
- 6 Christopher Alexander

تبارشناسی مفهوم فرم در معماری و تمرکز به دوران مدرن و پسامدرن در پی یافتن مفاهیم فرم در این ادوار است از این رو آثار پیتر آیزنمن و زها حدید مورد پژوهش قرار می‌گیرند. در این میان آثاری که از بینان‌های فرمیک متفاوتی در طی زمان برخوردار بوده‌اند به منظور تطبیق انتخاب می‌شوند. بعد از تحلیل اطلاعات موجود در این آثار و مشخص شدن منطق فرمیک هر کدام به دنبال شباهت‌ها و یا تفاوت‌های این دو سامانه پرداخته می‌شود.

۵- سامانه فکری و معماری پیتر آیزنمن

علی‌رغم تأثیر قابل توجه آیزنمن بر معماری از طریق آثار ساخته شده و نظری، بیشتر مطالعات در مورد حرفه پیتر آیزنمن بر یک جنبه یا جنبه دیگر متمرکز است. در «از فرمالیسم تا فرم ضعیف: معماری و فلسفه پیتر آیزنمن» استفانو کوربو^۱ تلاش می‌کند تا این تعادل را اصلاح کند و موضوعات طراحی و نظریه معمار تأثیرگذار را در بسیاری از مراحل زندگی حرفه‌ای ۵۰ ساله‌اش به هم پیوند دهد. تمام لحظات متفاوتی که مسیر آیزنمن را مشخص می‌کند، مستلزم مراحل مختلف، پروژه‌های مختلف، مانیفست‌های برنامه‌ای متفاوت و مهمتر از همه، مفهومی در حال تکامل از فرم است. نزدیک شدن به پیچیدگی گفتمان او به معنای پرداختن به فرم در تمام انحرافات آن است؛ فرمالیسم، ترکیب زدایی^۲، ساختارشکنی و فرم ضعیف، هر یک از آن‌ها پوسته جهش یافته پیکره نظری آیزنمن را بر اساس ارجاعات فلسفی و اظهارات برانگیزاننده تشکیل داده‌اند. آیزنمن به لطف توانایی‌اش در ارتباط با گرایش‌های فرهنگی آن زمان، قلمروهای مختلفی را بررسی کرده است: اول، ساختارگرایی و نظریه زبان‌شناختی چامسکی. در ادامه، پس‌اساختارگرایی دریدا^۳ و دلوز^۴، با گذر از تأثیر فرمالیسم کالین رو، و علاقه اخیر او به بازگشت به خودمختاری که توسط پیر ویتوریو اورلی تئوریزه شده است. در عین حال، آیزنمن به دلیل فعالیت تبلیغاتی خود، ابتدا با IAUS (موسسه مطالعات معماری و شهرسازی) و سپس با مجله Oppositions، همیشه نقش اصلی را در تأثیرگذاری و دخالت در بحث معماری آمریکا ایفا کرده است. اولین آثار نظری او، مانند پایان نامه دکتری او، ادعای ایجاد فرم‌های ex-novo (پیشین) را نداشتند؛ برعکس، آنها تفسیری هترودوکسی^۵ از چندین متون معماری را تشکیل می‌دادند. در واقع، آیزنمن علاقه مند بود که فرم را از روابط ضروری آن به عملکرد، معنا و زیبایی‌شناسی جابجا کند، بدون اینکه در عین حال لزوماً وجود این شرایط را انکار کند. مطالعه معمار ایتالیایی جوزپه تراگنی به آیزنمن اجازه داد تا دیدگاه خود از مدرنیسم را به تفصیل بیان کند و در عین حال، این معماری را مطابق با عینک دستور زبان چامسکی تفسیر کند. تمایز او بین ساختار عمیق و سطحی، مرجع اصلی گفتمان آیزنمن خواهد بود. معمار آمریکایی در واقع بین جنبه‌های سطحی/حسی (رنگ، بافت، شکل و غیره) و جنبه‌های عمیق (روانی، فشرده سازی و گسستگ) تمایز قائل شد. برای استناد به رافائل مونثو، ممکن است بگوییم که آیزنمن نسخه‌ای دوگانه از معماری خود را بر اساس تقابل بین ذهنی (ساختار عمیق) و حسی (ساختار سطحی) ساخت. در ادامه آیزنمن شروع به جذب انگیزه‌های جدید کرد و تمرکز خود را به سمت چالش‌های مختلف معطوف کرد: پروژه Cannaregio نیز، La Villette پاریس، با همکاری ژاک دریدا، (۱۹۸۷) و اخیراً برلین (یادبود هولوکاست، ۲۰۰۵) گام‌های متفاوتی را از تکامل ایده او از فرم به نمایش گذاشتند. در عین حال، این پروژه‌ها نمادی از تغییرات غیرمنتظره و ابهامات غیرعادی بودند، زیرا زندگی‌نامه و حرفه معماری آیزنمن به یکدیگر وابسته هستند و نمی‌توان ۳ آن‌ها را از هم جدا کرد و رمزگشایی برخی از وضعیت‌های او بدون اشاره به اضطراب‌های شخصی دشوار است. علاوه بر این، هر پروژه حاوی یک بستر فرهنگی متفاوت است که باید آشکار شود.

۵-۱- فرم از دیدگاه آیزنمن

پیتر آیزنمن رساله‌ای دکتری خود را (۱۹۶۳) با نگاهی تاریخی و با رویکردی نقدگرایانه به نگارش درآورده است. او معتقد است که تا زمانی که «فرم» یک ساختمان در شکل‌گیری نظم، مقیاس، توازن والگویی از محیط بیرونی نقش دارد، ضرورتی نخواهد داشت تا گویای مستقیم «معنا» در عملکرد باشد. آیزنمن فرم را در دو گروه فرم‌های ساده و فرم‌های ترکیبی تقسیم می‌کند. فرم‌های ساده از تعاریف افلاطونی فرم (هندسه) به وجود می‌آید و فرم ترکیبی را اندیشه‌های موجود در پیکره فیزیکی و کالبدی به نمایش درآمده در پاسخ به یک معنا و یا عملکرد خاص تعریف می‌کند. آیزنمن فرم‌های ساده را به دو گروه فرم‌های خطی (استوانه یا دو مکعب کنارهم) و فرم‌های مرکب (مکعب و کره) تقسیم می‌کند. (Eisenman, 1963). به عقیده وی، ساختمان در ابتدای

- 1 Stefano Corbo
- 2 Decomposition
- 3 Jacques Derrida
- 4 Gilles Deleuze

۵- (به لاتین: Heterodoxy)، واژه‌ای یونانی به معنای (نامتعارف و خلاف جریان اصلی و رایج) است. بیشتر متفکران و مکانی که با صفت هترودوکس از آنها یاد می‌شود، رویکردی در تقابل آشکار با تفکرات متعارف و رایج زمان خود داشته‌اند. در اصل این صفت به افراد و تفکرانی اطلاق می‌شود که در پی بدعت گذاری در موضوعی برخلاف روال رایج بوده‌اند.

توسعه‌ی فرم خود تنها از اندیشه‌های افلاطونی شکل نمی‌گیرد، مگر آن که آن را با «معنا» و «عملکردی» مشخص تعریف کنیم. این نکته حاکی از آن است که، «فرم‌های ترکیبی» به واسطه‌ی تعدیل و یا نقدی که از «فرم‌های ساده‌ی» هم‌جنس خود روی می‌دهد، پدید می‌آیند. به عنوان مثال، زمانی که یک «فرم ترکیبی» برآمده از مکعب و عرصه‌ی مرکزی آن را با معنا و عملکردی ویژه در اختیار داریم، این پدیده می‌بایست پیش از به وقوع پیوستن، به کمک تجزیه و تحلیل یک «فرم ساده» هم‌راستا با یک نیاز مفروض توسعه یافته باشد.

آیزمن معتقد است فرم در ارتباط با تکنیک و ساختمان سنجیده می‌شود. ساختمان را می‌توان در پیکره و شریان‌های اصلی ساختمان یافت. درواقع «ساختمان» قالب و چهارچوب گذار «عملکرد» و «معنا» را به واقعیت فیزیکی تعیین می‌کند. تکنیک از جزئیات و شیوه‌های به وقوع پیوستن معماری می‌گوید. این جمله حکایت از نحوه‌ی ساخته شدن، تولید و چگونگی اتصال، استحکام و ثابت کردن اجزا معماری دارد. به واسطه‌ی طبیعت سودمندگرای معماری، تکنیک بیش از «فرم‌های ساده» در «فرم‌های ترکیبی» بروز پیدا می‌کند (Eisenman, 1963).

۵-۲- تحلیل آثار آیزمن

برای رسیدن به نتایج در راستای هدف پژوهش، آثاری بررسی می‌شوند که بیانگر هرکدام از دوره‌های فکری او است. آیزمن در هرکدام از این پروژه‌ها از یکی از بنیان‌های فرمیک خود استفاده کرده‌است.

جدول ۱- آثار آیزمن و ویژگی فرمی آن‌ها (ماخذ: نگارنده)

آثار	سال ساخت	علت انتخاب
House I	۱۹۶۹	استفاده از فرم مکعب و قرارگیری صفحات دیوارهای داخلی و بیرون دور این مکعب
(House II) Falk House	۱۹۶۹	استفاده از فرم مکعب و قرارگیری صفحات دیوارهای داخلی و بیرون دور این مکعب
House III	۱۹۷۱	استفاده از مکعب و سپس چرخش مکعبی دیگر و جابجایی دیوارها در پلان طبقه فوقانی
House VI (Frank residence)	۱۹۷۲	استفاده از مکعب و صفحات ولی ایجاد تقارن در پلان به وسیله پله
Wexner Center for the Arts	۱۹۸۹	استفاده از شبکه منطقه طراحی برای رسیدن به طرح
Greater Columbus Convention Center	۱۹۹۳	جابجایی طراحی آیزمن در صفحات نما و مقطع
The Galicia City of Culture	۱۹۹۹-۲۰۱۱	استفاده از پتانسیل زمینه توپوگرافی برای طراحی

معماری نمایشی از خود به عنوان ساخت و ساز در پاسخ به یک هدف است. فرم‌ها دیگر وسیله‌ای برای رسیدن به هدف نیستند، بلکه خود هدفی هستند. معماری پیتر آیزمن - به ویژه خانه‌های قبلی (خانه I - IV) بر اساس این ایده است، حتی اعتقاد به معماری که باید بتواند قدرت بالقوه را از درون خود پیکربندی معماری بیرون بکشد. این ممکن است پیچیده به نظر برسد، اما کاری که او می‌کوشد انجام دهد این است که عملکردی را که معماری ممکن است از ظاهر - فرم - همان شی معماری نشان دهد، "قطع" کند. آیزمن می‌گوید که مهم است که عملکرد را فتح کنیم و عمداً عملکرد را اشتباه به تصویر بکشیم. او همچنین می‌گوید که "بدون عملکرد، معماری وجود ندارد." این کشمکش بین فرم و کارکرد البته در تاریخ معماری، در محیط ساخته شده و همچنین در گفتمان نظری معماری غریبه نیست.

یافتن فرم یکی از موضوعات اساسی است که می‌توان در آثار آیزمن کشف کرد و همچنین وجه تمایز او از سایر معماران است. در این فرآیند او از اصطلاح جابجایی استفاده می‌کند. این جابجایی‌ها سنگ بنای طرح‌ها و طرز تفکر او هستند. آن‌ها به نوعی روح یک ساختمان هستند در حالی که در لبه بیرونی تجربه ادراکی باقی می‌مانند، مرجع امکان واقعیت است - این خود واقعیت نیست؛ این هرگز نمی‌تواند عاری از ارزش یا معنا باشد، در حالی که روابط را در یک شیء معماری توضیح می‌دهد، با آن هم فرم نیست، بر خلاف فرم‌های سنتی بازنمایی، جابجایی به عنوان یک مولد واسطه‌ای بین یک شی فیزیکی، یک ساختمان واقعی، و چیزی که می‌توان آن را معماری درونی نامید. بنابراین، جابجایی را می‌توان به عنوان انگیزه ساختمان در نظر گرفت و در یک سطح کلی، رویکرد توصیف شده قبلی از فرم و طرز تفکر او قوانین غیررسمی را در معماری خود ترکیب می‌کند. «در هر یک از مراحل فرآیند جابجایی که در آن هدف رسیدن به مجموعه‌ای از فرم‌ها است که ممکن است در طراحی نهایی وجود داشته باشد یا نباشد. هدف فرآیند جابجایی یافتن یک قانون است، یک قانون کلی که هر یک از حرکات یا مراحل جزئی را در یک توالی پیوسته و بدون وقفه ترکیب کند. این قانون توسعه فرمی است و باید مستقل از هرگونه تفسیر عملکردی باشد. این طرز تفکر و در

واقع فرآیند جابجایی معماری را به عنوان یک قانون کلی توصیف می‌کند. به گونه ای که او را تحت تأثیر قرار داد و او را از سایر معماران متمایزتر کرد.

در خانه شماره ۲ (تصویر ۱)، او به این واقعیت اشاره می‌کند که باید بتوان خانه را به عنوان یک کل منظم مشاهده کرد، با گذراندن فرآیند تغییر مکان در یک توالی معکوس، تا به نقطه شروع خالص و مفهومی جعبه مستطیلی رسید، که ساختمان‌هایی مانند خانه شماره ۲ (۱۹۶۹)، کاوش‌های نحو فرمی اولیه و ساختار منطقی فضا هستند. استفاده صریح و مکرر از «زبان فرمی» او و به کارگیری دیاگرام، پیتز آیزنمن را به یک مورد خاص و قابل توجه تبدیل می‌کند. زبان را می‌توان به عنوان «عناصر ساده معماری و استفاده از آن‌ها در ساخت و ساز تعریف کرد، که زبان به عنوان سیستم بازنمایی حس ساختمان‌ها ساخته می‌شود و می‌توان گفت که هویت آن‌ها را مشخص می‌کند و در عین حال سیستم بازنمایی دنیایی از فرم‌ها است که وحدت خاص خود را دارد. مطمئناً معماری پیتز آیزنمن واجد شرایط کاربرد «صحیح» اصطلاح زبان است. تجزیه و تحلیل خانه‌ها منجر به استفاده متمایز از اشیاء یا عناصر معماری خاص مانند تیر، ستون، دیوار، پله‌ها و پنجره می‌شود. همچنین - همانطور که قبلاً اشاره شد - آیزنمن از فرم‌هایی استفاده می‌کند که وحدت خاص خود را دارند. با این حال، معماری آیزنمن آزمون استفاده از اصطلاح «سبک» را نمی‌گذراند. سبک و زبان با درجه کلی از یکدیگر متمایز می‌شوند. زبان می‌تواند بر اساس دیدگاه شخصی باشد، در حالی که سبک نمی‌تواند. سبک زبان را به اشتراک گذاشته است. برای تبدیل شدن به سبک باید توسط جامعه به رسمیت شناخته شود. سبک را نباید با زبان اشتباه گرفت. سبک نباید شخصی باشد، برای اینکه وجود داشته باشد، باید به یک میراث جمعی تبدیل شود. بنابراین معمار باید آرزوی تعریف یک سبک را داشته باشد، اما این جامعه است که تشخیص می‌دهد که آیا او به سبکی در کار خود دست یافته است یا خیر. این دقیقاً همان نقطه‌ای است که معماری آیزنمن دشوار یا پیچیده می‌شود، اما آیزنمن نمی‌خواهد به عنوان یک «سبک» شناخته شود. همواره، او به طور مداوم بخشی از یک سبک را انکار می‌کند.



تصویر ۱، خانه شماره ۲ (۱۹۷۰) (Source <https://eisenmanarchitects.com>)

۵-۳- جابجایی فرم

استفاده از جابجایی موضوعی متفاوت است. این شامل جنبه‌های بسیار بیشتری از آن چیزی است که در نگاه اول قابل تشخیص است. کاربرد جابجایی در طراحی (فرآیند) و همچنین تعریف خود فرآیند طراحی چیزی است که در مورد آیزنمن متمایز است. با این حال، این بیانیه در مقایسه با تاریخچه استفاده از جابجایی در هنر و معماری، به ویژه در معماری پست مدرن، محتوای چندانی ندارد.

آیزنمن از جابجایی دیاگرام به عنوان یک الگوی فرمی استفاده کرده است، با ثبات وسواسی خود، [این] یکی از ابزارهای نظم بخشیدن به جهان است. در اینجا دو جنبه برجسته است. ابتدا شباهت‌های چشمگیر بین روش توصیف شده قبلی آیزنمن، جایی که او از جابجایی به عنوان مولد طراحی (اولیه) و توضیحات نقل قول قبلی استفاده می‌کند. همچنین ما طنین "زبان فرمی" را یافتیم، همانطور که برای کار آیزنمن دیده می‌شود. اتفاقی که می‌افتد غیرمنتظره و مبهم است. با در نظر گرفتن فرم در ظرفیت نحوی‌اش، آیزنمن می‌بیند که آن را بر اساس قوانین خاص درونی معماری مرتب می‌کند و از مفاهیم خارج از خود نشأت نمی‌گیرد، آیزنمن تلاش می‌کند تمام معنا را در قالب محصور کند تا معنا ناگذر شود. بنابراین، می‌توانیم بیانیه‌ای واضح از (تشکیل‌دهنده) دیدگاه آیزنمن درباره «گسست» فرضی‌اش با تاریخ ببینیم. در خانه شماره ۳ (تصویر ۲)، آیزنمن از مکعب در طبقه اول استفاده می‌کند و همان را در طبقه فوقانی آن جابه‌جا می‌کند و یک چرخش به آن می‌دهد و دیاگرام را جابه‌جا می‌کند. در مرکز گردهمایی کلمپوس (تصویر ۳) نیز این جابه‌جایی قابل مشاهده است اما این بار نه در پلان بلکه در صفحات نما و مقطع این اتفاق می‌افتد. آیزنمن در پروژه سال ۱۹۹۹ خود در شهر فرهنگ گالیسیا، در تغییرات فرمی و به صورت توسعه زمین و استفاده از توپوگرافی پیش می‌برد و اینطور به نظر می‌رسد که پروژه از دل زمین بیرون آمده و خود را نمایان می‌کند



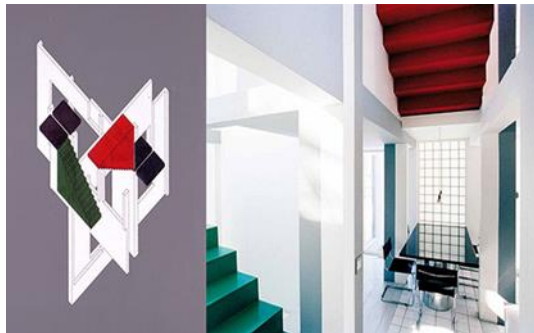
تصویر ۲، خانه شماره ۳ (۱۹۹۳) تصویر ۳، مرکز گردهمایی کلمبوس (۱۹۹۳)

(Source <https://eisenmanarchitects.com>)

آیزمن از جابجایی برای ایجاد الگوهای منظم یا به عبارت دیگر الگوهای "قابل خواندن" برای چشمان آموزش دیده استفاده نمی‌کند. در عوض او تا حدودی هرج و مرج یا بی‌نظمی ایجاد می‌کند. این به وضوح زمانی آشکار می‌شود که در ترکیب او عمیق‌تر بگردیم، جایی که او تغییری ناگهانی ایجاد می‌کند، اگرچه او خط فکری خود را ادامه می‌دهد. بر کسی پوشیده نیست که آیزمن همیشه پاکت را فشار می‌دهد و در نتیجه تا آنجا که می‌تواند ساکنان خانه‌های خود را از خود دور می‌کند - در واقع او حتی تا آنجا پیش می‌رود که آنها را متجاوزان خانه می‌داند. همچنین شیوه برخورد او با نیروهای طبیعت، یعنی استفاده از ستون‌ها و پله‌ها، دست کم متمایز است.

۴-۵- بیگانگی جابجایی

هنگامی که مرکز Wexner (۱۹۸۹) را در نظر می‌گیریم (تصویر-۴)، می‌توانیم ستونی را ببینیم که به جای ثابت ماندن روی زمین، آویزان است - بی‌توجهی آشکار به نیروی گرانش، در نتیجه بازدیدکنندگانی را که با این تصویر تحریف شده از واقعیت مواجه می‌شوند، بیگانه می‌کند. آیزمن در شرح ایده خود در این پروژه با اشاره به سایت چنین عنوان نمود که شهر کلمبوس نقشه‌ای شطرنجی دارد، که از طرفی محوطه‌ی دانشگاه دارای شبکه دیگری است که از شبکه شهر تقریباً ۱۲/۵ درجه منحرف شده‌است. بنابراین او در طراحی پروژه با تأکید بر محور شهر کلمبوس و تداخل آن در محور اصلی محوطه‌ی دانشگاه ورودی مجموعه را در امتداد این دو شبکه قرار داد (بانی‌مسعود، ۱۳۹۲). در خانه شماره ۶، او همان مکعب و صفحات را دارد اما از یک پله با رنگ قرمز برای تقارن در پلان استفاده می‌کند (تصویر-۵). درواقع، این یک طبقه وارونه است که به رنگ قرمز مشخص شده است، که فقط به عنوان تقسیم ساختمان و ایجاد تقارن خانه عمل می‌کند. این کنش‌ها - و کارهای دیگر - مفهومی را که آیزمن از معماری دارد - یا حداقل آنچه که معماری باید باشد - و در واقع ایده‌های او درباره جهان و واقعیت چیزها را مشخص می‌کند.



تصویر ۵، خانه شماره ۶ (۱۹۸۹)



تصویر ۴، مرکز وکسنر (۱۹۸۹)

(Source <https://eisenmanarchitects.com>)

۶- سامانه فکری و معماری زها حدید

زمانی که به ارائه پیچیده آثار حدید از اوایل دهه ۱۹۸۰ تا اواسط دهه ۱۹۹۰ توجه کنید، ممکن است هر کسی در درک طرز تفکر و نحوه طراحی او با مشکل مواجه شود، اما تنها از طریق انجام تحلیل محتوای مصاحبه‌های او، می‌توان داده‌های اولیه گران-بهای را به دست‌آورد که منجر به دریافت استراتژی طراحی او می‌شود. حدید طراحی را عملیاتی شامل مفهوم، عقلانیت و رویکردهایی می‌داند که پیچیدگی‌های الگوهای زندگی مدرن را بررسی و ترتیب می‌دهد (Hadid, 2011; Didero, 2012). فرآیند

طراحی از دیدگاه او یک روند مستمر از خودآزمایی در طراحی در تمام مراحل آن است (new YooxerT, 2010). استراتژی حدید را می‌توان در پنج مرحله خلاصه کرد. آن‌ها تحقیق شخصی، مفهوم فرم، ایجاد فرم، گردش و عملکردها و در نهایت طراحی داخلی هستند. هر مرحله ممکن است شکل نهایی قابل تصور پروژه را تحت تأثیر قرار دهد.

تحقیقات دقیق اولین گامی است که حدید در مکان پروژه، طبیعت، محیط، محله‌ها، عملکرد، شهرسازی، معماری، رویدادهای سیاسی و اجتماعی که تاریخ شهر را شکل می‌دهند انجام می‌دهد (Designboom, 2007). علاوه بر این، او حتی جاه‌طلبی مردم در مورد آینده منطقه خود را مطالعه می‌کند (Hadid, 2005). هدف از این مرحله، داشتن دانشی جامع در مورد ماهیت و پارامترهای پروژه است که در ایجاد یک مدل کارآمد و تعاملی با شرایط محیط کمک کرده است. این متغیرها همچنین زیربنای تنوع و تفاوت‌های طرح‌های او هستند، زیرا هر سایت چیزی استثنایی برای یک پروژه ارائه می‌کند (new YooxerT, 2010).

حدید موفقیت پروژه‌های خود را به تحقیق و پژوهش ویژه در تمام جنبه‌های پروژه مربوط می‌داند. هنگامی که دفتر او در مسابقه طراحی استادیوم ملی ژاپن در سال ۲۰۱۲ برنده شد، او اعلام کرد که برنده شدن طرح نتیجه "سه دهه تحقیق در معماری و شهرسازی ژاپنی" است (Frearson, 2012, para.3). بنابراین، بررسی طولانی مدت سایت و پروژه به عنوان اولین گام کلیدی در سفر منحصر به فرد و ناآشنا او با طراحی محسوب می‌شود. از آنجایی که افکار معماری ساخت‌گرا از جنبش‌های هنری انتزاعی در اوایل دهه ۱۹۲۰ الهام گرفته شد، تعداد کمی از آثار اولیه حدید به وضوح تحت تأثیر برخی از آثار معمار سازنده روسی یا کوف چرنخوف^۱ قرار گرفتند. حدید از روش تقلید چرنخوف از طراحی ماشین تأثیری نداشت، بلکه از روش او برای ایجاد فرم‌های پویا و پرنرژی تأثیر گذاشت. حدید اعلام کرد که آثار او برگرفته از برخی معماران مدرنیست اولیه مانند فرانک لویید رایت، اسکار نیمایر^۲ و میس ون در روهه است که از آن‌ها آموخته است که چگونه با بلند کردن ساختمان از زمین رهایی یابد (Hadid, 2006). او همچنین به نقش موثر معماری سنتی چین در دیدگاه مفهومی خود در درک معماری به عنوان بخشی طبیعی از محیط اطراف با استفاده از تکنیک تعبیه شده یا تناسب اندام اشاره کرده است. سفر به بسیاری از کشورهای جهان با تجربه انواع معماری بین‌المللی که آشنایی با معماری او را در سطح جهانی تفسیر می‌کند، نقش اصلی را در تقویت تخیل و همچنین توانایی‌های طراحی او ایفا کرده است. برنامه‌های طراحی معماری دیجیتال اخیراً توسط حدید علاوه بر ابزاری برای طراحی پلان‌های معماری، به عنوان ابزاری الهام بخش برای ایجاد فرم‌های منحصر به فرد استفاده می‌شود. پیشرفت اخیر در بخش محاسبات، بسیاری از کارها را برای معماران تسهیل کرده است، مانند تصور و تولید فرم‌های پیچیده و واجد شرایط ساختن آن‌ها برای تبدیل شدن به پروژه‌های واقعی. سیستم طراحی پارامتریک برنامه معماری است که توسط معماران زها حدید برای طراحی ایجاد شده و به شدت مورد استفاده قرار می‌گیرد. این به معماران کمک می‌کند تا نسبت به پیچیدگی‌های زندگی و محیط معاصر واکنش نشان دهند (Schumacher, 2010). علاوه بر این، به معمار آزادی ایجاد فرم‌های جدید را می‌دهد، زیرا دارای ویژگی آزادسازی فرم با انعطاف‌پذیری و شکل‌پذیری است که منجر به تولید جایگزین‌های متعدد برای یک پروژه می‌شود. فرم در این برنامه نتیجه یک عملیات تعاملی بین دو عامل است: اولی داده‌های جامع پروژه و دومی حس زیبایی‌شناختی معمار ایجادکننده معماری است که با سازگاری، ارتباط و پویایی مشخص می‌شود (Schumacher, 2009). نمونه‌ای از این نوع برای ایده‌های الهام بخش، برج طلوع آفتاب در کوالالمپور، مالزی (۲۰۰۹) است.

چنین تفکر انتقادی حدید تلاشی است برای دریافت معماری از زاویه جدیدی که منعکس‌کننده ماهیت این عصر و زندگی ماست. رفتن به این سفر پرماجرا او را واجد شرایط کرده است که یکی از بهترین معماران زن در جهان باشد، اگر نگوییم بهترین معمار تا به حال (Giovannini, 1996; Yentob, 2013). زها حدید در طراحی معماری خود، نوآوری را به کار می‌گیرد، قراردادهای ارتباطات اجتماعی را به چالش می‌کشد. او فرم را بیش از همه عوامل دیگر در نظر می‌گیرد که در آن فرآیند به جای عملکرد با فرم شروع می‌شود و با فرم نمایش داده شده در طراحی داخلی به پایان می‌رسد. روش طراحی او نتیجه داشتن یک دید کلی در تمام پارامترهای پروژه با توجه به جنبه‌های عقلانیت است. نقطه ضعف شناخته شده طراحی او هزینه بالای اجرا به دلیل ماهیت پیچیده آن است که عمدتاً از نظر مالی به مشتری خدمات نمی‌دهد.

۶-۱- تحلیل آثار زها حدید

حدید اغلب در چارچوب پنج الگو در رابطه با مفهوم شکل پروژه‌ها و ویژگی‌های غالب پیکربندی بیرونی پروژه‌ها کار می‌کند. الگوهای فرم معماری حدید به ترتیب زمانی، فرم برتری، توپوگرافی، سیال، ارگانیک و پارامتریک است.

1 Yakov Chernikhov

2 Oscar Niemeyer

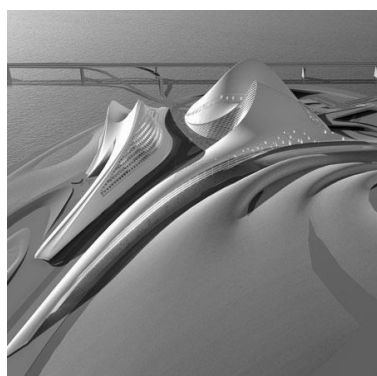
۲-۶- سوپر ماتیسزم / فرم های ساختار شکن

بیشتر آثار اولیه حدید بر مفاهیم رادیکال هنر آوانگارد روسی، سوپر ماتیسزم، که نقاشی را به روشی انتزاعی با استفاده از فرمهای هندسی بنیادی ارائه میدهد، استادهاند. حدید این مفاهیم را با ایده های چندپارگی و ساختار شکنی به معماری تزریق کرده است که سبک منحصر به فرد و ساختار شکنی خود را ایجاد کرده است (Glancey, 2006). سوپر ماتیسزم معمولاً از فرم های مشابه استفاده می کند تا هماهنگی را از طریق نقاشی ارائه دهد. این ویژگی در بسیاری از پروژه های اولیه حدید نشان داده شده است. با این حال، او مستطیل های تغییر شکل یافته را به عنوان نوعی تداخل ساختار شکن ترسیم می کرد. چشم انداز سه نقطه مانند: Zollhof 3 Media Park در آلمان (۱۹۸۹-۹۳). یکی دیگر از ویژگی های مهم، به تصویر کشیدن فرم های پرواز در نقاشی بدون توجه به عامل گرانش است که بعدها به یکی از پرکاربردترین تکنیک های او در طراحی فرم تبدیل شد.

جدول ۲- نمونه هایی از پروژه های سوپر ماتیسزم؛ الگوی ساختار شکنی حدید (ماخذ: نگارنده)

آثار	محل ساخت	فرم پروژه
The Peak (1982-83)	Hong Kong	آمیزه ای از زمین شناسی برتری گرا، که گرانش و تکه تکه شدن را به چالش می کشد
Vitra Fire Station (1990-94)	Weil am, Germany	برخورد هندسه ها (تکه تکه شدن)
Cardiff Bay Opera House (1994-96)	Cardiff, Wales	طراحی پرسپکتیو، قطعه، اشکال هندسی خالص، ضد جاذبه
Lois & Richard Rosenthal Center of Contemporary Art (1997-2003)	Cincinnati-USA	فرم های هندسی خالص انباشته شده، طراحی سازه انگارانه

۳-۶- فرم های توپوگرافی



شکل ۵- The topographic form of Dubai Opera House in USE (2006). (Source: <http://www.designboom.com>)

این دومین الگوی شکلی است که حدید پس از انتزاع و تکه تکه شدن سوپر ماتیسزم مورد استفاده قرار داد که در آن او علاقه خود را به «منظر، توپوگرافی و جغرافیا» ابراز کرد (Mc Cready, 2012). او مفهوم شکل پروژه را از خط شکل گیری سطوح زمین مانند خطوط، پشته ها، تپه های شنی، دشت سیلابی و صخره ها در نظر گرفتن تمایل و جهت سایت الهام می بخشد. او از این برای ایجاد هماهنگی با چشم انداز اطراف استفاده می کند. به عنوان مثال، موزه حمل و نقل در کنار رودخانه گلاسکو در بریتانیا که مفهومی را شکل می دهد که از امواج تپه های شنی در بیابان الهام گرفته شده است، علاوه بر انحراف در فرم الهام گرفته از سایت منحصر به فرد که به طور استعاری شبیه پیوند انتقال بین کلاید و گلاسکو است. مثال دیگر خانه اپرای دبئی (۲۰۰۶) است که حدید از تپه های شنی توپوگرافی دبئی الهام گرفته است (شکل ۴). موارد زیر ویژگی های مشترک چهار پروژه تحت الگوی توپوگرافی است (جدول ۳). آنها از طریق شباهت بین اشکال بیرونی خود مشتق شده اند.

جدول ۳- نمونه هایی از پروژه های توپوگرافی حدید (ماخذ: نگارنده)

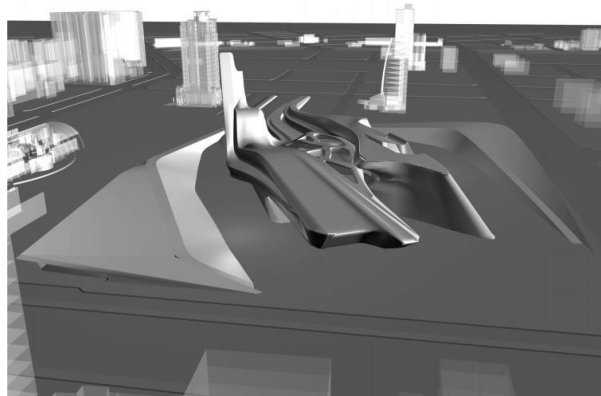
آثار	محل ساخت	فرم پروژه
Landesgartenschau 1999 (1996-99)	Hong Kong	الهام گرفته از خطوط کانتور سایت
Dubai Opera House (2006)	Dubai, UAE	الهام گرفته از تپه های شنی مجاور توپوگرافی دبئی به عنوان یک کویر
E.ON Energy Research Department (2006-10)	Aachen, Germany	فرم ترجمه برای جهت و خطوط سایت است
Heydar Aliyev Culture Centre (2007-12)	Baku Azerbaijan	فرم با برداشتن چشم انداز سایت به چهار برش توپوگرافی شکل می گیرد

۴-۶- فرم مایع (سیال)

فرم سیال را همانند معماری آب است، به دلیل شباهت نمادین در کیفیت ها و ویژگی های دینامیکی مانند صاف، روان، بی شکل و پیوسته بدون درز. اگرچه فرم سیال که از نظر پیچیدگی متمایز می شود یک ویژگی دائمی برای اکثر آثار اخیر حدید از جمله الگوهای دیگر مانند طرح های ارگانیک و پارامتریک است، پروژه سیال بر اساس مفهوم فرم ایجاد شده توسط طرح های سیال و پویا حدید و بقیه الهام گرفته از حرکت آب دسته بندی می شود. معماری سیال عمدتاً از طریق آثار حدید به رسمیت شناخته شده است، به ویژه با توجه به فضای سیال که او آن را بخشی از آثار معماری خود می داند (Hadid, Z, 2006). او به ویژه در اواسط دهه ۱۹۸۰ شروع به کار در این نمونه اولیه کرد، به ویژه آنچه که مربوط به مبلمان و طراحی داخلی است مانند خیابان ۳۴ Cathcart در لندن. او مرتباً جاه طلبی خود را برای ایجاد فضای سیال برای بازتاب پیشرفت های تکنولوژیکی در هر بخش اعلام می کرد "از اولین روزهایم در AA، مفاهیم تکه تکه شدن، انتزاع و انفجار را بررسی کردم ... اما جاه طلبی من همیشه ایجاد فضای سیال بود (Hadid, Z, 2011). معماری سیال و منحنی می تواند دید بهتری به محله های اطراف ارائه دهد. همچنین اجازه می دهد تا نور به روشی بهتر از طرح های مکعبی وارد ساختمان شود. نمونه ای از چنین الگوی طرح پیشنهادی برای موزه گوگنهایم تایچونگ در تایوان است.

جدول ۴- نمونه هایی از پروژه های توپوگرافی حدید (ماخذ: نگارنده)

آثار	محل ساخت	فرم پروژه
Guggenheim Museum Taichung (2003)	Taichung, Taiwan	"فضای رویداد همیشه در حال تغییر؛" فضای جنبشی
Cairo Expo City (2009)	Cairo, Egypt	الهام گرفته از حرکت سیال دلتای نیل
High-Speed Train Station Napoli Afragola (2004-14)	Naples, Italy	فرم مایع سیال
Japan National Stadium (2012)	Tokyo, Japan	ایده فرم اساساً توسط طرح های صاف سیال حدید ایجاد می شود



شکل-۵. The fluid form of Guggenheim Museum Taichung in Taiwan (2003). (Source: <http://www.zaha-hadid.com>)

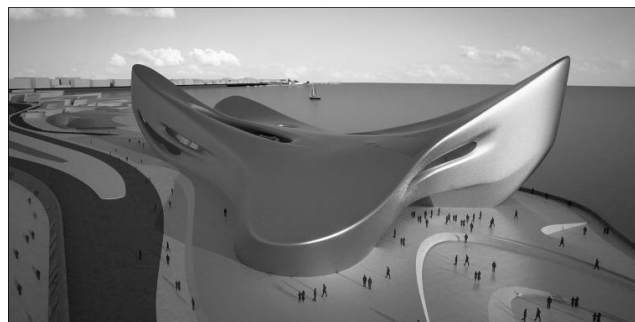
۵-۶- فرم ارگانیک

الگوی ارگانیک در این مطالعه برای پروژه ای نامیده می شود که مفهوم شکل آن بر شبیه سازی اشیا در طبیعت یا به قول حدید «مورفولوژی ارگانیک» است (Hadid, Z, 2010). او حتی فرم هایی از جزئیات کوچک را در مورفولوژی بیولوژیکی مانند سلول ها تقلید می کند. یک نمونه از آن مرکز هنرهای نمایشی ابوظبی در امارات است. به طور کلی، اکثر فرم های ارگانیک با داشتن سطوح انحنای نامنظم مشخص می شوند و این امر زمینه ساز عدم استفاده از گوشه و دیوارهای متعامد در برخی از آثار اوست. علاقه حدید به طبیعت از بازدید او از مرداب های روستاهای سومر عراق شروع شد، جایی که طبیعت بدون دخالت ماشین و تکنولوژی کاملاً در منظره های باشکوه تجسم یافته است (Glancey, J, 2006). این امر او را به الهام گرفتن از طبیعت راهنمایی می کند و به او کنجکاوی می دهد تا بدانند چگونه شکل موجودات با محیطشان تطبیق می یابد. سازگاری با محیط طبیعی پشت تنوع موجودات از یک نوع است. همچنین این را می توان در مورد تنوع در آثار حدید به کار برد که در آن او به سختی تلاش می کند تا پروژه را با زمینه و با روابط حیاتی تطبیق دهد و آن را «حس تعبیه و تناسب در زمینه» به دست آورد. یک مثال خوب از

الگوی ارگانیک موزه Regium Waterfront در ایتالیا است که در آن پیکربندی خود را از شکل فیزیکی ستاره دریایی الهام گرفته است.

جدول ۵- نمونه هایی از پروژه های ارگانیک جدید (ماخذ: نگارنده)

آثار	محل ساخت	فرم پروژه
Maritime Terminal (2000-12)	Salerno, Italy	پوسته قوی صدف را شبیه سازی می کند
Regium Waterfront Muesum (2007)	Reggio, Italy	الهام گرفته شده از فرم فیزیکی ستاره دریایی
Golf and spa resort (2009)	Dubrovnik, Croatia	الهام گرفته شده از فرم ارگانیک ساحل شن و سایر نمونه ها از پوسته الهام گرفته شده است
Maldives Luxury Resort (2007)	Munandhua Island, Maldives	فرم احتمالاً از شکل فیزیکی ماهی الهام گرفته شده است



شکل ۶- The organic form of Regium Waterfront in Reggio, Italy (2007). (Source: <http://www.zaha-hadid.com>)

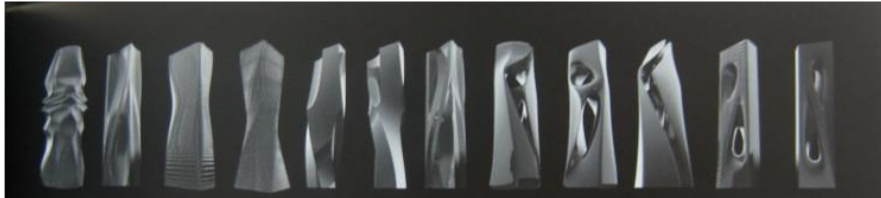
۶-۶- فرم پارامتریک

پارامتریکسم سبک جدیدی است که توسط معماران زها حدید در سال ۲۰۰۸، یعنی پاتریک شوماخر ایجاد شد (Hadid, Z, 2010). فرم های تولید شده توسط این سبک را می توان با فرم های هندسی ذوب شده، به زیبایی تحریف شده و خالص نشده آن تشخیص داد. همچنین با اتصال طراحی شهری به شیوه ای بسیار خوب و هماهنگ مشخص می شود. به گفته شوماخر، فرم ها در الگوی پارامتری «از نظر پارامتری شکل پذیر هستند؛ تفاوت تدریجی» که منجر به تعداد زیادی جایگزین می شود (schumacher, P:2009). بنابراین، مفاهیم شکل پروژه ها تحت این الگو از طریق امکانات ارائه شده توسط سیستم طراحی پارامتریک مانند چکش خواری ایجاد می شود. فرم پارامتریک به طور مداوم تغییر می کند و شکل های زنده و جالبی را درست مانند برج طلوع آفتاب در کوالالامپور، مالزی ایجاد می کند (شکل ۷). این تمایز نه تنها به حس زیبایی شناختی معمار بستگی دارد، بلکه تا حد زیادی به فرآیندهای تطبیقی داده ها و مدل با محیط و عملکرد بستگی دارد (schumacher, P, 2012). با این حال، این مطالعه الگوها را بر اساس ایده فرم پروژه دسته بندی کرده است. از آنجایی که مفاهیم فرمی پروژه ها تحت این الگو به سیستم پارامتریک بستگی دارد، همه آنها مفهوم مشابهی دارند. ویژگی چکش خواری سیستم طراحی پارامتریک مطالعه تطبیقی برای فرم های بیرونی چهار پروژه پارامتریک (جدول ۶) منجر به کشف ویژگی های مشترک بین پروژه ها تحت این الگو شد.

- فرم ها از نظر پارامتری انعطاف پذیر هستند که به تدریج متمایز می شوند تا تمام الزامات معماری موفق را برآورده کنند.
- پروژه ها دارای اشکال سیال، پیچشی و مذاب هستند.
- آنها به برنامه های زیست محیطی بسیار پاسخگو هستند.
- بخش قابل توجهی از پروژه ها دارای پوست مشبک و سوراخ شده هستند.

جدول ۶- نمونه هایی از پروژه های توپوگرافی حدید (ماخذ: نگارنده)

آثار	محل ساخت	فرم پروژه
Kartal-Pendik Master plan (2006)	Istanbul, Turkey	مفاهیم فرم بر اساس امکانات ارائه شده توسط سیستم طراحی پارامتریک مانند چکش خواری و سازگاری فرم برای داده های پروژه علاوه بر تداخل زیبایی شناختی یک معمار است.
Madrid Civil Courts of Justice (2007)	Madrid, Spain	
Sunrise Tower (2009)	Kuala Lumpur, Malaysia	
Proposed Museum of Vilnius (2007)	Vilnius, Lithuania	



شکل ۷- Mass's parametric manipulation for Sunrise Tower in Kuala Lumpur, Malaysia (2009). (Source: Recent Projects Zaha Hadid. GA)

۷- نتیجه گیری

فرم در طول تاریخ معماری دارای ارزش ویژه ای بوده است. معماران بسیاری، برداشت های گوناگونی از مفهوم فرم ارائه داده اند. در این میان پسا ساختارگرایانی همچون پیتز آیزمن و زها حدید، رویکردی جدید از فرم را در آثار خود به نمایش درآورده اند. با بررسی فرایند طراحی آیزمن و حدید در طول زمان، ویژگی هایی از «فرم» در آثارشان نمایان می شود. با مطالعه تطبیقی این آثار به نظر می رسد شباهت هایی در برخی برداشت های فرمی بین این دو سامانه فکری وجود دارد. زها حدید در آثار ابتدایی خود مانند: Cardiff Bay Opera House (1994-96) و Lois & Richard Rosenthal Center of Contemporary Art (1997-2003)، همچون آیزمن از فرم های خالص و هندسه مشخص و فرم های گوشه دار استفاده کرده است. همچنین در آثار دیگری هم آیزمن و هم حدید استفاده از پتانسیل زمین برای دستیابی به فرم است. توپوگرافی در پروژه مرکز فرهنگی گالیسیا آیزمن و پروژه های Dubai Opera House (2006) و Heydar Aliyev Culture Centre (2007-12) (که به چهاربرش توپوگرافی تقسیم شده) از دیگر شباهت ها در بکارگیری فرم است. در ورای این شباهت ها در بنیان های فرمیک، تفاوت هایی نیز به نظر می آیند. زها حدید با فاصله گرفتن از سال های ابتدایی معماری خود، به سمت استفاده از فرم های سیال و پارامتریک رفت و خطوط سیماشناختی فرم آثار او در هندسه هایی متفاوت از آثار آیزمن مشاهده می شود. استفاده از فرم ارگانیک در آثار حدید تفاوت دیگری است که خود را در آثار Maritime Terminal (2000-12)، Regium Waterfront Muesum (2007)، Golf and spa resort (2009)، Maldives Luxury Resort (2007) نشان می دهد. آن چه مشخص است هم آیزمن و حدید، بنیان های فرمیک را در آثارشان به کار بسته اند که حاصل جهان بینی متفاوت از گذشته و دوران مدرن بوده است. توانایی اعتراض به ساختارهای دوران مدرن از طریق مفهوم فرم از ویژگی های معماری آیزمن و حدی است.

۱. صفدریان، غ. (۱۳۹۶). تبیین تأثیرات پارادایم بر تغییرات فرم در معماری معاصر. هویت شهر، ۱۱(۳۱)، ۹۵-۱۰۴.
۲. عادل، س.، و ندیمی، ه. (۱۳۹۹). مرزهای مفهومی فرم در معماری. باغ نظر، ۱۷(۸۹)، ۷۰-۵۵.
۳. بانی مسعود، امیر (۱۳۹۲). معماری غرب ریشه‌ها و مفاهیم. ویراست دوم. تهران: نشر هنر معماری غرب
4. Didero, M.C. (2012). Zaha Hadid and suprematism. Domus Magazine. Retrieved from <https://www.domusweb.it/content/domusweb/en/reviews/2012/07/27/zaha-hadidand-suprematism.html>
5. Designboom. (2007). Zaha Hadid. Designboom Magazine. Retrieved from <http://www.designboom.com/eng/interview/hadid.html>
6. Eisenman, P. (1963). The Formal Basis Of Modern Architecture. Lars Müller Publishers.
7. Frearson, A. (2012). Zaha Hadid to design Japan National Stadium. Dezeen Magazine. Retrieved from <http://www.dezeen.com/2012/11/15/zaha-hadid-to-design-japannational-stadium/>
8. Giovannini, J. (1996). Portrait: Zaha Hadid, architecture's new diva makes an international scene. Architectural Digest, 53(1), 26-35.
9. Glancey, J. (2006). I don't do nice. The Guardian. Retrieved. From <http://www.guardian.co.uk/artanddesign/2006/oct/09/architecture.communities>
10. Hadid, Z. (2005). Zaha Hadid. The MIT Press, 37, 130-135. <http://www.jstor.org/stable/40482248>
11. Hadid, Z. (2006). Interview Alvin Boyarsky with Zaha Hadid, in Boyarsky. A. Zaha Hadid, 45-51. New York: Guggenheim Museum.
12. Hadid, Z. (2010, july). An Email Dialogue, Zaha Hadid. In: Futagawa, Y. (Ed.). Zaha Hadid Recent Projects, GA. Tokyo: A.D.A. Edita Tokyo, 6-8.
13. Hadid, Z. (2011, December 30). Like a breath of fresh air. China Daily USA Newspaper. Retrieved from http://europe.chinadaily.com.cn/epaper/2011-12/30/content_14356595.htm
14. Mc Cready, L. (2012, March 25). Form in Motion: Architect Zaha Hadid on Her Exhibit at the Philadelphia Museum of Art. Vogue Magazine. Retrieved from <http://www.vogue.com/culture/article/form-in-motion-architect-zaha-hadid-on-her-exhibit-at-the-philadelphia-museum-of-art/#1>
15. NewYooxer (2010). Zaha Hadid @ Maxxi. NewYooxer. Retrieved from <http://www.thenewyooxer.yoox.com/en/yooxdiary/zaha-hadidmaxxi/>
16. Norberg Schulz, C. (1988). Roots of Modern Architecture. A.D.A. Edita
17. Schumacher, P. (2009). Parametricism - A new global style for architecture and urban design. AD Architectural Design, 79(4), 14-23. [<http://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1002/ad.912/full>]
18. Schumacher, P. (2010). The parametric city. In: Futagawa Y. (Ed.). Zaha Hadid Recent Projects, GA. 42. Tokyo: A.D.A. Edita Tokyo.
19. Schumacher, P. (2012). The Autopoiesis of Architecture, Volume II: A New Agenda for Architecture. John Wiley & Sons, Ltd, Publication: United Kingdom. Retrieved from <http://www.patrikschumacher.com/index.htm>
20. Yentob, A. (2013). Alan Yentob : Imagine : Zaha Hadid. [Video file]. Retrieved from <http://www.youtube.com/watch?v=V-n2DgBeQok>

بررسی جنسیت و تفاوت های آن در ادراک فضای شهری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۲

کد مقاله: ۴۸۱۲۸

سمیرا اللهقلی پور ملایوسف^{۱*}، مریم حافظی فر^۲

چکیده

فرآیند ادراک مردان از محیط شهری بصورت کل به جزء است. یعنی ابتدا کلیت درک شده سپس به جزئیات توجه میشود. اما در اغلب زنان فرآیند ادراک جزء به کل است. یعنی مردان ابتدا کلیات فرم بناها را درک می کنند و سپس جزئیات را اما زنان ابتدا جزئیات و سپس کلیات را درک می کنند. البته باید توجه داشت که این فرآیند در چند ثانیه اتفاق می افتد و در نهایت هر دو گروه (زنان و مردان) یک واقعیت را تجربه می کنند اما از نظر ذهنی، ذهن هریک روی یک بخش تأکید دارد. روش اصلی پژوهش در این نوشتار روش توصیفی به همراه تحلیل محتوای کیفی و تحلیل داده های برداشت شده با روش مطالعات میدانی انجام شده است. یافته های این پژوهش نشان می دهد تفاوت های جنسیتی نمود بارزی در ادراک سه بعدی، جهت یابی در محیط شهر، نوع خوانایی محیط، مهارت نقشه خوانی و در نهایت روش های مسیر یابی و راهیابی پیدا می کنند. بنابراین مولفه های مذکور را می توان به عنوان اصلی ترین انگاره های تفاوت های ادراکی در محیط شهری به شمار آورد. البته همه اینها مرهون تفاوتها در ساختار مغز انسانها بوده که البته هم برای زنان و هم برای مردان بصورت اکتسابی قابل تغییر است. در نتیجه با در نظر گرفتن و توجه به مولفه های بسیار ظریفی قادر خواهیم بود تا فضای مشترک مطلوب تری برای هر دو گروه طراحی نمائیم. در انتها با ارائه چند راهکار تلاش شده تا به این فضای مطلوب نزدیک شود.

واژگان کلیدی: جنسیت، ادراک، فضای شهری، معماری

۱- دانشجوی ارشد طراحی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران (نویسنده مسئول)

Samira.allahgholipour@yahoo.com

۲- استادیار گروه معماری، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران

نحوه ادراک محیط یکی از مباحث و مفاهیم کلیدی در حوزه مطالعات متقابل انسان - محیط در مقیاس های کلان و خرد است. از آنجا که نظام عصبی و ادراکی انسان مسوول برقراری ارتباط بین انسان و محیط زیست اوست و امکانات و محدودیت های خاصی دارد لذا نمی توان بدون توجه و اشراف کافی به فرایندهای درک و فهم محیط از سوی مردم و سازو کارهای مرتبط با آنها، مبادرت به مداخله در محیط کرد. زیرا همین درک و فهم است که در نهایت تعبیر و تفسیر آنان را از محیط و جهان پیرامونشان شکل می دهد و اغلب به شکل رفتار در محیط بروز و ظهور پیدا می کند. از سوی دیگر، تجربیات جهانی نشان می دهد، در فرایند ادراک محیط و نتایج آن، بین زنان و مردان تفاوت هایی نیز وجود دارد. اگرچه این موضوع در کشور ما به طور مستقل کمتر مورد بررسی دقیق قرار گرفته است، اما نتایج چنین آزمایش هایی، هرچند کنترل شده و محدود، می تواند تاثیر قابل توجهی در برنامه ها و طرح های ارتقای کیفیت محیط زیست انسانی داشته باشد.

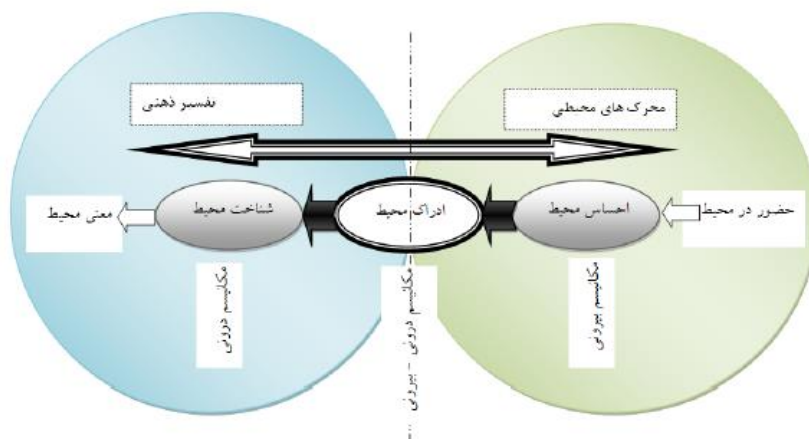
۲- مبانی نظری

۱-۲- فضای شهری

جهت تبیین مفهوم فضای شهری نیازمند آن هستیم که تعریف کالبدی فضای شهری که عبارت است از «فضاهای بین ساختمان ها در شهرها و سایر مکان ها» (کریر، ۱۳۸۳ : ۱۵) را کنار گذاشته و این فضا را از دید «فضای زندگی روزمره شهروندان که هر روز به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه در طول راه، از منزل تا محل کار ادراک می شود» (پاکزاد، ۱۳۹۱ : ۳۲) بنگریم. اینجاست که ابعاد اجتماعی و فیزیکی شهر رابطه ای پویاتر پیدا کرده و به عبارت دیگر، واژه ی فضای شهری صرفا به فضای میان ساختمان ها، اطلاق نمی شود یعنی فضاهای خالی متمایز از توده ی اجسام، بلکه این مفهوم را باید در معنای کلی به کار گرفت که تمامی ساختمان ها، اشیاء و فضاهای محیطی شهری و نیز افراد، رویدادها و روابط میان آنها را در برگیرد. رابطه جنسیت و فضای شهری امروز یکی از بحث های اساسی برای طراحی مطلوب در عرصه جهانی است و نحوه نگرش و چگونگی سازمان دهی فضای زندگی را از جنبه های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... متاثر ساخته است. ورود زنان به بازار کار و جامعه، نقش تازه آنها را در تقسیم کار اجتماعی، کیفیت و تقسیم نوع حضورشان را در عرصه عمومی نیز تغییر داده و مجموعه تازه ای را از الگوها شکل داده است. با توجه به مرد محور بودن طراحی شهرها و فضاهای شهری، از کیفیت حضور، مشارکت و تعاملات اجتماعی نیمی از جامعه در این فضاها غفلت شده است (پاکزاد، ۱۳۹۱ : ۳۲۳) به طور کلی فضای شهری در ایران به دو دوره ی سنتی و مدرن تقسیم بندی می گردد. در دوره ی اول فضاهای عمومی کم و محدود بوده که شامل بازار، مسجد، قهوه خانه و ... بوده است که البته همین فضاهای عمومی، عموما مردانه بوده و حضور زنان در آنها بسیار کم رنگ بوده است. در دوران مدرن به دنبال تغییرات سیاسی و اجتماعی، فضاهای عمومی جدیدی نظیر پارک و فضاهای اداری بوجود آمد که البته این فضاها نیز باعث افزایش حضور زنان در جامعه نشد. بر اساس پژوهش های انجام شده، یکی از دلایل روانی حضور کم رنگ و بی کیفیت زنان در بسیاری از فضاهای عمومی شهر که مستلزم ایفای نقش اجتماعی است، توجه زیاد زنان به ابعاد زیبایی شناسانه محیط، عناصر، مبلمان شهری و تضاد یا عدم تغایر زیاد معماری فضاهای شهری با ویژگی های روان شناسانه و جامعه شناسانه زنان است. در این زمینه توجه به ویژگی های معماری زنانه فضاهای شهری از محیط کار تا مبلمان شهری، میتواند در افزایش رغبت و حتی ماهیتش ترس زنان از حضور در شهر موثر باشد (نادری، ۱۳۹۲ : ۲۱۲)

۲-۲- ادراک

ادراک به معنی فرایندی ذهنی یا روانی است که گزینش و سازمان دهی اطلاعات حسی و نهایتا معنی بخشی به آنها را به گونه ای فعال به عهده دارد. پدیده ادراک، فرایندی ذهنی است که در طی آن تجارب حسی معنی دار می شود و از این راه انسان روابط امور و معانی اشیاء را در می یابد (ایروانی و خدایانهی، ۱۳۷۱، ۲۲) ادراک به اندازه ای سریع در ذهن آدمی صورت می گیرد که هم زمان با احساس به نظر می رسد. ادراک به دنبال احساس های مجزا از هم صورت نمی گیرد، بلکه ذهن افراد، آنها را به عنوان مجموعه ای معنی دار و در ارتباط با هم در می یابد. تجربیات و یادگیری های قبلی، حالت انگیزش در لحظه ادراک به سرعت فراهم می آید و بر ادراک تاثیر زیادی دارد هر ادراکی بر اساس انتظارات و پیش داوری های ادراکی صورت می گیرد. در مجموع می توان گفت، تفسیر و تعبیر آنچه گیرنده های حسی ما از محیط پیرامون دریافت کرده اند، در مغز صورت می گیرد این عمل، ادراک نام دارد که به شناخت می انجامد در حقیقت ادارک مرحله مابین، احساس و شناخت محیط است. احساس مکانیسم بیرونی است شناخت مکانیسمی درونی است. ادراک به عنوان مرحله مابین این دو مکانیسمی بیرونی و درونی دارد به همین دلیل بخشی از ادراک که مبتنی بر واقعیات بیرون از ذهن و در محیط است بین افراد فرایندی مشابه دارد اما بخش دیگری از ادراک که برپایه فرایندهای مغزی و ذهن فرد است کاملا شخصی و منحصر به فرد اتفاق می افتد (شاه چراغی و بندر آباد، ۱۳۹۴، ۱۷۷)



نمودار شماره ۱- مکانیسم درونی-بیرونی ادراک (ماخذ: شاه چراغی، بندرآباد، ۱۳۹۴)

۳-۲- عوامل موثر بر ادراک

۳-۲-۱- عوامل اجتماعی

ادراک به عنوان مکانیزم تنظیم کننده و انطباق دهنده رفتار انسان در محیط زندگی اوست و عوامل اجتماعی موثر در ادراک عبارتند از زمینه های فردی و زمینه های اجتماعی که هر یک زیر مجموعه های دارد. در تحلیل عوامل فردی می توان گفت، سازمان یابی ادراک به تجربیات گذشته، نیازها، انگیزه ها و مکانیزم های دفاعی اشخاص بستگی دارد. اما در تحلیل عوامل اجتماعی مکتب ایملز شرح می دهد: هر ادراک آدمی، ادراکی خاص و مشخص است، خواه موضوع مورد ادراک شی باشد یا شخص، امکان ادراک های گروهی یا مشترک نیز وجود دارد مشروط بر آن است تجربیات و کوشش ها، نیز بین افراد گروه تقسیم شده باشد و در فعالیتی مشترک به تعامل بپردازند (ایروانی و خداپناهی، ۱۳۷۱، ۱۹۴). بنابراین می توان در یک اجتماع به ادراک زیبایی رسید. رفتار انسان و طرز فکر و به ویژه ادراک او، فعالیت های غیر ارادی و یا ارادی نیستند، بلکه به عنوان نتیجه یا حاصل یک تعامل میان فرد و محیط او در نظر گرفته می شود تعامل ادراکی موجب چنین موضوعی می شود که عبارت است از، یک طرف شامل فرد ادراک کننده و شی مورد ادراک و از طرف دیگر وجود موقعیتی که این دو در آن به نحو فعال مشارکت دارند (ایروانی و خداپناهی، ۱۳۷۱، ۱۹۵). بنابراین نقش "پیش فرض ها" در ادراک اساسی است.

۳-۲-۲- تفاوت های ادراکی

بخشی از اداراک وابسته به ویژگی های محیط بیرونی است و بخش دیگر آن بر اساس ویژگی های شخصی فرد شکل می گیرد. مثلاً نوع حرفه در این امر موثر است. از جمله می توان گفت سن انسان و جنسیت وی نیز بر نوع ادراک بسیار اثر گذار است.

۴-۲- ادارک و عوامل محیطی در فضاهای شهری

ادراک ذهنی افراد از محیط و احساسات کم و بیش آگاهانه به حس مکان تعبیر می گردد که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می دهد، به طوری که فهم و احساسات فرد با زمینه معنایی محیط پیوند می خورد و با آن هماهنگ می گردد. این حس عاملی است که موجب تبدیل فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه ای برای افراد می گردد (انصاری، ۱۳۹۲). پژوهش های صورت گرفته درباره محیط های انسان ساخت، نشان می دهد که محیط، علاوه بر عناصر کالبدی، شامل پیام ها، معانی و رمزهایی است که افراد بر اساس نقش ها، توقعات، انگیزه ها و دیگر عوامل آن رمزگشایی و درک می کنند (اپاپورت، ۱۳۸۴) و در مورد آن بر اساس میزان درک خود قضاوت می کنند. این حس کلی که پس از ادراک و قضاوت نسبت به محیط خاص در فرد با محیط و در نهایت رضایت استفاده کنندگان و ایجاد حس تعلق آنها با محیط می شود. می توان گفت حس تعلق، سطح بالاتری از ادراک فضا است، به این معنا که فرد خد را به واسطه حضور مداوم در مکانی که در آن رشد کرده، تعریف می کند و بر اساس تجربه های خود از نشانه ها، معانی و عملکردها، شخصیت و نقشی برای مکان در ذهن خود تصور می کند و خود را جزئی از آن مکان می داند. این نقش نزد او منحصر به فرد و متفاوت می باشد و در نتیجه مکان برای او قابل فهم و احترام می گردد (فلاحی، ۱۳۸۵). این حس ادارک و تعلق به مکان از جنبه های مختلف روان شناسی قابل تفسیر است. تعلق به مکان، توانایی محیط را برای کمک به فرد در نیل به اهداف معین منعکس می سازد و چگونگی ارزیابی آن مکان برای یک فرد را مشخص می سازد (sedman, 2003). از این رو به نظر می رسد معنی حس در انگاره «حس تعلق» علاوه بر اینکه بر شناخت، تجربه و قضاوت محیط (شامل پدیده های پیرامون از جمله انسان ها، مکانها، فعالیت ها و معناها و ...) استوار است بیشتر بر رابطه عاطفی و محبت

بین انسان با پدیده‌ها و محیط پیرامون او تاکید دارد. عوامل شکل دهنده حس مکان در دیدگاه‌های مختلف در دو گروه عوامل ادراکی-شناختی و عوامل کالبدی(انصاری، ۱۳۹۲) بیان شده است. عوامل کالبدی، شامل تنوع بصری، شخصیت محیطی، خوانایی، هماهنگی و سایر عوامل ملموس فیزیکی می باشد. همچنین عوامل ادراکی-شناختی نیز شامل ادراک معانی، نمادها و کیفیت‌های محیطی می باشد که اغلب به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه درک می گردد.

۲-۵- تفاوت‌های زنان و مردان در احساس محیطی در فضای شهری

گیرنده‌های حسی مثل چشم، گوش، بینی، زبان، پوست در زنان و مردان ویژگی‌های فیزیولوژیکی یکسان اما توانمندی‌های گوناگون دارد.

۲-۵-۱- تفاوت‌ها در بینایی

زنان جزءبیین تر از مردان هستند. توجه زنان به جزئیات محیط، ویتترین‌ها، پنجره‌ها، تزئینات، ...بیشتر است. دامنه دید زنان وسیع تر از مردان است. زنان می توانند حداقل یک زاویه ۴۵ درجه را از هر طرف آنچه در بالا و پایین است ببینند. زوایه دید برخی از زنان ۱۸۰ درجه است. به دلیل تنوع بیشتر در سلول‌های میله‌ای شبکیه چشم، دید زنان بیشتر از مردان است اما عمق دید مردان طول بیشتری از عمق دید زنان دارد یعنی مردان مسافت‌های دورتر را با وضوح بیشتر می بینند. زنان قدرت تشخیص رنگ بیشتری دارند و اختلاف بسیار ظریف رنگ‌ها را درک می کنند ولی مردان این گونه نیستند مردان در طول روز تیزبین تر از زنان هستند. اما سازگاری با تاریکی در زنان سریع تر رخ میدهد. مردان دید تونلی داشته و قادر به دیدن وضاح مسافت‌های دورتر هستند. زنان طیف رنگی گسترده تری از شناسایی می کنند. زنان در محیط شلوغ و پر جزئیات، عناصر بیشتری را ادراک کرده و زودتر از مردان خسته می شوند. زنان از حافظه قدیمی، قدرتمند و تصاویر ذهنی غنی و پر جزئیات برخوردارند.

۲-۵-۲- تفاوت‌ها در شنوایی

قدرت شنوایی زنان بیش از مردان است. آنها حساسیت شنوایی زیادی دارند زیرا در مغز خانم‌ها، پالایه یا صافی(فیلتر صوتی به قدرت پالایه صوتی در مغز آقایان نیست و زنان همه صداهای موجود در محیط را می شنوند. پالایه صوتی در مغز، برخی اصوات را حذف می کنند. بنابراین مردان می توانند بر صداهای انتخابی خود تمرکز کنند اما زنان قادر نیستند.

۲-۵-۳- تفاوت‌ها در چشایی و بویایی

ما بیش از ده هزار گیرنده چشایی برای تشخیص چهار مزه اصلی(به علاوه مزه پنجم یعنی چربی) داریم. زنان در تشخیص شیرینی و مردان در تشخیص شوری و تلخی قوی‌ترند. زنان به مرور زمان باعث بالا بردن ذائقه شیرین پسند فرزندان می شوند. هم چنین اغلب به طعم تک تک مواد حساس اند اما مردان این گونه نیستند. همان طور که در بخش احساس محیط توضیح داده شد، حواس بویایی و چشایی با هم مرتبط اند. همان گونه زنان حس چشایی حساس تری دارند، آنها نسبت به بو در محیط نیز حساس تر از مردان هستند.

۲-۶- نقش جنسیت در ادراک و کارایی فضا شهری

ادراک فضا، از مهمترین و پیچیده ترین ابعاد شناخت و سنجش آن می باشد. طی چند دهه اخیر، مطالعات بسیاری درباره وجوه مختلف و روانشناسی ادراک در عرصه پژوهشی انجام گرفته و در مرکز این مطالعات، منظر رشد یافته ای درباره تفاوت‌های ادراک شکل گرفته است. تفاوت‌های ادراک انسانها معلول تفاوت‌های نگرشی، سنی، فرهنگی، شغلی، جنسی و غیره می باشد. آنچه را که در بحث ادراک باید مورد توجه قرار داد، این است که به رغم تشابه دستگاه احساس و ادراک در همه انسانها، هر یک ادراک متفاوتی از پیرامون خود دارند. از این رو، ادراک متفاوت از محرک‌های مشابه، میتواند نتیجه ترکیب عوامل متعددی باشد و تنها یک عامل تأثیرگذار به تنهایی نمیتواند تعیین کننده آنچه ادراک می شود، باشد.

جنسیت به عنوان مؤلفه پنهان در ارتباط با فضای شهری، مورد کم توجهی قرار گرفته است. جامعه‌شناسان بین جنس و جنسیت تفاوت قائلاند. جنس براساس تفاوت ویژگیهای جسمی به وجود می‌آید، در صورتی که جنسیت معرف باورها و رفتارهایی است که مرد یا زن بودن را نشان می‌دهند و مفهوم آن در فرهنگ‌ها و طبقات مختلف اجتماعی تغییرپذیر است.(Holmes,2005,pp26-37) جنس و جنسیت با حدود بدن افراد تعریف نمی‌شود بلکه با مناسبات اجتماعی ارتباط دارد و از طریق فضا شکل گرفته و بسط پیدا می‌کند(Tonkiss,2006,p147) جنس، یک واقعیت جسمی و زیست شناختی بوده و جنسیت یک مفهوم اجتماعی است که در ساختار اجتماعی شامل مفاهیم مردانگی و زنانگی در فرایند اجتماعی شدن افراد است(Cuthbert,2006,p128) ساختار اجتماعی در کنار باورها و تصورات افراد در مورد مرد و زن بودن نقش مهمی در شکل

گیری رفتار جنسیتی آنها ایفا می‌کند. مفهوم جنسیت در فرهنگ های گوناگون و طبقات مختلف اجتماعی تغییر کرده است؛ آنها به شیوه های مختلفی مرد و زن بودن را نشان می دهند و به طرق گوناگون در زندگی افراد به کار می گیرند، به طوریکه در تمامی فرهنگها انتظارات خاصی بر زنان و مردان تحمیل می شود (Holmes, 2005, pp36-63) به دلیل وجود تفاوت بین زن و مرد، از نظر جنسی و جنسیتی، زنان و مردان نیازهای متفاوتی دارند. جنسیت بیانگر نوعی رابطه است که بر مبنای این واقعیت زنان و مردان تجارب متفاوتی در مسیر زندگی دارند (Khani, 2006, p2) تحقیقات به عمل آمده حاکی از آن است که به رغم همزیستی مسالمت آمیز فضایی، مردان و زنان، نه تنها به شیوه های متفاوتی از فضا استفاده می کنند، بلکه تجربه آنها در رابطه با فضا نیز تا حدودی متفاوت است. زنان فضاهای شهری را به فضاهای "امن" و "ناامن" تقسیم می کنند. این امر باعث میشود، زنان در برخی از فضاهای شهری به تنهایی حرکت کنند، درحالی که ترجیح می دهند در برخی از فضاهای شهری تنها به همراه دیگران و یا توسط خودرو عبور کنند. (Stevenson, 2014, pp75-77) درباره شاخص امنیت میتوان گفت که جنسیت مؤثرترین عامل شخصیتی در احساس ناامنی مطرح شده است. مردان در مورد امنیت محیطشان در قیاس با زنان، احساس مثبت تری دارند. هم مردان در تاریکی احساس ناامنی می کنند و هم زنان، اما میزان آن در زنان بالاتر است (Bemanian, 2009, p52)

۷-۲- تفاوت های زنان و مردان در ادراک فضا

تفاوت های جنسیتی در فضای عمومی شهری می توانند سر منشاء بسیاری از عوامل تاثیر گذار بر کیفیت محیط شهر باشند. بررسی این گزاره نیازمند درک دقیق از مفهوم ادراک محیط شهری است. تفسیر و تعبیر آنچه گیرنده های حسی ما از محیط پیرامون دریافت کرده اند، در مغز صورت می گیرد. این عمل، ادراک نام دارد که به شناخت می انجامد. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که چگونه تفاوت های جنسیتی شهروندان می تواند باعث تغییر برداشت حسی و در نهایت ادراک آنان از محیط شهری شده و عوامل و انگاره های این گونه ادراک کدامند؟

عمده ترین تفاوت زنان و مردان این است که زنان ادراک جزء گرا و مردان ادراک کل گرا دارند. هنگام قرارگیری در فضایی شهری، زنان به جزئیات و پیراینها، پنجره ها، تزئینات نما و غیره توجه میکنند و مردان در تشخیص کلیت فضا و جداره ها قدرتمندتر هستند. بنابراین در طراحی یک فضای عمومی، الزم است جزئیات عناصر، در کنار کلیت فضا تعریف شده باشد. (Bemanian, 2009, p340) زنان در محیطی با جزئیات بیش از حد، بیشتر احساس سردرگمی میکنند. از اینرو، در فضاهایی مانند اتوبانها که سرعت بالاست و توجه به سوی عناصر محدودی جلب میشود، مردان به راحتی دید خود را متمرکز میکنند. برای هموار کردن شرایط برای زنان نیز الزم است محیط پیرامون را کم جزئیات نگه داشت تا توجه به سوی نقطه روبه رو جلب شود و زیادی اطلاعات موجب سردرگمی نشود (Bemanian, 2009, p340) زنان در محیط های شلوغ بیش از مردان انرژی مصرف نموده و زودتر خسته و عصبی میشوند. تجسم فضایی یکی از قویترین توانایی های مردان است. خانم ها در تشخیص اشکال دو بعدی و مردان در تجسم احجام سه بعدی بهتر عمل می کنند. حس جهت یابی مردان، قویتر از زنان است. مردان به دلیل تجسم فضایی بهتر، قادرند به خوبی نقشه شناختی، موقعیت خود و عناصر مهم را نسبت به هم بیانند. از آنجاکه در چنین نقشه ای عناصر تصور شده، تنها عناصر مهم شهر بوده و مجموعه ای خالصه و کلی از واقعیت است، جزئیاتی ندارد که مردان در به خاطر سپاری آنها دچار مشکل شوند. برای کاهش ضعف خانمها، باید برای جهت یابی خانمها از نشانه های شاخص استفاده نمود و برای تقویت جهت یابی آقایان در شهر، تعبیه نشانه های بزرگ و کلی کافی خواهد بود. (Pakzad & Bozorg, 2012, p347) البته این تفاوتها بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند. از آنجایی که تفاوت های جنسیتی خاص هر فرهنگ است، برای آگاهی از آنها بررسی فرهنگی که قصد طراحی برای آنها را داریم ضروری و طراحی مقوله ای موقعیت محور است (Pakzad & Bozorg, 2012, p339)

۳- نتیجه گیری

محیط فضا و به طور عام، فضاهای معماری و شهرسازی در دهه های اخیر افق های جدیدی را در پژوهش های مرتبط با جنسیت گشوده است. به طور کلی، شناخت تفاوت های میان زنان و مردان، نقش مهمی بر رفتار هر یک از آنها در فضاهای معماری ایفا می کند. آشنایی با این تفاوت ها برای سازگاری، نشاط و آرامش زندگی اجتماعی امری ضروری است. همچنین می توان ابعاد دیگر آشنایی را در محیط اجتماعی و طراحی فضاها مشاهده و یک نوع موازنه در این زمینه را با در نظر گرفتن روان و ادراکات ذهنی آنان مد نظر قرار داد. تفاوت های جنسیتی در فضای عمومی شهری می توانند سر منشاء بسیاری از عوامل تاثیر گذار بر کیفیت محیط شهر باشند. بررسی این گزاره نیازمند درک دقیق از مفهوم ادراک محیط شهری است. تفسیر و تعبیر آنچه گیرنده های حسی ما از محیط پیرامون دریافت کرده اند، در مغز صورت می گیرد. این عمل، ادراک نام دارد که به شناخت می انجامد. ادراک فضای شهری، اولین گام در جهت برقراری ارتباط فرد با محیط است و این شناخت، سبب شکل گیری تصویر ذهنی و در نتیجه آن نقشه شناختی از فضا می شود که جنسیت و آشنایی با محیط تأثیر به سزایی در این فرآیند دارند. فضای شهری بستر زندگی اجتماعی است که پذیرای اقبال گوناگون جامعه میباشد و برآورده نمودن نیازهای شهروندان ویژگی اصلی یک فضای شهری موفق است. این نیازها به نسبت جنسیت افراد دارای تنوع و تمایز میباشد. در واقع انسانها به هنگام

حضور در فضا از طریق حواس پنجگانه خود با محیط ارتباط برقرار نموده و آن را طی فرآیندی ادراک میکنند. مهمترین بخش شکستگی این رابطه، ایجاد تصویر ذهنی مناسب در ذهن افراد می باشد. با قرارگیری در محیط طی فرآیندی ناخودآگاه، ساختار فضا به طور کلی در ذهن افراد مجسم و ثبت شده و این تصویر به هنگام مراجعه بعدی به فضا، نقشه ای ذهنی در اختیار آنها قرار می دهد. گرچه فرآیند شکل گیری تصویر ذهنی در افراد به سبب تفاوت‌های ادراکی متأثر از جنسیت، سن و نیازهای افراد متفاوت می باشد، اما در کنار این تفاوت‌ها، تصاویر ذهنی با یکدیگر دارای شباهت‌هایی نیز می باشند. بنابراین زنان و مردان ۶۴-۱۵ سال که گروه بزرگسالان فعال جامعه را تشکیل می دهند، در ادراک شناختی خود دارای شباهتهایی می باشند و هدف از پژوهش حاضرین بود که به این مهم دست یابیم.

زنان و مردان در فرآیند مسیریابی دریافت متفاوتی از محیط دارند، برای مثال مردان از موقعیت یابی، ویژگیهای هندسی و فرم محیط در فرآیند ادراک و جهت یابی در مسیر استفاده می کنند، در حالیکه زنان از نشانه ها در این فرآیند استفاده میکنند. شایان ذکر است زنان در دیدن و تشخیص اشکال دو بعدی و مردان در اشکال سه بعدی بهتر عمل می کنند، بنابراین حس جهت یابی در مردان قوی تر است و قادرند به خوبی تصاویر، موقعیت خود و عناصر مهم مسیر را تشخیص دهند. همچنین آنها توانایی چرخش در ذهن را برای تشخیص جهت دارا می باشند. لذا برای کاهش ضعف جهت یابی در زنان باید از نشانه های شاخص استفاده نمود و در مقابل برای تقویت آن در مردان، تعبیه نشانه های بزرگ و ساده کلی، کافی خواهد بود.

منابع

۱. کریر، راب. (۱۳۸۳) فضای شهری، ترجمه خسرو هاشمی نژاد، نشر خاک.
۲. پاکزاد، جهان‌شاه و حمیده بزرگ. (۱۳۹۱)، الفبای روان شناسی محیط برای طراحان. چاپ اول. تهران: انتشارات آرمانشهر.
۳. نادری، سارا. (۱۳۹۲)، درآمدی بر روایت زنانه از شهر. چاپ اول. تهران: تیسرا
۴. ابروانی، خدایانه، محمدکریم (۱۳۷۱)، روان شناسی احساس و ادراک، انتشارات سمت، تهران، چاپ هشتم ۱۳۸۳
۵. شاه چراغی، آزاده، بندرآباد، علیرضا (۱۳۹۴)، محاط در محیط، کاربرد روانشناسی محیطی در معماری و شهرسازی، انتشارات جهاد دانشگاهی سازمان تهران
6. Khani, F (2006), Gender and Development. Social and Cultural Planing office of the Ministry of science, research technology.
7. Holmes, M (2008), Gender and everyday life (M. M labibi Trans). tehran afkar publication
8. Tonkiss F (2005), space, the city and social theory: social relations and urban forms. h.parsi & aflatooni, ATRNS). TEHRAN: TEHRAN University
9. Pakzad j & Bozorg, H (2012). Alphabet of Psychological Environment for Designers (Alefbaye Ravanshenasie Mohit Baraye Tehran). Tehran: Utopia Publication.
10. CuTHBERT, A (2006). The form of cities: Political Economy and urban design. Oxford: Blackwell publishing
11. Stevenson, D (2003), , Culture of Cities, Park Milton, Oxon, and New York, NY: Rutledge
12. Bemanian, M. R, Rafieian, M & Zabetianm, E. (2009). Evaluation of Factors Affecting the Promotion of Womens Safety in urban environments (sanjeshe avamele moaser bar erteghaye amniate zanan dar mohithaye shahri)

تبیین متغیرهای قوانین و مقررات، پاسخگویی، شفافیت و قانونمندی نهادهای شهرداری در حقوق و انتظارات شهروندی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۹

کد مقاله: ۹۴۱۹۹

حمزه اکبرپور^۱

چکیده

این مطالعه با هدف بررسی متغیرهای قوانین و مقررات، پاسخگویی، شفافیت و قانونمندی در حقوق و انتظارات شهروندی در مناطق ۵ و ۹ تهران در سال ۹۹ اجرا شده است. برای رسیدن به هدف از نظریه های هومنز، کاتلر، رابرت دال، پارسونز، ارنشتاین، گیدنز، بوردیو و همچنین مشاهدات تجربی و مشارکتی محقق استخراج شده بهره برده شد. روش پژوهش حاضر روش پیمایشی می باشد و مهم ترین ابزار تحقیق پرسشنامه بوده است. مهمترین ابزار تحقیق پرسشنامه می باشد. پرسشنامه تحقیق با توجه به پیشینه های تحقیق یا استاندارد (۲۰۱۴)، استوارت (۲۰۱۲) و اکبرپور (۱۳۹۵) و شماعی و همکاران (۱۳۹۲) استخراج شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی کارکنان ۲۲ منطقه شهرداری تهران به تعداد ۳۲۲۰ می باشد که بر اساس جدول کرجسی مورگان تعداد ۳۴۵ نفر بعنوان حجم نمونه نهایی تحقیق انتخاب می شوند. شیوه نمونه گیری بصورت خوشه ای چند مرحله ای بوده است بدین معنا که ۲ منطقه غرب تهران ۵ و ۹ انتخاب شد. شیوه نمونه گیری تحقیق نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای بوده است. جهت تحلیل داده های خام از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ بهره برده شده است. جهت بررسی روابط بین متغیرها نیز از آزمون های رگرسیون استفاده شده است. نتایج تحقیق نیز نشان داده است که همه متغیرهای مستقل تحقیق که شامل شهرداری یا مدیریت شهری قانونمندی، مسولیت پذیری و پاسخگویی و شفافیت در متغیر وابسته یعنی حقوق و انتظارات شهروندی با سطح معنی دار کمتر از ۰/۰۱ تاثیرگذار نشان داده شده اند.

واژگان کلیدی: شهرداری، قانونمندی، مسولیت پذیری و پاسخگویی، شفافیت، حقوق شهروندی

۱- مقدمه

اصلاح حقوق و انتظارات شهروندی اهمیت بسیاری در بین محققان و صاحب‌نظران علمی حوزه مدیریت شهری بسیار فزونی یافته و رونق روز پیدا کرده است. بررسی چالش‌های حقوقی قانون شهرداریها و تنگناهای شهرداری‌ها در عرصه فعالیتهای عملکردی شهری، چنانچه فارغ از چالش‌های محیطی پیرامون شهرداری‌ها و قانون شهرداری‌ها در نظر گرفته شود، بسیار انتزاعی خواهد بود. حقوق شهری را باید در تدوین قواعد و مقررات راجع به برنامه‌ریزی شهری و مدیریت شهری و تأثیرات مثبت ناشی از قانونمند کردن زندگی شهری و سایر پیامدهای دگرگون کننده در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری جستجو کرد. (اسدیان، ۱۳۹۴).

قانونمند کردن فرایند شهرداری و شهرداری کمک شایانی را به مدیریت شهری و شهروندان می‌نماید لیکن آنچه اکنون به عنوان قانون شهرداری پیش روست، محتاج به روز رسانی و کارآمدی بیشتر است ولی چنانچه از رویکرد جلب مشارکت مردم در برنامه ریزی و مدیریت و مشارکت و نظارت شهری بنگریم، می‌بایست توجه خاصی به "شوراهای اسلامی شهر" داشته باشیم که در واقع نهادی است تصمیم ساز و تصمیم گیر، ناظر و مشاور، طراح و مجری در امور شهری (اسماعیل زاده، ۱۳۹۲).

اینکه شورای شهر و اعضای آن که منتخب مردم شهر هستند چه ارتباطی با حقوق شهروندی داشته و چگونه می‌توانند پیگیر حقوق شهروندان باشند در قالب مقررات قانون، وظایف و اختیارات شوراهای اسلامی شهر کانالیزه و تعریف شده است. ولی حقیقت امر این است که حقوق شهروندی در سطح یک شهر یا روستا، بسته به نیازها و وضعیت خاص ساکنان آن، دارای مصادیقی متنوع و متفاوت است و نیل به هریک از آنها وابسته به اقدام مناسب و به موقع متصدیان و مدیران و برنامه ریزان آن شهر یا روستاست. با مشخص شدن مفاهیم (شهروندشنی) و شهروندی به جرأت می‌توان گفت: حقوق شهروندی چیزی نیست جز احترام به ارزش و کرامت والای انسانی. حقوق یک شهروند بر پایه و اساس همین اصل مورد توجه قرار می‌گیرد. از دید شهری موضوع حقوق شهروندی، روابط مردم شهر، حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر و اصول و هدف‌ها و وظایف و روش انجام آن است. در واقع حقوق شهروندی آمیخته است از وظایف و مسئولیت‌های شهروندان در قبال یکدیگر، شهرو دولت یا قوای حاکم و مملکت و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه‌ای آن حقوق بر عهده مدیران شهری، شهرداری و دولت یا به طور کلی قوای حاکم می‌باشد. به مجموعه این حقوق و مسئولیت‌ها، "حقوق شهروندی" اطلاق می‌شود. به عبارتی حقوق شهروندی مجموعه حقوقی است که اجتماع بر هر شهروند و هر شهروند نسبت به شهروند دیگر برعهده دارد. با توجه به ماهیت اسلامی بودن قانون اساسی جمهوری اسلامی و نگرش خاصی که انسان و حقوق انسانی دارد برای افراد جامعه و حاکمان و رعایت حقوق متقابل هر یک، حقوقی وضع نموده که یکی از این حقوق، حقوق شهروندی است. اصولی از قانون اساسی به حقوق شهروندی و تکالیف و مسئولیت‌های افراد و حاکمان اختصاص دارد که ضرورت دارد افراد جامعه با علم و آگاهی از حقوق خود که در قانون اساسی گنجانیده شده است نقش مؤثری به عنوان یک شهروند در جامعه ایفا نمایند و در حوزه‌های مختلف مشارکت و فعالیت داشته باشند. علم و آگاهی از این حقوق موجب ارتقای سطح شهروندی و ایجاد جامعه ای زنده و پویا بر اساس قانون، نظم و عدالت خواهد شد (اسدیان، ۱۳۹۳).

این که یک (شهروند)، قوانین زندگی شهری و وظایف متقابل مدیریت محلی و شهروندان را می‌داند و می‌پذیرد و خود را ملزم به رعایت آنها می‌داند؛ درحالی که (شهروندشنین‌ها) صرفاً در یک شهر زندگی می‌کنند، بدون آنکه به قوانین و الزامات زندگی شهری احترام بگذارند و خود را متعهد، معتقد و مقید به رعایت آنها بدانند. هنگامی یک شهروندشنین به شهروند تبدیل می‌شود که حس تعلق خاطر به شهر در او زنده باشد. در طول سال‌های گذشته و با توجه به رشد جمعیت شهری در کشور و بزرگتر شدن بیشتر شهرها، تبدیل فرایند شهروندشنین به شهروند نیز روند رو به رشدی داشته اما هنوز این روند نتوانسته آنگونه که باید و در میان همه شهروندان نهادینه شود (هافمن، ۲۰۰۵).

شهروندی در برگیرنده دو مفهوم است یک؛ حقوق و دوم؛ انتظارات. حقوق شامل حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... که یک شهروند آن را می‌طلبد و مدیریت شهری یا شهرداری باید آن را فراهم نماید. و بخش دیگر شامل تکالیف می‌باشد که شهروند باید مکلف به انجام آن وظایف باشد و نسبت به آن باید مسئولیت پذیر باشد. اما آنچه که در مطالعه حاضر مدنظر است، به بخش تکالیف و وظایف شهروندی مرتبط است. علی‌الاحال تحقیق حاضر به بررسی این دو سوال کلی خواهد پرداخت.

۱- قوانین و مقررات شهرداری در تحقق حقوق شهروندی تا چه حد تأثیرگذار است؟

۲- تا چه حدی عملکرد شهرداری یا مدیریت شهری در رعایت وظایف شهروندی شهروندان تأثیرگذار است؟

۲- سؤالات تحقیق

سوال کلی: چگونه شهرداری در تقویت حقوق شهروندی تأثیرگذار است؟

سوالهای جزئی:

- چگونه قوانین و مقررات شهرداری قوانین و مقررات شهرداری سبب عدم تقویت حقوق شهروندی می‌شود؟
- چگونه میزان مسئولیت پذیری و پاسخگویی شهرداری در تقویت حقوق شهروند تأثیرگذار است؟
- چگونه میزان شفافیت شهرداری در تثبیت یا تقویت حقوق شهروندی تأثیرگذار است؟
- چگونه میزان قانونمندی شهرداری در تقویت حقوق شهروندی تأثیرگذار است؟

۳- تعاریف نظری و عملیاتی متغیرهای مستقل تحقیق

در تعریف عملیاتی قانونمندی، شفافیت و مسئولیت پذیری بعنوان متغیرهای (واژه مدیریت شهری) که در برگیرنده و این ابعاد بعنوان متغیر مستقل تحقیق که از اصلی ترین شاخصهای بانک جهانی و UNDP^۱ (برنامه پیشرفت سازمان ملل متحد) معرفی می شوند. تعریف عملیاتی مفاهیم مذکور با توجه به پژوهش حمزه پور (۱۳۹۵) که با میزان پایایی قابل قبول ۰/۸۹ بوده است، برگرفته شده است.

تعاریف نظری متغیرهای قانونمندی، شفافیت و مسئولیت پذیری

مسئولیت پذیری و پاسخگویی: اصل مسئولیت بعنوان یکی از اصول اساسی حکمرانی خوب بر افزایش حساسیت مدیران حکومتی نسبت به خواسته های عمومی دلالت دارد. مسئولیت پذیری عبارت است از وظایفی که اشخاص در رابطه با فعالیت های روزمره به طور مستقیم و یا غیرمستقیم بر عهده دارند و ممکن است در صورت نقض وظیفه و لطمه به دیگران مورد بازخواست قرار بگیرند (شکوهی، ۱۳۹۶).

پاسخگویی: واژه پاسخگویی تقریباً با مسئولیت پذیری معادل است و به معنای حساب پس دهی است (گلفاند ۲۰۰۴). به عبارت دیگر هر سیستم اجتماعی یا نهاد وقتی می تواند پاسخگو باشد که مسئولیت عملکرد خود را بپذیرد و در برابر فعالیت هایش پاسخگو باشد. پاسخگو عبارت است از احساس مسئولیت، الزام و نیاز به توجیه خویش نسبت برخورد و دیگران (همان).
قانونمندی: منظور از قانونمندی در تصمیم گیری شهری، وجود قوانین کارآمد، رعایت عادلانه چارچوب های قانونی در تصمیم گیری و مداخله نکردن افراد غیر مسئول در تصمیم گیریهاست. بدیهی است التزام به قوانین، مستلزم آگاهی شهروندان و نیز پایبندی مسئولان به قانون است (UNDP, 2002, 3).

۴- چارچوب مفهومی

۱- نقش: بر چسب و جای گاهی است که فرد اشغال می کند، گویند. همچنین به رفتاری اطلاق می شود که دیگران از فرد که پایگاه معینی احراز کرده است، انتظار دارند (کوئن، ۱۳۸۶، ۸۰). تعریف جامعه تر اینکه بر اساس انتظارات الگوی خاصی از رفتار میان آنها ایجاد می شود که به آن هنجار می گویند و تلفیقی از انتظارات و هنجار یعنی انتظارات هنجاری هستند که تجویز می کنند چه چیزی انتظار می رود چه کسی چه موقع چه کاری باید انجام دهد (شکوهی، ۱۳۹۶).

۲- انتظارات: هر نقشی هم ذات با انتظارات خود هست. انتظارات بخش اجتناب ناپذیر و مهمی از زندگی روزمره را تشکیل می دهد که بر بسیاری از مسائل تاثیر می گذارد (شارع پور، ۱۳۸۵، ۲۷۹). انتظارات عبارت است از برداشت کنشگران از وجود اختلاف میان انتظارات ارزشی و توانایی های ارزشی (گر، ۱۳۷۹، ۵۳). انتظارات ارزشی یا خواسته ها، کالا ها، خدمات و شرایط زندگی ای هستند که مردم خود را مستحق آن ها می دانند. توانایی های ارزشی، کالا ها، خدمات و شرایطی هستند که مردم عملاً توانایی کسب و حفظ آن را دارند یا گمان می کنند که در شرایط موجود می توانند آنها را داشته باشند (برک پور، ۱۳۸۶، ۵۰۱).

۳- حقوق: در هر نقشی دو دسته از انتظارات وجود دارد. یکی از ابعاد انتظارات، بحث حقوق در هر نقشی است برای کسی که آن نقش را بر عهده می گیرد. حقوق عبارتست از مجموعه توقعاتی که فر انتظار دارد دیگران در قبال انجام مسئولیتهای نقشش نسبت به او برآورده کنند. حقوق می تواند مادی یا غیر مادی باشد مانند دستمزد یا احترام متقابل.

۴- مسئولیت پذیری: مسئولیت پذیری عبرت است از وظایفی که اشخاص در رابطه به فعالیت های روزمره به طور مستقیم و غیر مستقیم بر عهده دارند و ممکن است در صورت نقض وظیفه و لطمه به دیگران مورد بازخواست قرار بگیرند (افتخاری، ۱۳۹۱).

۵- پاسخگویی: واژه پاسخگویی تقریباً با مسئولیت پذیری معادل است و به معنای حساب پس دهی است (گلفاند، ۲۰۰۴). به عبارت دیگر هر سیستم اجتماعی یا نهاد وقتی می تواند پاسخگو باشد که مسئولیت عملکرد خود را بپذیرد و در برابر فعالیت هایش پاسخگو باشد. پاسخگو عبارت از احساس مسئولیت، الزام و نیاز به توجیه خویش نسبت برخورد و دیگران (شکری، ۱۳۸۵، ۱۴۱).

۶- شهروند: واژه شهروند معادل polites یونانی و citizenship انگلیسی است. در ادبیات فارسی شهروند کسی است که که اهل یک شهر و یا یک کشور باشد. احمدزاده در تعریف شهروند می گوید که شهروند فردی است که در ساختار اجتماعی، سیاسی، اقتصادی جامعه حضور داشته باشد و در تصمیم سازی، تصمیم گیری و شل دهی به آن به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم در سایه همزیستی، تعامل داوطلبانه و تلاش هم گام در نیل به سعادت دنیوی و اخروی موثر است (احمدزاده، ۱۳۸۴ صص ۹۸-۹۶).

۷- شهروندی: در ادبیات گسترده نظریه های شهروندی، هسته مشترک تعاریف ارائه شده از شهروندی به شرح زیر است:

- ۱- نوعی پایگاه و نقش اجتماعی مدرن برای تمام اعضای جامعه
- ۲- مجموعه به هم پیوسته ای از وظایف، حقوق، تکالیف و مسئولیتهای و تعهدات اجتماعی، سیاسی، حقوقی، اقتصادی و فرهنگی همگانی، برابر و یکسان.

1 United Nations Development Programme

- ۳- احساس تعلق و عضویت اجتماعی مدرن برای مشارکت جدی و فعالانه در جامعه و حوزه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.
- ۴- برخورداری عادلانه و منصفانه تمامی اعضا جامعه فارغ از مزایا، منابع و امتیازات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی

۵- چارچوب نظری

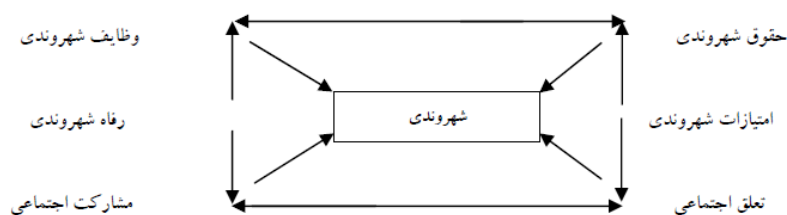
به نظر می رسد، نخستین پاسخی که از یک حقوقدان در مورد تعریف حقوق شهری^۱ می شنویم، چنین مضمونی را در بر گیرند: حقوق شهری، شاخه ای از حقوق عمومی و تنظیم کننده روابط شهروندان و مدیران شهر است. در تعریفی خاص تر شاید اصطلاح مزبور را به مجموعه قوانین و مقرراتی اطلاق کند که روابط شهروندان با ادارات شهر و نهادهای ذی مدخل در امر محلی و شهر را تنظیم نموده و حقوق و تکالیف ناظر بر شوراها، شهرداری ها و سایر ادارات شهری را تبیین می کند. اما پس از اندکی تأمل چنین می نماید که اصطلاح حقوق شهرت بیشتر ناظر به حقوق در معنای اعم خود یعنی Rights است و این اصطلاح را باید تحت عناوینی چون Urban Rights یا Right to the City مورد شناسایی، بررسی و مطالعه قرار داد. آنگاه، بخشی از این حقوق که ناظر به ضمانت اجرایی و اتوریته آن است، زیر عنوان قوانین، مقررات و ضوابط شهری یا همان Urban Law فرار می گیرد که باز قسمتی از آن نیز در حوزه حقوق شهرداری با Municipal Law می باشد. پس حقوق شهری از آنجا که شاخه تنومندی از حقوق عمومی است. با حقوق به معنای عام آن سر و کار دارد و حقوق به مثابه قوانین و مقررات را تنها برای ضمانت اجرایی به خدمت می گیرد (گرمی، ۱۳۸۸). به سخن دیگر حقوق شهری عبارتست از مجموعه قوانین و مقررات ناظر بر اجرای نظامات شهری و منطقه ای جهت تامین نیازمندیهای مشترک محلی از طریق ایجاد اداره و موسسات عمومی (شکوهی، ۱۳۹۳).

حقوق شهری که موضوع آن روابط مردم شهر با شهرداری، حقوق و تکالیف آنها در برابر یکدیگر و اصول و هدف ها و وظایف و روش انجام آنها و همچنین نحوه اداره امور شهر و کیفیت نظارت شهرداری بر رشد موزون و هماهنگ شهر است را می توان به عنوان یکی از شاخه های منشعب از حقوق اساس ادارت و جزء زیر مجموعه حقوق داخلی محسوب نمود. رشته حقوقی جدیدی است که در دسته بندی های کلاسیک، رشته های حقوقی بیش بینی نشده است. در مقابل این تقسیم بندی کلاسیک، امروزه با توجه به کاربرد قواعد حقوقی، تقسیم بندی دیگری مطرح شده است، حقوق شهری در این دسته بندی کلاسیک قابل شناسایی است. این دسته بندی به موازات دسته بندی کلاسیک می باشد

حقوق شهری، مجموعه قوانین، قواعد و مقرراتی است که روابط شهروندان با ادارات شهر و نهادهای ذی مدخل در امر محلی و شهری را تنظیم نموده و حقوقی تکالیف ناظر بر شوراها، شهرداری ها و سایر ادارات شهری را تبیین می کند (اسدیان، ۱۳۹۳).

ملزومات حقوقی شهروندی عبارتند از:

- ۱- برای تحقق حقوق شهروندی باید به عوامل فرهنگی، مذهبی، تاریخی، سیاسی و اقتصادی در جامعه توجه بود، هر کدام از این عوامل به سهم خود در تحقق حقوق شهروندی تاثیر گذار هستند. اگر به زمینه های تاریخی یوچه نشود، با نگرش های مذهبی حاکم در قدرت و جامعه دیده نشود، یا به ساختار سیاسی قدرت یعنی فردی بودن حکومت با دموکراتیک بودن آن اهمیت داده نشود، نمی توان انتظار داشت صرف اشاره با توجه به حقوق شهروندی در قانون اساسی، تضمین کننده این حقوق در جامعه باشد
- ۲- جوامع توسعه یافته دوره ای از توسعه یافتگی را پشت سر گذاشته اند که در این دوره زمینه ها و عوامل برای توسعه یافتگی هماهنگ و هم جهت شده اند. به همان میزان که به رشد اقتصادی توجه شده به اصلاح ساختار سیاسی نیز توجه شده. همین طور به کنترل جمعیت و مساله محیط زیست. همچنان که به افزایش رفاه اقتصادی شهروندان اهمیت داده شده به حق رای، حق دادخواهی عادلانه و منصفانه، حق برخورداری از آزادی بیان و حق تشکیل انجمن ها و نهادهای غیر دولتی نیز به همان اندازه توجه می شود. اما در کشورهای توسعه نیافته با در حال گذار، هم جهتی زمینه های پیشرفت کم رنگ بوده یا در حال طی کردن راه های سخت و پر فراز و نشیب است. شاید بتوان گفت بخشی از زمینه های توسعه با فرآینال جهانی شدن در حال آماده شدن است اما بخش دیگری از زمینه های توسعه که مربوط به قدرت، ساخت سیاسی و نزع حکومت، حقوق شهروندی و مشارکت شهروندان در امور اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است روند ناهمگون و کندی را طی می کند. همه این عوامل به نوبه خود بر پیشرفت و نتیجه بخش شدن توسعه تاثیر عمیق تری بر جای می گذارد.
- ۳- شهروند به عنوان یکی از عوامل مهم تاسیس دولت و حکومت است بنابراین به حقوق شهروندی باید از این مقوله نگر بست. به اصطلاح همان گونه که شهروندان در فرمانبرداری سهمیم هستند باید در حکمرانی هم سهمیم باشند. در چنین فرآیندی حقوق شهروندی پذیرفته و به رسمیت شناخته شده است، بنابراین جامعه ما نیازمند اصلاح نگرش نسبت به مفهوم حقوق شهروندی است. این اصلاح نگرش هم از درون قدرت و از بالا است و هم از پایین و از درون جامعه و در روابط بین شهروندان عملی می شود. از جمله راه های تحقق حقوق شهروندی تقربت نهادهای مدنی است، در این صورت دولت نباید نهادهای مدنی را که در عرصه های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی فعالیت می کنند به دیده مزاحم نگاه کند.



شکل شماره (۱) ارتباط حقوق شهری و حقوق و انتظارات شهروندی منبع، اسدیان، ۱۳۹۳

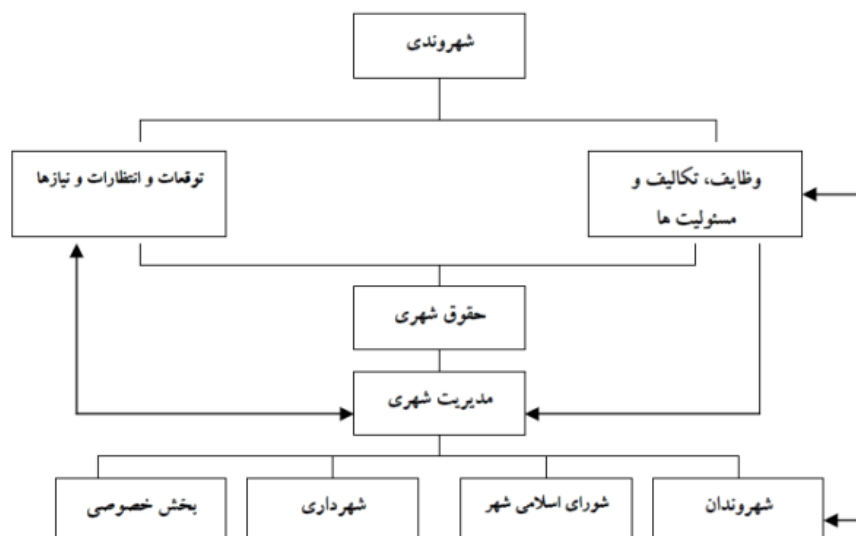
در تمامی کشورهای پیشرفته و حتی در اغلب کشورهای جهان سوم، نظیر هندوستان و ترکیه مقررات شهرسازی به صورت قانون در می آیند و توسط مراجع قوه مقننه نصب می شوند. در ایران گذشته از فقدان بحث حقوقی منسجمی تحت عنوان قانون شهرسازی، مقررات بر کننده ای که در این زمینه وجود دارند نیز اکثراً محصول و محبوب قوه مجریه مستند (افشای نادری، ۱۳۷۹، ۳ و ۲).

به طور کلی در نظام حقوقی کشور قوانین شهرسازی از جایگاه مناسبی برخوردار نیستند و بیشتر به صورت ضوابط اداری مطرح می شوند و بدیهی است در چنین شرایطی دیدگاه مراجع حقوقی به قوانین شهرسازی در حد ضوابط اداری است و در صورت هر گونه تعارض با قوانین جاری کشور، قوانین شهرسازی نادیده گرفته می شود (اردشیری، ۱۳۷۹، ۱۹).

به طور کلی، بحث در حوزه حقوق شهروندی، خود یک بحث مستقل و جامع است اما ضوابط و مقررات شهرسازی یا به تعبیر دیگر حقوق شهرسازی در صورت انطباق با اصل بهره مندی مورد نظر مارشال که در عبارت حقوق شهروندی خلاصه می گردد، بسیار کارآمد ارزیابی می شوند. برای این منظور در وهله اول اماما باید بیان می کرد که در حال حاضر در حقوق شهرسازی و مدیریت شهری ملاک عمل، چه میزان، حقوق شهروندی مشروعیت داد؟ و آیا سازوکارهای ظهور در رابطه شهروندی در فرایندهای تصمیم گیری و انتخاب وجود دارد؟

نتایج بررسی مجموعه مقررات و شهر سازی و معماری و طرح های توسعه و عمران مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران از تاریخ تأسیس تاکنون، حاکی است که متأسفانه اساساً چنین رویکردی در مجموعه ضوابط و مقررات عمومی شهر سازی وجود ندارد، به طوری که حتی کاربرد اصطلاحاتی نظیر «شهروندی» و «مردم» در متون ضوابط و مقررات مربوط حتی برای یک مورد نیز مشاهده نمی شود. بنابراین چنین استنتاج می گردد که اساساً در مجموعه ضوابط و مقررات شهرسازی حقوق شهروندی مشروعیت ندارد. از طرف دیگر ساز و کارهای ظهور «شهروندی» در فرایندهای تصمیم گیری و انتخاب نادیده گرفته شده است. به طوری که در ضوابط مصرح نحوه تصویب طرح های جامع شهر ها و نحوه تهیه تصویب ضوابط و مقررات اجرایی طرح های جامع و هادی و... هیچ ساز و کاری برای ظهور شهروند به عبارت بهتر «شهروند سازی» در فرایندهای تصمیم گیری و انتخاب پیش بینی نگردیده است. بررسی ضوابط و مقررات اختصاصی شهر تهران نیز حاکی از این معضل و کاستی است. به طوری که اولاً در تهیه و تصویب ضوابط و مقررات شهرسازی از جمله در فرایند تهیه و تصویب اولین طرح جامع شهر و طرح حفظ و ساماندهی و نیز ضوابط و مقررات اجرایی، حقوق شهروندی نادیده گرفته شده و به مجموعه شهر بسان شیئی برخورد شده است، از این رو، نمی توان از انطباق آن با مطلوبیت های خاص شهروندان اطمینان حاصل کرد. ثانیاً، تحلیل محتوای ضوابط و مقررات اجرایی طرح جامع و مجموعه ضوابط و مقررات ملاک عمل صدور پروانه ساختمانی، تفکیک اراضی، کسب و پیشه حاکی از آن است که حتی از کاربرد اصطلاح «شهروندی» و اصطلاحات جایگزین نظیر مردم و پیش بینی فرایندهایی برای مشارکت آن در ساز و کارهای تصمیم گیری خودداری شده است. در مجموعه مقررات و ضوابط ملاک عمل کسب و پیشه واحدهای تجاری و تولیدی، استعلام و اخذ نظر اتحادیه های صنفی، صنوف تولیدی و خدمات فنی به استناد ماده ۱۵ قانون اصلاح قانون نظام صنفی (مصوب ۶۸/۲/۳۱ مجلس شورای اسلامی) مورد توجه و مشروعیت یافته است ولی حتی این امر این در خصوص صدور مجوز به واحد های جدید صنفی محدود به همان واحد صنفی برده و نظرسنجی از شهروندان دین را نیز تا بر نمی گیرند (صالحی، ۱۳۸۲، ۱۳۴). حال آن که قوانین و ضوابط شهرسازی تکلیف شهروندان را در ایجاد مهر گونه بنایی در شهر روشن می کنند. در حال حاضر با شرایط موجود معمولاً اولین باری که شهروندان ضوابط و مقررات شهرسازی را مورد توجه قرار می دهند، هنگامی است که برای اخذ پروانه احداث ساختمان یا محل کار و کسب خرد به شهرداری مراجعه می کنند. در این زمان رابطه شهروند یا شهرسازی بسیار سطحی است و به لحاظ عدم آگاهی با فلسفه قوانین و مقررات، آن را مانعی شاه رسیدن به خواسته های خود یا ابزاری در دست شهرداری برای کسب در آمد می پندارد (هاشمی، ۱۳۷۹، ۲۳). مهمترین نمونه ای که ناقض مطلوبیت های شهروندان در شهر تهران است، اثرات فروش تراکم مازاد می باشد. فروش تراکم مازاد با توجه به اثر آن در کاهش سرانه کاربری های رفاهی و توان محیطی شهر در مقابل آلودگی هوا، افزایش ترافیک و مشکلات دیگری که ناشی از آن می گردد، یک ناسازگاری بارز در رابطه با مطلوبیت های شهروندان می باشد. مصوباتی که در قالب ضوابط و مقررات فروش تراکم مازاد طی دهه اخیر در شهر تهران ایجاد شده با مطلوبیت شهروندان هیچ انطباقی ندارد. بر همین اساس خلاصه گزارش نظرسنجی از شهروندان تهرانی در تیر ماه ۹۱ مزید آن است که اگر

فردی به اتفاق مردم با توقف فروش مازاد تراکم موافق بوده اند، اما هیچ یک از آن ها با استناد ماده ۳۸ قانون مدنی خواستگار رسیدگی به آن نشده اند(صالحی، ۱۳۸۲، ۱۲۹، به نقل از موسسه ملی پژوهش، ۱۳۸۱، ۱).



شکل شماره ۲ ارتباط مفاهیم تشکیل دهنده مدیریت شهری(منبع کمالی و همکاران، ۱۳۹۵)

۶- پیشینه تجربی

کمالی و همکاران (۱۳۹۵) نتایج پژوهش نشان می دهد اهمیت حقوق شهری را باید در تدوین قواعد و مقررات راجع به برنامه ریزی شهری و مدیریت شهری و تأثیرات مثبت ناشی از قانونمند کردن زندگی شهری و سایر پیامدهای دگرگون کننده در برنامه ریزی و مدیریت شهری جستجو کرد.

در پژوهشی که شادی و شکاری (۱۳۹۸) با عنوان نقش مدیریت شهری در ارتقاء فرهنگ و اخلاق شهروندی انتشار نمودند، مهمترین نتایج تحقیق عبارت بوده است از اینکه آموزش شهروندی، پیوست فرهنگی و نحوه مدیریت شهری در ارتقاء فرهنگ و اخلاق شهرنشینی تأثیرگذار بوده است. ضمن اینکه نتایج نشان داد که میزان آگاهی شهروندی از حقوق شهروندی کمتر از حد متوسط بوده است. ضمن اینکه راهکاری ارائه شد مبنی بر اینکه مدیریت شهری باید برای آگاه سازی عمومی و ایجاد و ارتقای فرهنگ شهرنشینی، گسترش شهروند مداری و آموزش شهروندان در زمینه های مختلف، کارکرد و فعالیت فرهنگی داشته باشد.

در پژوهشی که تحت عنوان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری توسط تقوایی و همکاران (۱۳۹۴) انجام داده اند، مهمترین نتایج تحقیق بدین صورت بوده است که بین رضایت شهروند، احساس مالکیت شهروندی، رویکرد عدالت محوری شهرداری با مشارکت ارتباط مستقیم و معنی داری وجود دارد.

در پژوهشی که احد بهشتی اصل در سال ۱۳۹۵ با عنوان بررسی نقش نهادهای غیردولتی^۱ در احیاء جایگاه حقوق شهروندی کلانشهر تبریز انجام داده است، مهمترین یافته های این تحقیق بیانگر آن است که تشکیل نهادهای غیردولتی هر چند در سطح قابل قبول توانسته است، در زمینه احیاء حقوق شهروندی، نقش ویژه ای در بالابردن سطح آگاهی شهروندان، شناساندن وظایف حقوق شهروندی داشته باشد. در نهایت به دو نمونه از مشارکت شهروندی اشاره شد که شهروندان در آن حقوق شهروندی را رعایت نموده اند: ۱- عدم وجود فرهنگ گداپروری، ۲- یکدستی قومی و عدم وجود افراد مهاجر یا افغانی که سبب می شود از ناهنجاریهای رفتاری و اخلاقی به مراتب کاهش یابد.

رضازاده و محمدی (۱۳۹۶) در مقاله ای تحت عنوان اعتماد به مدیریت شهری و انجام تکالیف شهروندی تحقیقی انجام داده است، نتایج تحقیق نشان داد که بین اعتماد به پاسخگویی، اعتماد به شفافیت مالی، اعتماد به قانونمندی با رعایت تکالیف شهروندی ارتباط مستقیم و معناداری دارد، بدین معنا که هر یک از ابعاد اعتماد افزایش یابد، رعایت تکالیف شهروندی نیز گسترش می یابد.

فاطمی نیا (۱۳۹۰) در مطالعه ای کتابخانه ای و اسنادی تحت عنوان «فرهنگ شهروندی: محصول حاکمیت شهری معتمد، مدیریت شهری کارا و شهروند فعال» در این تحقیق بدست آمد که اقدامات و فعالتهای بدنه های اجرایی اصلی جامعه شهری یعنی؛ نهادهای دولتی و مدیریت شهری بطور مستقیم در شکل گیری فرهنگ شهروندی مؤثر هستند. برخی دیگر از نتایج تحقیق مذکور نتایج تحقیق بیانگر این بوده است که شهروندی محصول و محل تعهد و مسؤول بودن عناصر مختلف جامعه می باشد و

۱- سمن ها یا سازمانهای مردم نهاد

برای تحقق آن نیازمند یک حرکت دو سویه هستیم. یکی از بالا به پایین، که همان فرصت دهی و مشارکت جویی ساختار کلان می باشد و دیگری از حرکت از پایین به بالا که همان مشارکت و فعالیت های اجتماعی شهروندان برای حضور در عرصه های مختلف جامعه، به ویژه عرصه عمومی است.

بلیاس و کاستلیوس^۱ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین ضمانت اجرایی قوانین شهرداری و حقوق شهروندی به این نتایج دست یافتند که بین مقررات و قوانین شهری لازم الاجرا و تکوین حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین پیشنهاد شد که قانون و مقررات شهری نباید استثناء پیدا کند و عدالت باید برای همه یکسان عمل کند. ضمن اینکه عواملی مثل میزان شناخت و آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی سبب رعایت هر چه بیشتر حقوق شهروندی می گردد.

میسرا^۲ و همکارانش در کشور هند در سال ۲۰۱۴ پژوهشی با عنوان ناحیه محوری، ضرورت ارتقاء مدیریت محلی در دهلی را منتشر نموده اند که نتایج آن بدین شرح است: یکی از مهمترین متغیرهای تأثیرگذار در ارتقاء مدیریت در شاخصهای قانونمندی و کاهش فاصله طبقاتی جامعه، افزایش مشارکت اجتماعی و افزایش سرمایه اجتماعی و وجود سرمایه فکری می باشد. همچنین در این تحقیق مدیریت شهری جهت کاهش فاصله طبقاتی راهکار اجرایی اجاره منازل مسکونی به گروههای کم درآمد جامعه را به جای خرید و اعطای مالکیت را روش قابل اجرا و عملی می داند.

الحرابی و الیحیا^۳ (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان فرهنگ شهروندی و ابعاد تعریف شده در مدیریت شهری را بررسی کردند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که بطور کلی تحقق حقوق شهروندی مستلزم شناخت و به تبع آن آگاهی شهروندان از مولفه ها و ابعاد این حقوق در دایره مدیریت شهری می باشد، لذا ابتدا می بایست شهروندان شناخت لازم را از مقوله حقوق و یا فرهنگ منتسب به آن بدست آورند و بتدریج به نقش بنیادی شان به عنوان فرد مسئول در اداره امور اجتماعی و شهری پی ببرند.

سین^۴ و همکاران (۲۰۱۲) در مقاله ای عوامل موثر بر رعایت تکالیف و وظایف شهروندی (بعدی از حقوق شهروندی) را در استرالیا بررسی نموده اند، نتایج یافته های شان نشان داد که از مهمترین فاکتورهای موثر که به طور معنی داری در تکوین حقوق شهروندی تأثیرگذار نشان داده اند، می توان به برخورداری از حقوق و امتیازات شهروندی از قبیل برخورداری از حقوق فرهنگی، از قبیل تساوی حقوق از هر رنگ و نژاد، آموزش و پرورش و...، حقوق اجتماعی از قبیل آزادی بیان، آزادی و استقلال احزاب حتی احزاب مخالف، انتقاد از بی عدالتی ها، برخورداری از حق تامین اجتماعی و ... شهروندان اشاره کرد. ضمن اینکه نوع نگرش دینی در رعایت تکالیف و وظایف شهروندی تأثیری نداشته است.

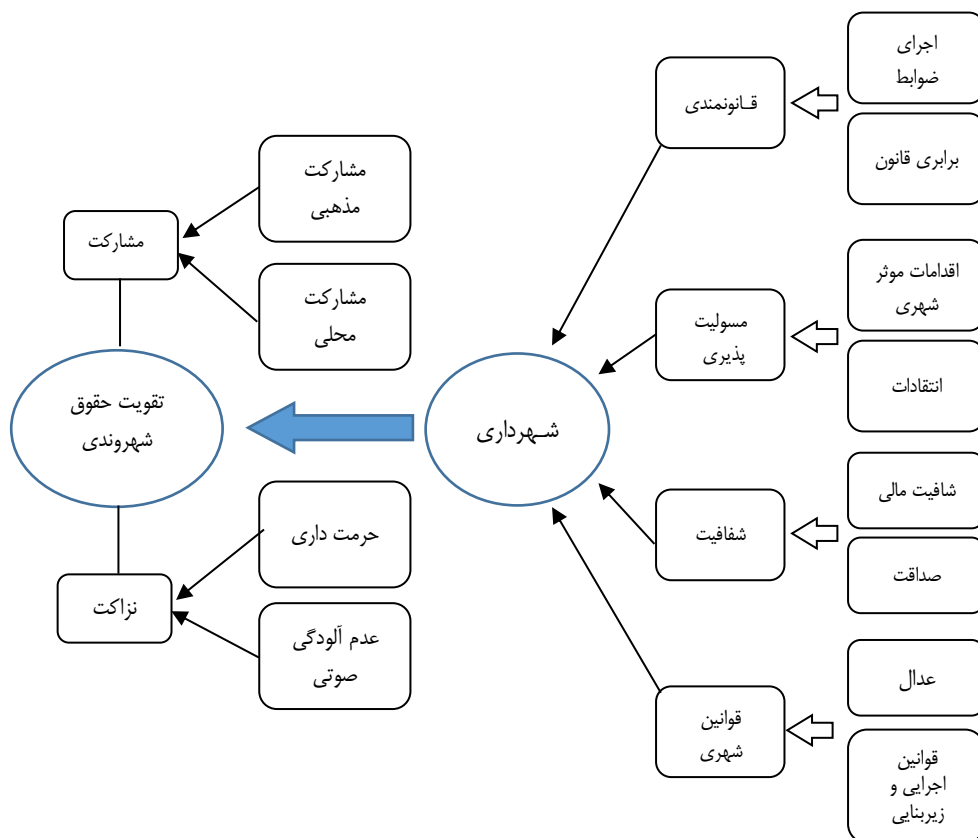
بورال^۵ و همکاران (۲۰۱۲) در مقاله ای تحت عنوان تبیین نقش شهروندی در حقوق شهروندی نشان دادند که آموزش نقش شهروندی می باشد که از طریق جریان جامعه پذیری پرورش می یابد. در این تحقیق اینگونه نتیجه گیری حاصل شد که عوامل دخیل در جریان جامعه پذیری (که مهمترین مسیر مدنی شدن افراد در هر جامعه ای را تشکیل می دهد) می بایست برآیند حاصل از "آموزش شهروندی" را برای تک تک شهروندان به "باور شهروندی" مبدل نمایند.

یاسیل و کایا^۶ (۲۰۱۲) در مطالعه خود نقش شهرداری در شکل گیری حقوق شهروندی را بررسی کردند. نتایج این تحقیق حکایت از آن داشته که مدیریت شهری یا شهرداری کارآمد و شایسته سالار می تواند تا حدود زیادی سبب ایجاد و تقویت حقوق شهروندی شهروندان شود. برخی دیگر از نتایج این تحقیق حاکی از آن است که چنانچه حقوق مسلم شهروندان از قبیل حقوق فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به شهروندان رعایت و ارائه شود، انجام وظایف شهروندان بصورت خودجوش و داوطلبانه رعایت می شود. بعبارتی رعایت حقوق شهروندی مستلزم وجود ارتباط و تعامل دوجانبه بین نهاد شهرداری در ارائه حقوق به شهروندان و شهروندان در انجام تکالیف و وظایف شان می باشد.

گیلبرت و گایگر^۷ در سال ۲۰۱۰ پژوهشی با عنوان حقوق شهروندی و مدیریت شهری در جوامع توسعه یافته و کشورهای کمتر توسعه یافته انجام داده اند که به این نتایج مهم رسیدند که قوانین و مقررات شهری در کشورهای به اصطلاح نیم بند/جهان سوم نسبت به کشورهای توسعه یافته فاقد کارایی هستند. در این گونه کشورها تمامی فعالیتها از فعالیتهای اقتصادی تا کسب پروانه ساختمان و اجازه کسب و کار شامل مقررات دولتی می شوند، حقوق شهروندی در کشورهای جهان سوم محدود شده و یا وجود ندارد و ابعاد مجازاتها نیز گسترده است و نهایتاً گریز از قانون و وظایف به هر شکلی زیاد است.

1. Belias & Koustelios
2. Misara
3. Alharabi & Alyahya
4. Seen
5. Boral
6. Yesil & Kaya
7. Gilbert & Gaiger
8. Soft states

۷- مدل تحلیلی تحقیق



۸- روش تحقیق

روش پژوهش حاضر روش پیمایشی می باشد.

متغیرهای مقاله:

متغیرهای مستقل: قانونمندی، مسئولیت پذیری و پاسخگویی، شفافیت شهرداری و قوانین و مقررات شهرداری
متغیر وابسته: حقوق و انتظارات شهروندی

جامعه آماری، روش نمونه گیری و حجم نمونه:

منطقه ۵ و ۹ شهرداری تهران در شمال غربی تهران واقع گردیده است. قبل از شکل گیری منطقه ۲۲ شهر تهران، منطقه ۵ و ۹ به عنوان نقاط غربی شهر تهران محسوب می شود. این جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی کارکنان ۲۲ منطقه شهرداری تهران به تعداد ۳۲۰۰ می باشد که بر اساس جدول کرجسی مورگان تعداد ۳۴۵ نفر بعنوان حجم نمونه نهایی تحقیق انتخاب می شوند. شیوه نمونه گیری بصورت خوشه ای چند مرحله ای بوده است بدین معنا که ۲ منطقه غرب تهران ۵ و ۹ را بدلیل مجاورت بودن به عنوان محل آزمودنیهای تحقیق انتخاب شد.

$$N=3200 \quad n = 345$$

روایی و پایایی تحقیق

مهمترین ابزار مقاله پرسشنامه می باشد. پرسشنامه تحقیق با توجه به متغیرهای تحقیق از میسر (۲۰۱۴)، استوارت (۲۰۱۲) و همچنین اکبرپور (۱۳۹۵) و شمعی و همکاران (۱۳۹۲) استخراج شده است. در همه این تحقیقات، پرسشنامه پایایی لازم و بالاتر از ۰/۷ را داشته است.

روایی^۱ یا اعتبار ابزار اندازه گیری با استفاده از اعتبار صوری سنجیده خواهد شد. سوالات ابزار پرسشنامه توسط اساتید محترم راهنما و استاد مشاور و استادان دیگر روش تحقیق گروه مدیریت شهری مورد بررسی و تأیید قرار گرفت.

جدول شماره (۳) پایایی سوالات مربوط به شاخص های مورد بررسی

ردیف	متغیر	ضریب پایایی
۱	حقوق شهروندی	۰/۸۷۴
۲	شفافیت	۰/۸۴۹
۳	مسئولیت پذیری و پاسخگویی	۰/۷۸۱
۴	قانونمندی	۰/۷۱۷
۵	قوانین و مقررات شهرداری یا مدیریت شهری	۰/۷۲۵

مطابق داده های مقاله نشان دهنده توزیع فراوانی پاسخگویان را بر حسب جنسیت آنان می باشد در جمعیت ۷۰ نفر نمونه، ۸۴٫۹٪ افراد معادل ۲۹۳ نفر آقا و ۱۵٪ افراد معادل ۵۲ نفر نیز خانم هستند. توزیع پاسخگویان بر حسب وضعیت تأهل توزیع پاسخگویان نشان می دهد که ۷۳٫۶ درصد معادل ۲۵۴ نفر از پاسخگویان متأهل ۲۶٫۴ درصد معادل ۹۱ نفر هم مجرد هستند. از نظر میزان سابقه کار کمترین فراوانی (۶٪) متعلق به کسانی است که میزان سابقه کار آن ها ۲۵ سال به بالا قرار دارند و بیشترین فراوانی مربوط به دوره خدمت ۱۵ تا ۲۰ سال که ۱۸۰ نفر معادل ۵۲٫۲٪ افراد را شامل می شود در برمی گیرد.

۹- بررسی فرضیه های تحقیق

با توجه به نتایج جدول ۴ که بررسی رابطه بین متغیرهای قوانین و مقررات شهرداری و تقویت حقوق شهروندی می باشد، سطح معناداری ۰/۰۰۰ که کمتر از میزان خطای استاندارد (۰/۰۵) است؛ نشان می دهد که بین متغیر مستقل قوانین و مقررات شهری و متغیر وابسته تقویت حقوق شهروندی رابطه معنی داری وجود دارد؛ با توجه به ضریب بتا که برابر است با ۰/۴۱۳ مشخص می شود که اگر میزان متغیر مستقل قوانین و مقررات شهرداری به اندازه یک واحد افزایش یابد، تقویت حقوق شهروندی را به اندازه ۰/۴۱۳ افزایش یا عبارتی دیگر تغییر خواهد داد و تقویت حقوق شهروندی افزایش می یابد. بنابراین فرضیه صفر تحقیق رد و فرضیه یک تحقیق تأیید می گردد.

جدول ۴- بررسی فرضیه های تحقیق

متغیر	مدل	ضرایب غیر استاندارد		T	سطح معناداری
		Std. Error	Beta شده		
قوانین و مقررات	رگرسیون	۰/۰۶۴	۰/۴۱۳	۱۰/۰۱	۰/۰۰۰
مسئولیت پذیری و پاسخگویی	رگرسیون	۰/۴۹۷	۰/۳۸۷	۵۴/۹	۰/۰۰۰
شفافیت	رگرسیون	۰/۰۹۸	۰/۱۰۷	۲٫۵	۰/۰۰۱
قانونمندی	رگرسیون	۰/۰۸۸	۰/۲۰۱	۱٫۷	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج جدول فوق که بررسی رابطه بین متغیرهای تقویت حقوق شهروندی و مسئولیت پذیری و پاسخگویی می باشد، سطح معناداری ۰/۰۰۰ که کمتر از میزان خطای استاندارد ۰/۰۵ است به همراه ضریب همبستگی ۰/۳۸۷؛ نشان می دهد که بین متغیر مستقل مسئولیت پذیری و پاسخگویی و متغیر وابسته تقویت حقوق شهروندی رابطه معنی دار و مثبتی وجود دارد؛ بنابراین فرضیه صفر تحقیق رد و فرضیه یک تحقیق تأیید می گردد. عبارتی مسئولیت پذیری و پاسخگویی سبب افزایش تقویت حقوق شهروندی شده است.

با توجه به نتایج جدول فوق که بررسی رابطه بین شفافیت و تقویت حقوق شهروندی می باشد، سطح معناداری ۰/۰۰۱ که کمتر از میزان خطای استاندارد (۰/۰۵) است؛ نشان می دهد که بین متغیر مستقل شفافیت و متغیر وابسته تقویت حقوق شهروندی رابطه معنی دار و مستقیمی وجود دارد؛ توجه به ضریب بتا که برابر است با ۰/۱۰۷ مشخص می شود که اگر میزان متغیر مستقل شفافیت به اندازه یک واحد افزایش یابد، تقویت حقوق شهروندی را به اندازه ۰/۱۰۷ افزایش خواهد داد. بنابراین فرضیه صفر تحقیق رد و فرضیه یک تحقیق تأیید می گردد.

با توجه به نتایج جدول فوق که بررسی رابطه بین قانونمندی و تقویت حقوق شهروندی می باشد، سطح معناداری ۰/۰۱۵ که کمتر از میزان خطای استاندارد (۰/۰۵) است؛ نشان می دهد که بین متغیر مستقل قانونمندی و متغیر وابسته تقویت حقوق شهروندی رابطه معنی دار و مستقیمی وجود دارد؛ توجه به ضریب بتا که برابر است با ۰/۲۰۱ مشخص می شود که اگر میزان متغیر

مستقل قانونمندی به اندازه یک واحد افزایش یابد، تقویت حقوق شهروندی را به اندازه‌ی ۰/۲۰۱ افزایش خواهد داد. بنابراین فرضیه صفر تحقیق رد و فرضیه یک تحقیق تایید می گردد.

۱۰- بحث و نتیجه گیری

در این مقاله متغیرهای مستقل قوانین و مقررات شهرداری و مسولیت پذیری، قانونمندی و شفافیت در قالب شهرداری یا مدیریت شهری بوده است، که تا چه حد از سوی مدیران شهری کامل یا قانونمند اجرا می گردد. متغیر وابسته یا حقوق شهروندی دربرگیرنده حقوق و انتظارات شهروندی نبوده است، بلکه تنها به مفهوم وظایف و تکالیف شهروندی بوده است. اما در این تحقیق تکالیف شهروندی دربردارنده مفاهیمی از قبیل نزاکت شهروندی و مشارکت اجتماعی بوده است.

اهمیت نقش متقابل مدیریت شهری با شهروندان بر کسی پوشیده نیست؛ از موضوعات مهمی که در حوزه مطالعات شهری، برنامه ریزی و مدیریت شهری در سطح جهانی مطرح شده است، بحث رابطه حقوق شهری، زندگی شهری و مدیریت را شامل فرایندهای سیاست گذاری، برنامه ریزی، هماهنگی، سازماندهی و نظارت «مدیریت شهری» شهری است. چنانچه نظام بر اداره امور شهر و شهرداری بدانیم و نظام حقوق شهری را به مثابه روند قانونمند کردن فرایندهای چندانگانه نظام مدیریت شهری و نیز قانونمدار نمودن وظایف و تکالیف متقابل و دو سویه شهرداری به شهروند محسوب کنیم که هدف آن به سامان کردن زندگی شهری و فعالیتهای شهرداری و شهروندان است، به خوبی اهمیت نقش و جایگاه نظام حقوق شهری در مدیریت شهری و نیز رابطه و نسبت مدیریت شهری و حقوق مشخص می شود.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول مقاله با اجرای آزمون مشاهده گردید که قوانین و مقررات شهرداری در تقویت حقوق شهروندی رجوع تاثیرگذار بوده است. انتظار می رفت تحلیل محتوای ضوابط و مقررات اجرایی اعم از صدور پروانه ساختمانی، تفکیک اراضی، کسب و پیشه حاکمی، طرح ترافیک شهرداری و... چنانچه اجرایی و بروز شوند، می تواند تاثیر بسزایی در احقاق حقوق شهروندی داشته باشد. نتایج تحقیق حاصله از فرضیه مذکور با نتایج کمالی و همکاران (۱۳۹۵)؛ تقوایی و همکاران (۱۳۸۸)، فاطمی نیا (۱۳۹۰) و در بین تحقیقات خارجی با تحقیق بلیاس و کاستلیوس (۲۰۱۶) و میسرا و همکارانش کشور هند در سال ۲۰۱۴ یکسان است.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم نیز بدین گونه بوده است که بین متغیرهای مسولیت پذیری و پاسخگویی و تقویت حقوق شهروندی ارتباط دارد. نتیجه این فرضیه تحقیق بیش از پیش گواه این است که تقویت حقوق شهروندی تحقق نخواهد گرفت، جز اینکه مسولیت پذیری ملکه ذهن و نهاده شده شود. این امر نیازمند فرهنگ سازی بیشتری است. بدون فاکتور مسولیت پذیری و داوطلبانه از سوی مردم محله و منطقه ای، رونق و بهبود حقوق شهروندی توهمی بیش نیست. این یافته نیز تحقیق با تحقیقات ربانی و همکاران (۱۳۸۸)، رضازاده و محمدی (۱۳۹۲)، عیدی (۱۳۸۶) و در بین تحقیقات خارجی با فاطمی نیا (۱۳۹۰)، بلیاس و کاستلیوس (۲۰۱۶)، سین و همکاران (۲۰۱۲) و گیلبرت و گایگر در سال ۲۰۱۰ موافق و همسوست.

در فرضیه سوم تحقیق نیز نشان داده شد که متغیر اصلی به شفافیت و تقویت حقوق شهروندی راجع بوده است. انتظار می رفت که شفافیت در امور مدیریت شهری سبب تقویت حقوق شهروندی شود که این چنین نیز شد. مدیریت شهری در صورتی می تواند که موانع را از پیش رو بردارد که برخی از انتظارات شهروندان از جمله شفافیت در حوزه های مالی، عزل و نصب مدیران و... را برآورده سازد. همچنین در تحقیقات داخلی این نتیجه تحقیق با نتایج شادی و شکاری (۱۳۹۲)، تقوایی و همکاران (۱۳۸۸)، رضازاده و محمدی (۱۳۹۲) و در تحقیقات خارجی با میسرا و همکارانش (۲۰۱۴)، الحرابی و الیخیا (۲۰۱۳) یکسان بوده است.

اما نتیجه فرضیه چهارم تحقیق که آخرین فرضیه مقاله را نیز شامل می شود، به تاثیرگذاری متغیر قانونمندی در تقویت حقوق شهروندی راجع بوده است، از آن جا که شکل گیری قانونمندی نیازمند تعامل بین عناصر مدیریت شهری که شامل شهروندان، نهادهای اداره کننده شهر، شورای اسلامی شهر و بخش خصوصی است. لذا عدم گسترش و نهاده شدن قانونمندی در نزد مدیران شهری سبب تمرکز گرایی شدید اداری و مدیریتی خواهد گردید و سبب نارضایتی و گسست ارتباط و تعامل بین شهروندان و مدیران شهری خواهد گردید، نشان می دهد که بین متغیر مستقل قانونمندی و متغیر وابسته تقویت حقوق شهروندی رابطه معنی دار و مستقیمی وجود دارد. نتایج تحقیق حاصله از فرضیه مذکور با نتایج ربانی و همکاران (۱۳۸۸)، کمالی و همکاران (۱۳۹۵)؛ تقوایی و همکاران (۱۳۸۸)، فاطمی نیا (۱۳۹۰) و در بین تحقیقات خارجی با تحقیق بلیاس و کاستلیوس (۲۰۱۶) و میسرا و همکارانش کشور هند در سال ۲۰۱۴ یکسان است.

۱۰-۱- پیشنهادات کاربردی حاصل از نتایج تحقیق

- ۱- چنانچه بروز رسانی و تطبیق با واقعیات اجتماعی و شهروندی در حوزه قوانین شهری در دستور کار مدیران شهری قرار گیرد، سبب تقویت حقوق شهروندی خواهد گشت.
- ۲- مدیران شهری شهرداریها می بایست بروز رسانی قوانین شهری در حوزه های ساخت و ساز، ترافیک و... را از اولویت های کاری و برنامه ای خویش قرار دهند.

- ۳- حذف و اصلاح سازی در برخی قوانین موجود که عملاً کارایی و نظارت چندانی ندارند.
- ۴- فراخوان جذب مشارکت مردم از آغاز پایه ریزی طرحهای شهری در تهیه و تنظیم طرحها، برنامه ریزی، اجرا و ارزیابی جهت تقویت حقوق شهروندی
- ۵- مدیران شهری می بایست مسئولیت پذیری و جدیت بالایی در جهت حذف بند فروش تراکم مازاد در بدنه شهرداری داشته باشند و از هرگونه منفعت طلبی پرهیز نمایند.
- ۶- شفافیت مالی، کاری و... چند ابعاد قوی بودن، مستمر بودن، به روز بودن و رسا بودن را دارا باشد.
- ۷- ارائه گزارش آمار و بودجه های هزینه شده در پروژه ها و مگا پروژه ها می تواند شفافیت عملکرد مدیران شهری را به مراتب افزایش دهد.
- ۸- مدیران شهری می بایست از پنهان کاری های غیر قانونی صورت وضعیت های مالی، تخصیص بودجه ها، فساد مالی و... در سطح مدیران استراتژیک و میانی را کاهش دهند.

منابع

۱. اسدیان، عقیل، سلیمانی، محمدرضا (۱۳۹۲). شهروند کیست، چه وظایف و مسئولیت هایی در قبال دولت و جامعه و دارد؟». گفتگوی بنیاد آرماتشهر. ۸ قوس ۱۳۸۵. ص ۳۰ تا ۱۸.
۲. اکبرپور، حمزه (۱۳۹۵). بررسی مقایسه ای وضعیت موجود و مطلوب شاخصهای حکمروایی خوب شهری در شهرداری تهران (مطالعه موردی منطقه ۵ شهرداری تهران)، پایان نامه مدیریت شهری، گرایش امور شهری.
۳. برک پور، ن (۱۳۸۶)، (گذراز حکومت شهری به حاکمیت شهری در ایران)، رساله دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران
۴. محمدرضا، احد (۱۳۹۰). بررسی نقش نهادهای غیردولتی در احیاء جایگاه حقوق شهروندی کلانشهر تبریز، چاپ در کنفرانس بین المللی فرهنگ شهر و شهرنشین، تبریز.
۵. شیعه، علیرضا (۱۳۸۲). لزوم تحول مدیریت شهری در ایران، مجله جغرافیا و توسعه، بهار و تابستان، ۳۷-۶۲
۶. اسماعیل زاده، محمد و صرافی (۱۳۹۲). جایگاه حکمروانی خوب برنامه ریزی شهری طرح متروی تهران، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ویژه جغرافیا، صص ۱۵-۱.
۷. بلایر، هارل (۲۰۰۶) مشارکت و پاسخگویی در محیط پیرامون و حکمروایی محلی در شش کشور، دانشگاه کانادا.
۸. برک پور، ناصر (۱۳۸۲) واژگان شهری، ماهنامه شهرداریها، سال پنجم، شماره ۲۱، صص ۱۱۷
۹. برک پور، ناصر (۱۳۹۶)، (گذراز حکومت شهری به حاکمیت شهری در ایران)، رساله دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران
۱۰. رهنما، رودابه (۱۳۹۴) تحلیل جایگاه حکمروایی خوب شهری در مشهد با الگوی SWOT، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، شماره ۱۵، صص ۲۲۴-۱۹۷.
۱۱. سعیدی، حسین (۱۳۸۷). حکمروایی خوب، دانشنامه ی مدیریت شهری و روستایی، سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور، تهران.
۱۲. شکوهی، کمال (۱۳۹۲) بررسی تحلیلی عوامل زمینه ساز حکمروایی خوب در شهر بندر ترکمن، مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۴۱-۳۱.
۱۳. رکن الدین افتخاری، ک و دیگران (۱۳۹۱) ارائه الگوی مناسب حکمروایی خوب روستایی در ایران، فصلنامه جغرافیایی ژئوپلیتیک، شماره ۲۶، صص ۲۸-۱.
۱۴. نگایر، و (۲۰۰۰) چالش حکمروایی خوب برای بانک جهانی و صندوق بین المللی سرمایه گذاری خارجی (IMF).
۱۵. صالح نیا، نفیسه و همکاران (۱۳۹۹). مسوولیت پذیری شهری جامعه ایران، اولین کنفرانس بین المللی حماسه سیاسی و اقتصادی شهری، تهران
۱۶. صرافی، محمدرضا و دیگران، (۱۳۸۷). تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین و مدیریت شهری، پژوهش های جغرافیایی، ش ۶۳.
۱۷. صرافی، مظفر و دیگران (۱۳۸۵) مفهوم، مبانی و چالش های مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت شهری، شماره، صص ۱۲-۸
۱۸. فخرایی، سعید (۱۳۷۸)، ب ررسی میزان قانون پذیری و عوامل مؤثر بر آن، فصلنامه فرهنگی و اجتماعی شورای فرهنگ عمومی ارشاد اسلامی: ۶۴ تا ۸
۱۹. کمالی مشهود، ناصر و همکاران (۱۳۹۵). نقش شهرداری ها در تحقق پذیری حقوق شهروندی با رویکرد مشارکتی، چاپ در کنفرانس بین المللی مهندسی معماری و شهرسازی، تهران. خرداد (۱۳۹۵).
۲۰. رازقی سیدابوصالحی (۱۳۸۹). توسعه اقتصادی، اجتماعی و قانون شکنی « مجموعه مقالات همایش قانون و قانون گرای و تأثیر آن بر فرهنگ عمومی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۲۱. محمدی، آل سعید (۱۳۸۹) مدیریت شهری و راه های تقویت مشارکت شهروندی، انتشارات بوستان قم.
۲۲. منتظری، سید علی اکبر (۱۳۸۷)، مجموعه کامل قوانین و مقررات شوراهای اسلامی قم، انتشارات بیت الاحزان
۲۳. نورمن، هامرال؛ کمیلیکا، پاول (۲۰۰۶) مشارکت و پاسخگویی در محیط پیرامون و حکمروایی محلی در شش کشور، دانشگاه کانادا.
۲۴. محسنی، محمد (۱۳۷۸)، بررسی گرایش به اطاعت از قانون در ایران، در قانون گرایی و فرهنگ عمومی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۵. محسنی، رضا (۱۳۸۴)، رابطه قانون گرایی با کاهش جرم، فصلنامه فرهنگ عمومی، چاپ ششم سال سوم.
26. Belisas, bros, Kastilos (2016) Investigating the relationship between the guarantee of municipal law enforcement and citizenship rights, published by Palgrave Macmillan palgrave ,New York
27. Gilbert Alen, Gaiger Zhozef (2013) Rights citizenship and management urban at developed countries and developing countries. citizenship science , vol,12 , No .3 , pp 1-19.
28. Seen, Polas (2012). Factors affecting the observance of homework and citizenship duties, First published by Earthscan in the UK and USA ,London
29. Sociological and Economic Approaches to the Analysis of Social Structure. (1988), pp. S95-S120 Alharabi, Mahmood & Alyahya, Khaled (2013) Citizenship culture and its dimensions Citizenship culture and its dimensions, First published by Earthscan in the UK and USA ,London
30. United Nations Development Programme (2002). Depending in a developing world. Oxford university press. P.367
31. Yesil ,Giovani & Kaya, (2012) mehmet, Urban Management in the Formation of Citizenship Rights, Published by The Press Sundicate of the University of Cambridge

**Journal of
Urban Design Studies
and Urban Research**

ISSN: 2645-4424

www. UDSJ .ir

مطالعات طراحی شهری
و پژوهش‌های شهری

نشانی: کرج، بلوار امام خمینی (باغستان)، بین
خیابان پنجم و ششم، روبروی مجموعه ورزشی
انقلاب، پلاک ۷۳۵، ساختمان پرند، واحد ۱



۰۲۱ ۳۳ ۲۰ ۲۴ ۸۷



۰۲۶ ۳۴ ۴۳ ۶۹ ۵۹



۰۲۱ ۴۳ ۸۵ ۷۱ ۲۴